



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَهٖ نَسْتَعِیْنُ اِنَّهٗ خَیْرٌ نَّاصِرٌ وَمَعِیْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی وَآلِہٖمُ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِہِمُ اَجْمَعِیْنَ اَبَدَ الْاَبَدِیْنَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

عمات الاولساء

فی التوسل بحديث الكساء

آثار و برکات توسل بہ حدیث قدسی کساء

طرح و برنامہ ریزی پڑوشی و دیریت و اشرف علمی: ڈاٹر المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پڑوشکده علوم معرفت الہی۔ بنیاد حیات اعلیٰ

برکات عظیمه حدیث قدسی کساء

از عنایات حضرت صاحب الأمر (منه السلام وایه التسلیم)

مرکزی جهانی از اهل حق است، که در ۲۴ حوزه علمی گوناگون؛ معارف الهی را از منبع نورانی کلام وحی و کلام خازنان وحی ﷺ پژوهش نموده، و دانشجویان بسیاری از مشتاقان علوم اهل بیت ﷺ در جهان؛ در آموزشکده های آن علوم؛ بطور حضوری و غیر حضوری؛ تعالیم مکتب وحی را می آموزند.

این مرکز علمی که غیر انتفاعی حقیقی می باشد، به عنوان تعرفه ثبت نام؛ و شهریه دوره های آموزشی دانشجویان؛ روش خاصی را بکار می برد، که ضمن التزام بر ویژگی غیر انتفاعی حقیقی؛ دانشجویانی که از امکانات آموزشی بهره مند می شوند؛ در مقابل آنها بی تعهد نبوده؛ و هزینه ای ولو معنوی را بپردازند.

این هزینه معنوی؛ تشکیل مجلس خانگی توجّه الهی و توسل (مانند حدیث شریف کساء) و تصحیح اذان و نماز و تلاوت و آموختن معارف الهی به خاندان و دوستان خود می باشد. این تعهد نورانی همانند برنامه تحصیلی دانشجویان؛ بطور جدی و منظم اجرا می شود.

در پرتو این التزام آموزشی؛ تا کنون مجالس عدیده بسیاری برای توسل به حدیث شریف کساء تأسیس و برقرار شده است، که افزون بر ادای هزینه روحانی تحصیلات دانشجو؛ برکات معنوی بسیاری را برای برگزارکنندگان و شرکت کنندگان داشته است.

شرح این آثار و برکات و انوار؛ خود تألیف مستقلی است، که در اینجا تنها به نقل این توفیق جلیل از آن جمع کثیر و ثبت شکرانه ایشان اکتفا می کنیم.

والحمد لله أولاً و آخراً حمداً مدیداً سرمداً وصلی الله علی اصحاب الکساء صلواتاً کثیراً

(۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده اول، حسینیه حضرت امام علی علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب سلمان فارسی رضی الله عنه باب امام اول علیه السلام.

عنوان واقعه: بهبودی بیماری مزمن با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.م) واقعه فوق را که درباره بیماری خواهرشان است اینگونه بیان می کنند:

چند ماهی است که با درسهایی معارف الهی آشنا شده ام و از این بابت مولا علیه السلام را شاکرم. از وقتی مشغول تحصیل این درسا شدم دیدم که سطح مطالب آموزشی آن بسیار با آنچه در بیرون تدریس می شود بسیار متفاوت است؛ و همان چیزی است که همیشه آرزویش را داشتم و به خاطر همین با شوق و علاقه فراوانی شروع به یادگیری مطالب نمودم. بعد از مدتی دیدم که بسیاری از همکارانم که در مدرسه با هم مشغول به کار هستیم هم به این مطالب مشتاق و علاقمند هستند، به خاطر همین تصمیم گرفتم که در منزل مجلس توسل به حدیث شریف کساء را تشکیل بدهم و ضمن توسل و به همراه آن؛ درسهایی معارف الهی؛ از این مطالب ناب نیز بهره مند شوند.

در اوایل تشکیل مجلس حدیث کساء بود که از خواهرم هم خواستم شرکت کند. وی حدود پنج سال بود که از بیماری فشار خون بالا (۲۱) رنج می برد، و به حدی فشار او بالا می رفت که روزانه حدود ۴ عدد قرص برای این ناراحتیش مصرف می کرد.

تا اینکه طبق گفته خودش: وقتی در مجلس حدیث کساء شرکت کردم، در حین تلاوت این حدیث نورانی؛ دلم شکست و از حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام خواستم که خودشان شفایم دهند؛ بویژه آنکه با داشتن یک بچه شیرخوار؛ دیگر توانی برایم نمانده بود، آن روز مقارن با شهادت حضرت زهرا علیها السلام بود، بعد از تلاوت حدیث کساء؛ ذکر مصیبتی هم از مصائب بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شد، و من با قلبی شکسته به ایشان متوسل شدم، و شفایم را خواستم. در پایان جلسه اطعامی هم شد.

بعد از اینکه غذا را خوردم به ناگاه دیدم که حالم بد شد و همان علائم بیماریم به سراغم آمد و دچار سرگیجه شدید شدم، سریعاً یک تاکسی گرفتم، و راهی بیمارستان شدم و به همسر هم اطلاع دادم که به آنجا بیاید. چون طبق عادت معمول فکرمی کردم که فشارم بالا رفته است از پزشک خواستم تا فشارم را بگیرد، پزشک بعد از بررسی گفت که جای نگرانی نیست و در کمال ناباوری گفت که: فشار شما روی ۹ است! (در حالیکه همیشه روی عدد ۲۰ یا ۲۱ می رفت).

از این حرف پزشک بسیار خوشحال شدم و بعد از مدتی دیدم که هیچ نشانه‌ای از این بیماری در وجودم نیست، و الان حدود چهار ماه است که دیگر هیچ قرصی مصرف نمی‌کنم، و از این جهت نیز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را شاکرم و همواره برای همه مشکلات زندگیم به این حدیث با عظمت متوسل می‌شوم.

والحمد لله رب العالمین

(۲) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوم - حسینیه حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام حوزه جناب

قیس بن ورقه معروف به سفینه؛ باب امام دوم علیه السلام

عنوان واقعه: راهیابی به معارف الهی، وحل سریع مشکلات آقای م - ز با توسل

به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: آشنایی بنده با حدیث شریف کساء از دوران نوجوانی می باشد که

وقتی این حدیث شریف در مسجد محل تلاوت می شد؛ با دقت گوش می دادم و

وقتی می رسید به فقراتی که حق تعالی می فرماید "آسمان وزمین و ماه وخورشید

و... را خلق نکردم مگر به خاطر محبت این پنج تن مقدس" محبت و علاقه ام به

ایشان بیشتر می شد، از این رو شنیدن این حدیث شریف را خیلی دوست داشتم.

همواره از خداوند می خواستم بیشتر نسبت به ایشان شناخت پیدا کنم؛ تا اینکه

الحمد لله با عنایت اهل بیت علیهم السلام با معارف الهی آشنا شدم، و راه

تحصیل معارف اهل بیت علیهم السلام برایم باز شد، و بهره های فراوانی بردم.

آشنایی من با منبع و محل تعلیم معارف الهی طبیعی نبود، و بر حسب ظاهری

چیزی نبود که بطور معمولی در اثر مجاورت محلی یا آشنایی شخصی یا کاری

بدست آید.

بعد از آشنایی با محل دریافت معارف الهی؛ هم وسعت مباحث معارف الهی و

سطح عالی آن طوری بود که در مراکزی که قبلاً دیده یا شنیده بودم و یا بعداً

برخورد کردم قابل قیاس نبود، شرح این آشنایی و دسترسی به معارف الهی که به

برکت حدیث شریف کساء شد؛ واقعه مستقلاً است، توضیح این برکت الهی را

بیش از این نمی‌دهم، چه اینکه می‌دانم نعمتهای معنوی بعضا با تعریف و توضیح از دست می‌روند... یکی از آثار عجیب دیگر توسل به این حدیث آسمانی؛ که به عنوان نمونه اینجا ذکر می‌کنم این واقعه است:

جهت انتخاب همسر متوسل به این حدیث قدسی شدم، والحمد لله نتیجه گرفتم، و برنامه ازدواج هم طوری بود که ابتدا خانواده عروس مخالف بودند، و با صحبت کردن خانواده بنده با ایشان؛ موافقت آنها حاصل نمی‌شد، و باید بنده با خانواده شان حضوری صحبت می‌کردم، و شرایط محلی هم طوری بود که امکان صحبت حضوری با آنها فراهم نبود، در این وقت برای اینکه شرایط گفتگوی حضوری فراهم شود شروع به خواندن حدیث شریف کساء می‌کردم؛ هنوز تلاوت حدیث شریف به پایان نرسیده بود که خانواده عروس که هیچ وقت سابقه نداشت به منزل ما بیایند خودشان به منزل ما می‌آمدند (توضیح اینکه دلیل آمدن ایشان هم ارتباطی به امر خواستگاری نداشت و برای کار دیگری بود که مجبور می‌شدند طبق آدرسی که همسایه‌ها به آنها داده بودند به منزل ما بیایند)، و بدینوسیله امکان صحبت کردن با خانواده ایشان فراهم می‌شد. شبیه این ماجرا چندین بار در مراحل مختلف خواستگاری و ازدواج اتفاق افتاد و در همه موارد به برکت حدیث قدسی کساء به طرز اعجاز آمیزی راه حل فراهم و میسر می‌شد، و سرانجام هم ازدواج به خوبی و خوشی صورت گرفت.

آنقدر این حدیث شریف برایم راهگشا بوده است و موارد زیادی از آن نتیجه سریع گرفته‌ام که هر کس برایش مشکلی پیش می‌آید که به ظاهر حل شدنی نبود؛ تلاوت حدیث کساء را به او پیشنهاد می‌دادم.

والحمد لله رب العالمین

(۳) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی:
جناب شهید رشد هجرى علیه السلام باب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: حل مشکل وام قرض الحسنه منزل مسکونی با توسل به حدیث شریف کساء و حضرات معصومین علیهم السلام.

شرح واقعه: آقای سرهنگ (آ.م) نقل می کنند: در جلسات معارف الهی که در سال ۱۴۱۹ به توفیق مولا (منه السلام) شرکت می کردم توصیه می شد که برای حل مشکلات و توفیقات در زمینه های مادی و معنوی؛ حدیث شریف کساء خوانده شود.

مدتی بعد یکی از دوستان مراجعه نموده و گفت: به ما یک دستگاه آپارتمان از طرف محل کار فروختند ولی این آپارتمانها نیمه کاره بود، و باید خود فرد آن را کامل می کرد، و از طریق دیگری نیز وام قرض الحسنه به افراد می دادند تا ساختمان نیمه کاره را تکمیل کنند؛ ولی ایشان این موضوع را متوجه نشده بود که برای تکمیل ساختمان؛ این وام به افراد داده می شود.

وقتی مطلع شد که چند ماهی از زمان تقاضای وام گذشته بود، به آن قسمت اداره که مربوط به وام است مراجعه کرده بود؛ که به ایشان گفته بودند: زمان تقاضای وام مذکور به اتمام رسیده است، و باید شما در نوبت بمانید، و نزدیک دوهزار نفر جلوی شما هستند.

آخرالامر آن اداره گفته بود: یک کار برای شما می توانیم انجام دهیم، و آن این است که یک معرفی نامه به صندوق قرض الحسنه مرکزی بنویسید؛ هر چه آنها گفتند؛ چون وام دهنده خود صندوق مرکزی می باشد؛ و همین صندوق به ما این تعداد نفر را اعلام کرده است. ایشان معرفی نامه را می گیرد که در فردای آن روز به صندوق قرض الحسنه مرکزی مراجعه کند.

آن فرد می گوید: پیش خود گفتم ما در این دنیا پشت و پناهی جز حضرات معصومین علیهم السلام نداریم، البته نه اینکه این بزرگواران را برای امور دنیوی فقط بخواهیم، لذا صبح روز بعد؛ بعد از نماز صبح متوجه حضرات معصومین علیهم السلام شدم و با این حال با انقطاع کامل از ماسوی الله؛ یک حدیث کساء خواندم؛ و پیش خود گفتم: به آن اداره (صندوق مرکزی) مراجعه می کنم؛ اگر وام درست شد که فبها؛ و اگر هم درست نشد؛ سعی خودم را کرده ام.

همینکه وارد اداره مرکزی شدم، پیش مسئول مربوطه رفتم؛ و معرفی نامه را ارائه دادم. ایشان همان حرف آن مسئول را زد و گفت: دو هزار نفر جلوی شما هستند؛ اگر می خواهید که نامه شما را در نوبت بگذارم؟ گفتم: باشد در نوبت بگذارید.

در همین حین که مشغول صحبت بودیم؛ یک نفر که قبلا همین وام را گرفته بود آمد و گفت: من این وام را نمی خواهم. مسئول وام دچار تعجب شد و گفت: الله اکبر! و وام را به من داد!

و این فرج و گشایش فوق العاده و غیرمنتظره؛ از برکات خواندن حدیث شریف کساء نصیب شد.

والحمد لله رب العالمین.

(۴) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزش‌شده چهارم - حسینیه حضرت امام سجاد علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب ابوخالد کابلی رضی الله عنه باب امام چهارم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل کاری با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (س.ص) واقعه فوق را درباره مشکلی که در تراز مالی حسابداری بوده است اینگونه تعریف می‌کنند:

بنده حسابدار یک سازمان دولتی می‌باشم، یک اختلاف حسابی در اداره بوجود آمده بود؛ که به هیچ وجه حل نمی‌شد. اینقدر ارقام را زیر و رو کرده بودم که همه را حفظ شدم ولی به نتیجه نمی‌رسیدم! ادامه وضع خطیر بود، بجز بدهی مالی؛ ممکن بود سبب لطمه شغلی هم بشود.

یک روز در مجالس درسهای معارف الهی مدیر حوزه مان؛ برکات حدیث شریف کساء را عنوان کرد، و اینکه می‌توانید برای عرض حاجات خود ختم ۴۰ روزه خواندن حدیث کساء را بردارید. ناگهان جرقه ای در ذهنم زد که می‌توانم برای حل شدن مشکل کارم حدیث کساء نذر کنم و نیت کردم، هرچند که شرمنده بودم این امر ارزشمند را برای یک کار دنیوی ختمش را بردارم، ولی چون مستاصل شده بودم و نیاز مبرم بود که فوراً این قضیه حل شود، و فرجه زمانی کوتاهی داشتم؛ به نیت پنج وجود مقدس علیهم السلام، پنج حدیث کساء نذر کردم و یک عدد آن را خواندم، اما متأسفانه به علت عدم توفیق و مشغولیات دیگر موفق به خواندن چهار عدد دیگر نشدم، و این مشکل همین طور حل نشده باقی مانده بود.

رئیس مرکز که فکر می کرد عمداً در این کار تعلل می کنم مرا مورد سؤال قرار داده بود، و من به ایشان اعلام کردم که این مشکل حل نشد، و از ایشان کمک خواستم ولی بر خلاف باور من، ایشان در زمانی که من در محل کار حاضر نبودم؛ کار را به شخص دیگری که اصلاً صلاحیت انجام این کار را نداشت ارجاع داده بود.

با این حال من خود را موظف به ادای باقی مانده نذر می دانستم. در یک موقعیتی که پیش آمد یک بار دیگر حدیث کساء خواندم، ولی نمی دانم چرا هیچگونه توفیق حاصل نمی شد، با اینکه زمان کمی می خواست تا من همه نذر را ادا کنم.

پس از مدتی چون این کار همچنان انجام نشده باقی مانده بود، مجدداً رئیس، این کار را به بنده ارجاع داد و من باز هم بر روی آن حساب کاری کردم و نتیجه ای حاصل نمی شد.

مجدداً یک روز من در بین اعمال روزانه ام که انجام می دادم به نیت آن نذر سومین حدیث کساء را خواندم.

فردای آن روز که به محل کارم رفتم یکبار دیگر حسابها را کنار هم چیدم و آنها را محاسبه کردم یکی دو حساب را اصلاح نمودم و دوباره تراز آن را نوشتم و در کمال ناباوری دیدم که حسابها تراز است و اصلاحات جواب داده و مشکل چندین وقته حل شده است.

مدتهاست این گرفتاری برطرف شده، ولی من هرچه فکر می کنم که چگونه این مشکل حل شد به نتیجه نمی رسم، (با اینکه دو نفر از جمله خودم مدت زیادی روی آن کار کردیم ولی موفق نشدیم و مشکلی بود که مشهود همه و رئیس

مرکز بود و سوء برداشت شخصی نبود)، و همیشه با خودم می گویم این معجزه حدیث کساء بود، و همیشه فکر می کنم اگر کسی در شرایط من قرار نگرفته باشد آن موقعیت را لمس نمی کند، و خیلی آسان می توان معجزات بزرگ را در مسائلی کوچک دید، و من هر وقت به این قضیه از ابتدا تا انتها فکر می کنم، غیر ممکن است که اشک در چشمانم جمع نشود، از عظمت حدیث کساء. ما هر چه شکر کنیم کم است، و امیدوارم حضرت مولا منه السلام همیشه به ما عنایت کنند، و دست ما را بگیرند، و ما را (حتی لحظه ای) به خود وا مگذارند، زیرا بی عنایتشان هیچ هستیم.

والحمد لله رب العالمین

(۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده پنجم - حسینیه حضرت امام محمد باقر علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب جابر جعفی رضی الله عنه باب امام پنجم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن خطر از کودک با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (م.ن) که یکی از دانشجویان حوزه های معارف الهی است واقعه فوق را که درباره فرزندشان بوده است اینگونه تعریف می کند:

یک روز به همراه دختر کوچکم و همسرم به بیرون رفته بودیم، وقتی به درب منزل رسیدیم و در حال پیاده شدن از ماشین بودیم، فرزندم بدون اینکه به پدرش چیزی بگوید و ما متوجه شویم؛ دستش را از بیرون درب، داخل ماشین کرده و می خواسته درب را قفل کند؛ در همان لحظه همسرم ناخواسته و بدون اینکه متوجه شود درب را محکم به هم زد و دست و بازوی دختر کوچک به لای درب ماشین رفت.

ما در آن لحظه فقط صدای جیغ و فریاد دلخراش بچه را شنیدیم که از شدت گریه نزدیک بود از حال برود.

همسرم سریع درب را باز کرد و دیدیم که بازوی بچه حالت له شدگی پیدا کرده و شکل لای درب بخود گرفته و تا چندی هم نمی توانست دستش را تکان دهد؛ و به شدت گریه می کرد.

از شدت نگرانی مستاصل شدیم؛ به همسرم گفتم که سریع به بیمارستان برویم حتما شکسته و هزار فکر دیگر که نکند استخوان بازوی بچه خورد شده؛ و مبادا که دستش کج شود!

اتفاقاً آن شب مقارن با شبی بود که در حسینیه مجلس حدیث کساء برگزار می شد. ناگهان به ذهنم خطور کرد که به مجلس برویم و به همسرم اصرار کردم که به طرف آنجا حرکت کنیم و ان شاء الله که رفع می شود و نهایتاً اگر گریه او ادامه داشت، بعد از دعا به بیمارستان می رویم. فلذا به جلسه دعا رفتیم و همان جا نیت کردم و حدیث شریف کساء را به نیت سلامتی مولا صاحب الامر (منه السلام) و بعد سلامتی فرزندم تلاوت کردم و از حضرت زهرا علیها السلام خواستم که دست بچه نشکسته باشد و خطر رفع شود.

بعد از اینکه از جلسه دعا به خانه رفتیم؛ اصلاً فرزندم اظهار درد نکرد، و به طور غیر قابل باوری (دست او که تا قبل از آمدن حالت تکه تکه ورم شدید و سیاه شده بود؛ و درد شدیدی داشت) آرام گرفته و بهبود یافته، بلکه دیگر هیچ آثاری از کبودی در دست او نبود، و بعد از دو روز، دستش (که قبلاً ورم کرده و له شده بود) کاملاً خوب شد.

من این معجزه را از برکت حدیث شریف کساء و توسل به معصومین علیهم السلام می دانم. از خدواند متعال می خواهم هیچ گاه دست ما را از دامان حضرات اهل بیت علیهم السلام کوتاه نفرماید.

والحمد لله رب العالمین

(۶) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده ششم - حسینیه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - حوزه جناب

مفضل جعفی رضی اللہ عنہ باب امام ششم علیه السلام

عنوان واقعه: حل مشکل صدور گذرنامه خانم (ز.ک) از شاگردان آن حوزه با نیت نذر یکبار تلاوت حدیث کساء.

شرح واقعه: با عنایات حضرت بقیة الله (منه السلام) مدت ۷ سال است که با درس معارف الهی آشنا شده ام و در مجالس توسل به اهل بیت علیهم السلام که در حسینیه برگزار می شود شرکت می کنم و تحولات و اصلاحات زیادی در زندگیم به برکت آن ایجاد شده است و از تأسیس این مجالس و درس بسیار متشکرم و از مولای خودم بر این توفیقات و برکات بیافزاید. از جمله آثار و توفیقات گره گشایی توسلاتم این واقعه است:

برای صدور گذرنامه وقتی مراجعه به یکی از دفاتر اداره گذرنامه کردیم مدارک را قبول نکرد، مدارک مشکلی داشت، در شناسنامه ام یک کمی پخش شدگی جوهر بود، که مانع از پذیرش و قبول پروسه صدور گذرنامه شد، ناچار به اداره مرکزی گذرنامه تهران مراجعه کردیم؛ آنجا هم قبول نکردند، و گفتند: اصلاً امکان ندارد و مدارک مشابه دیگر و تاییدیه ثبت احوال را می خواستند. که لازمه اش برگشتن به شهرمان بود، ما هم مسافر بودیم و فرصت برگشت به شهرستان و تهیه مجدد همه مدارک را نداشتیم.

منع قبول مدارك بطوري سخت و جدي بود که حتی برخی مدارك را تهیه کردیم؛ مانند تأییدیه تحصیلی؛ و برخی مدارك که عکس دار بود؛ و برای بار دوم هم مراجعه کردیم ولی قبول نکردند، و افسر گذر نامه گفت اگر اینها را قبول کنم احتمال دارد خودم زیر سؤال بروم و قبول نمی‌کنم و اصرار ما و تأکیدمان که از شهرستان آمدیم و فرصت هم نداریم نتیجه نداد و راضی نشد.

در تمام این مدت زمانی که شوهرم مشغول پیگیری کار گذرنامه در اداره مربوطه بود، مشغول به ذکر بودم تا کار به خیر فیصله پیدا کند، اما نهایتاً افسر از رسیدگی به کار امتناع ورزید و نپذیرفت، و با تندي گفت که: بروید. باز به درب بسته خوردیم و با حال ناراحتی مدارك را برداشتیم تا برگردیم؛ مسیر برگشت به شهرستان نیز طولانی بود و فرصت نداشتیم.

در طی مجالس مختلف حسینیّه و دروس معارف الهی با برکات و فضائل حدیث قدسی کساء آشنایی پیدا کرده بودم و اعجازهای آن را نیز مطالعه کرده بودم، و برای رفع مشکل از صمیم قلب و با اضطرار؛ به حکم ﴿واعتصموا بحبل اللّهِ﴾ دست به دامان اهل بیت علیهم‌السلام شدم و کلید حل مشکل را از ایشان خواستم و همان موقع که مدارك را برداشتیم که برگردیم؛ نیت نمودم که یکبار تلاوت حدیث قدسی کساء، بنمایم و ثوابش باشد برای آنانکه این مجالس و درسهای معارف را فراهم نمودند (زیرا که در زندگی تحولات بسیاری از این مجالس و دروس معارف ایجاد شده و راه و روش و روحیاتم به برکت این راهنماییها و برنامه های نورانی خیلی تصحیح شده است) بلافاصله پس از این نیت قلبی، نظر افسر مربوطه تغییر کرد، و داشتیم از اداره گذرنامه بیرون می‌رفتیم که ما را صدا زد و گفت: بیاید، و آن رفتار تندش عوض شد، و با شوهرم صحبت کرد،

و مي پرسيد: اهل کجا هستيد؟ و بعدش هم گفت خودم کارتارن را پيگيري مي
کنم و به متصدي مربوطه توصيه مي کنم که کارتارن انجام بشود، همان مدارک
پذيرفته شد، و بحمد الله بعد چند روز گذرنامه را دريافت کرديم.
و من بعد اين واقعه، هر زمان مشکلي براي من رخ می دهد جهت رفع اضطرار
دست به دامان اصحاب کساء عليه السلام شده و متوسل مي شوم تا مشکل مرتفع
گردد.

والحمد لله رب العالمين

(۷) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب محمد بن مفضل رضی الله عنه (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: رفع مشکل و برآورده شدن حاجت (فرزند دار شدن) با اقدام به ختم ۴۰ روزه تلاوت حدیث کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ک) از شاگردان حوزه های معارف الهی نقل می کند: در مجالس هفتگی حدیث کساء و دروس معارف الهی که شرکت می کردم میزبان جلسه فضائل و برکات و برخی معجزات و گشایشها که از طریق توسل از این حدیث آسمانی بوده را توضیح می داد، و بعد حدیث شریف کساء تلاوت می شد، و پس از آن هم با پذیرایی مجلس پایان می پذیرفت، از برکت این مجالس در زمینه های مختلف معارف الهی مطالب متنوعی را می آموختم.

مدت یکسال بود که از خداوند می خواستم: فرزندی به بنده عنایت فرماید، و با اینکه (بنا به نظر پزشکان) مشکلی از لحاظ فرزند دار شدن نداشتم، و آزمایشات نیز اشکالی را نشان نمی داد؛ اما بچه دار نمی شدم.

به برکت آشنایی با فضائل این حدیث آسمانی در مجالس درسی؛ مصمم شدم برای سلامتی و فرج قطب عالم امکان و پناه دردمندان عالم، حضرت محمد بن الحسن المهدی علیه السلام، ختم ۴۰ روزه تلاوت حدیث کساء گرفته، و در این بین نیز حاجتم را جهت فرزند دار شدن از درگاه ربوبیش مسئلت بنمایم.

برنامه ختم تلاوت حدیث کساء را آغاز کردم، در روز پانزدهم از ختم، طبق روال قبل که برای آزمایش می رفتم این بار نیز مراجعه نموده و دقایقی بعد از آزمایش انجام شده، پزشک مربوطه با مشاهده جواب، اعلام داشت که: باردار هستم؛ از شدت شوق از این خبر و اینکه مورد عنایت حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده ام اشک از چشمانم سرازیر شده و خداوند را شکر نمودم و ختم حدیث کساء را ادامه داده و ۴۰ روز را کامل نمودم.

از بعد از آن، برای رفع مشکلات مادی و معنوی خود به این حدیث شریف متوسل شده و به دیگر مؤمنین و مؤمنات نیز توصیه نموده ام.

والحمد لله رب العالمین.

(۸) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هشتم - حسینیه حضرت امام رضا علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب محمد بن الفرات رضی الله عنه باب امام هشتم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن خطر در مسیر جاده و مسافرت، رسیدن به مقصد، و بازگشت از سفر با سلامتی و به نحو مورد نظر و مطلوب، به برکت توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ل.آ) از دانشجویان معارف الهی است، و تا کنون از برکات توسل به حدیث کساء بهره مند بوده، واقعه فوق را این چنین نقل می کند: در یک روز تعطیلی قرار شد که با خانواده همسرم به خانه یکی از اقوامان در شهرستان برویم.

فصل زمستان بود؛ و وضعیت جوی آب و هوا بشدت متغیر و شرایط جاده مناسب نبود، هنوز به صد کیلومتری آن شهرستان هم نرسیده بودیم که ناگهان جاده مه غلیظی گرفت؛ طوری که حتی یک سانتی متری جلوی ماشین در جاده دیده نمی شد، و رانندگی با این شرایط خطرناک و برای همسرم بسیار سخت شد، وضعیت بدی هوا هم طوری شدید بود که به نظر نمی آمد به این زودی تغییر نماید، جای مناسبی و مطمئنی هم برای توقف نبود، خصوصا اینکه افراد دیگر خانواده نیز با ما بودند و سلامتی آنها هم در میان بود، همه ما دچار ترس و وحشت شدیم.

به خاطر اینکه بنده با برکات حدیث شریف کساء در مجالس درسهای معارف الهی آشنا شده بودم، در این شرایط هم راه حل بیرون آمدن از این وضعیت را

توسل به اهل بیت علیهم السلام از طریق تلاوت حدیث کساء دیدم، کتاب بارقة السماء
فی شرح حوادث واقعة الكساء را از کیفم بیرون آوردم، و شروع به تلاوت این
حدیث نورانی نمودم، و نیت کردم که این مسیر را به خوبی پشت سر بگذاریم و
برای برگشتن هم آب و هوا و مسیر مناسب باشد.

هنوز تلاوت حدیث کساء تمام نشده بود؛ که ناگهان مه غلیظ برطرف شد!
بلکه خورشید هم در آسمان نمایان شد!! و جاده به قدری صاف شد مثل اینکه
اصلاً مهی وجود نداشته است!!! در هنگام برگشتن از مسافرت هم بحمد الله هوا
صاف و آفتابی بود، و با راحتی و آسایش و سلامتی به شهر و منزلمان بازگشتیم.
همگی ما که در این واقعه حضور داشتیم؛ از این اتفاق غیر معمول و ناگهانی که
به برکت عنایت اهل بیت علیهم السلام رخ داده بود خوشحال و مسرور شدیم.

والحمد لله رب العالمین

(۹) غیاث الأولیاء فی النوسل بخدیث الکساء

منبع: آموزشکده نهم - حسینییه حضرت امام جواد علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب عمر بن الفرات رضی الله عنه باب امام نهم علیه السلام.

عنوان واقعه: گشایش برای زندانی و برطرف شدن خطر جدایی در زندگی با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ن) واقعه فوق را اینگونه بیان می کنند:

به حول و قوه الهی مدت ۱۴ ماه است که حدیث شریف کساء به صورت هفتگی در منزلمان برگزار می شود، و این جای بسی شکر فراوان دارد.

در هر جلسه قبل از شروع دعا برای افراد شرکت کننده یکی از وقایع غیاث الاولیاء فی التوسل بخدیث الکساء خوانده می شود و از مناقب و آثار این حدیث با عظمت گفته می شود، و اینکه با توسل به پنج نور مقدس می توان بر مشکلات فائق آمد.

یک روز بعد از اتمام جلسه، یکی از خانمهای اهل مجلس به نزد بنده آمد و گفت که من مشکل بزرگی دارم ولی سواد ندارم که از روی متن حدیث کساء بخوانم، و دوست دارم به صورت صحیح تلاوت شود؛ به خاطر همین از شما می خواستم که به نیت حاجت بنده با یک ختم چهل روزه این حدیث شریف را تلاوت نمایید.

از ابتدای ماه ذیقعد ختم این حدیث نورانی را (به صورت چهل روز) برای ایشان شروع کردم و هنوز به ختم اتمام نرسیده بود که ایشان به نزد بنده آمد و

خبر از برطرف شدن مشکل داد؛ وقتی از او جویا شدم او برایم تعریف کرد که ماجرا از این قرار بوده است:

مدتی پیش دامادم در اثر مشکل کاری که برایش پیش آمده بود، و بدون اینکه مرتکب خطایی شده باشد، متاسفانه راهی زندان شد. بعد از حکم دادگاه مدت زمان حبس ۱۵ سال داده شده بود، طولانی بودن این مدت و دوریش از خانواده؛ به مرور زمان باعث سرد شدن زندگی مشترکش با دخترم می شد.

ما به روشهای مختلف از جمله گذاشتن سند منزل؛ علیرغم گرفتن وکیل و دادن هزینه های گزاف دادگاه، سعی کردیم که لااقل بتوانیم برای او مرخصی بگیریم، که چند روزی برای دیدار به نزد خانواده اش بیاید ولی به هیچ روشی این امر مهیا نمی شد، ادامه این روند باعث شده بود که دخترم دیگر حاضر به ادامه زندگی با او نباشد.

من که در این میان مستاصل شده بودم و حال روحی ام به هم ریخته بود؛ چون می دانستم طلاق، عواقب خوبی در آینده برای او ندارد؛ خصوصا اینکه آنها صاحب یک فرزند کوچک بودند، و اثرات این جدایی بر فرزند دو چندان خواهد بود؛ با شنیدن وقایعی که افرادی با داشتن مشکلات بزرگ، بوسیله توسل به حدیث شریف کساء مشکلاتشان برطرف شده است، تصمیم گرفتم برای این مشکلم که همه زندگی مان را درگیر خود کرده بود به این حدیث نورانی متوسل شوم؛ و از شما هم خواستم که برایم آنرا تلاوت کنید.

هنوز ختم شما به پایان نرسیده بود، که به صورت غیر قابل باوری؛ از طرف دادگاه؛ به او اجازه مرخصی دادند! که هر پنج شبه و جمعه به نزد خانواده اش برود!! و این امر در صورتی اتفاق افتاد، که ما قبل از آن تلاشهای زیادی انجام

داده بودیم!!! و حتی خواسته بودیم هر چند ماه یکبار مرخصی بیابد، ولی با این موضوع موافقت نشده بود!!!!!! و الآن به برکت توسل به اهل بیت علیهم السلام و تلاوت حدیث کساء؛ طوری شده که هر هفته به نزد خانواده اش می آید، و دو روز آخر هفته را با آنهاست.

حضرت مولا صاحب الأمر علیه السلام را به خاطر این لطف بزرگ شکر می کنم که با هدایتشان به این راه نورانی؛ زندگی ما را از آن وضعیت خطیر نجات داد.

والحمد لله رب العالمین

(۱۰) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده دهم - حسینیہ حضرت امام هادی علیه السلام - حوزه معارف الهی:
جناب ابوهاشم جعفری رضی اللہ عنہ از اصحاب امام دهم علیه السلام.

عنوان واقعه: رسمی شدن شغل؛ و فراهم شدن شرایط کاری مطلوب با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.آ) واقعه فوق را که در مورد شرایط شغلی همسرشان است این گونه بیان می کنند:

حدود پنج ماه بود که عقد کرده بودم؛ همسرم در کارخانه ای به صورت پیمانی مشغول به کار بود، ولی شرایط کاری ایشان به گونه ای بود که به صورت متوالی سه شیفت به سر کار میرفت، و حتی در بیشتر اوقات، شبها هم استراحت نداشت. چند وقتی را با هر شرایطی بود گذراندم، ولی کم کم این شرایط سخت، داشت تبدیل به مشکلی در زندگی و رابطه مان می شد، و حتی خود ایشان هم از این شرایط کاری راضی نبود. تنها راه حلی که می توانست ایشان را از این وضعیت نجات دهد؛ این بود که از حالت پیمانی و قراردادی ارتقا یافته و به صورت رسمی مشغول به کار شوند؛ و این ارتقاء وضعیت شغلی فقط مخصوص افرادی بود که سابقه کاری چندین ساله دارند، و با سابقه کاری چند ماهه ایشان امکانش به هیچ وجه نبود.

بنده مدتی بود که به کلاسهای معارف الهی راه پیدا کرده بودم، و با آموزه های ناب اهل بیت علیهم السلام آشنا شده بودم؛ در این مدت یاد گرفته بودم که برای حل

مشکلات باید به حضرات ائمه معصومین علیهم السلام توسل جست، چرا که همه عوالم و مخلوقات و کائنات هستی؛ بواسطه این ذوات مقدسه؛ هستی یافته اند، و راهی جز این مسیر نورانی به بیراهه رفته و سرانجام نامعلومی دارد. هم چنین در هر جلسه برای ما از کرامات و برکات توسل به این حدیث نورانی و با عظمت صحبت می کردند. به خاطر این آشنایی عمیق و معرفتی که نسبت به این حدیث نورانی پیدا کردم؛ به همسرم پیشنهاد کردم که برای حل این مشکل، دو نفرمان به نیت چهل روز، ختم این حدیث را برداریم.

در روز مقرر هر دو تلاوت حدیث شریف کساء را شروع کردیم، در کمال شگفتی بلافاصله بعد از شروع ختم؛ پیشنهادهای مختلفی به همسرم می شد که می خواهند ایشان را به بخش های بالاتر منتقل کنند، ولی باز همان نداشتن سابقه کاری ایشان؛ مانع از تحقق این پیشنهادها و ارتقاء شغلی می شد.

ما نیز از ادامه و انجام نذری که داشتیم مایوس نشدیم و همچنان به تلاوت این حدیث شریف ادامه می دادیم. تا اینکه یک روز که همسرم به سرکار رفت، رئیس کارخانه؛ ایشان را خواسته بود، و به صورت غیر قابل باوری؛ با رسمی شدن کار ایشان موافقت کرده بود، و به ایشان گفته بود که از هفته دیگر شیفت کاری شان به صورت یک نوبت می شود، این در حالی بود که برای رسمی شدن، افراد بسیاری با شرایط سوابق کاری بهتر از ایشان؛ در نوبت بودند ولی همسرم علیرغم کم بودن سابقه کاری مشمول این امتیاز شد!

و این تنها گوشه چشمی از لطف و عنایت این خاندان صاحب کرم بر ما بندگان محتاج درگاهشان است.

والحمد لله رب العالمین

(۱۱) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده یازدهم، حسینیه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، حوزه معارف

الهی: جناب احمد بن اسحاق قمی رضی الله عنه از اصحاب امام یازدهم علیه السلام

عنوان واقعه: اصلاح عقیده و رفتار؛ و توفیق خواندن نماز اول وقت در فرزند نوجوان با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (زآ) واقعه فوق را درباره فرزندشان اینگونه نقل می کنند:

با هدایت و نظر توجه اهل بیت علیهم السلام نزدیک دوسال است که در منزلمان مجلس تلاوت حدیث شریف کساء را به همراه دروس معارف الهی برگزار کرده ایم.

از ابتدای زمان برگزاری این مجالس و برنامه ها، زندگی ما دچار تحولات بزرگی شد و مشکلات مختلفی که داشتیم به طور غیرقابل باوری برطرف می شد. این تحول حتی در نحوه رفتار و کردار اعضای خانواده و فرزندانم به وضوح قابل مشاهده بود.

مدت زمانی بود که پسر من در خواندن نمازش سهل انگاری می کرد؛ هر چه بنده و پدرش به او تذکر می دادیم ولی اعتنایی نمی کرد و یا بهانه می آورد، حتی گاهی اوقات آن را نمی خواند! با خودمان می گفتیم شاید به خاطر سن بلوغ باشد که تازه وارد آن شده است، ولی از این موضوع خیلی ناراحت بودم چون می ترسیدم در ادامه جوانی و بزرگسالی نیز همین طور باقی بماند.

از طرفی پس از آشنایی با آموزه های ناب معارف الهی؛ با اهمیت نماز اول وقت؛ و اینکه باید به صورت صحیح و دقیق و کامل خوانده شود؛ آشنا شده بودم، و

مدام این حدیث از امام صادق علیه السلام در ذهنم مرور می شد که: **لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا**
مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ: هرکس نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما دست نخواهد
یافت.

فلذا چون چنین شناختی داشتم؛ این مشکل فرزندم بیشتر مرا آزرده خاطر می
کرد، و خیلی نگرانش بودم.

هر بار که کلاس معارف برگزار می شد، برای شرکت کنندگان یکی از وقایع
غیاث الاولیاء فی التوسل بحدیث الکساء را می خواندم و آنها را با کرامات و
معجزات این حدیث نورانی بیش از پیش آشنا می کردم.

تا اینکه یک روز توفیق شد و تصمیم گرفتم برای این مشکل فرزندم ختم
اربعین این حدیث با عظمت را بردارم؛ و هر روز بعد از نماز صبح آن را تلاوت
می کردم.

تقریباً سه هفته از انجام نذر نگذشته بود؛ که آثار نورانی این حدیث بر فرزندم
نمودار شد، و ما با کمال تعجب دیدیم که بدون اینکه به او تذکری داده باشیم؛
و یا صحبتی کرده باشیم؛ پسر خودش شروع به خواندن نمازهایش کرد، آن هم
در اول وقت!

بلکه توجهش نسبت به نماز چنان شد که بر هر گونه کاهلی نسبت به نماز
حساس شده بود، بطوری که نسبت به نمازهای خواهر کوچکترش هم دیدیم
مراقبت می کند، که او هم در اول وقت بخواند.

آثار نورانی این کلام قدسی و آسمانی بر فرزندم فراتر از رفع مشکل کاهلی نماز و
تبدیل به توجه و اهمیت به نماز ظاهر گردید، بلکه حتی در خلق و خوی او نیز
تاثیر مثبت گذاشت، و رفتار و کردارش بسیار بهتر و پسندیده تر از قبل شد.

بعد از این واقعه شگفت؛ هر وقت برای ما مشکلی پیش بیاید؛ به این حدیث با عظمت متوسل می شویم، و این واقعه با همه اهمیتش تنها نمونه ای بسیار کوچک از لطف و نظر خاص اهل بیت علیهم السلام بر ما بود. ان شاء الله که بتوانیم هر چه بیشتر به کسب معارف الهیه پردازیم و توفیق خدمتگذاری این آستان مقدس را داشته باشیم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۲) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوازدهم - حسینیہ حضرت امام محمد مهدی علیہ السلام، حوزه معارف الہی: جناب عثمان بن سعید رضی اللہ عنہ از وکلای امام دوازدهم علیہ السلام.

عنوان واقعه: بهبودی علائم بیماری و برطرف شدن زمینہ وخیم شدن مشکل قلبی با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ش.ط) واقعه فوق را کہ دربارہ بیماری خواہرشان بودہ اینگونہ تعریف می کنند:

خواہرم بہ دلیل ناراحتی قلبی کہ از دوران کودکی داشت مجبور شد کہ برای درمان، عمل جراحی باز قلب را انجام بدهد. بعد از عمل، جراح و پرسنل بخش سی سی یو خیلی تاکید داشتند کہ باید مواظب باشد کہ سرماخوردگی پیدا نکند؛ زیرا طبق گفته آنها با شرایط ایشان اگر ویروسهای سرماخوردگی روی قلب بیاید، یک گلو درد چرکی می تواند تبدیل بہ آنژین صدری شود و شرایط ایشان را وخیم تر کند.

بعد از انجام عمل از قسمت سی سی یو بہ اتاق ایزوله منتقل شد و شرایط ملاقات ہم برایش محدود شد؛ حتی وقتی ہم کہ ایشان را بہ منزل بردیم مراقبت می کردیم کہ با همه افراد در تماس نباشد، و خصوصاً کہ فصل سرما بود؛ و بیشتر افراد در این فصل دچار سرماخوردگی شدہ بودند.

بعد از آن؛ علیرغم تمام مراقبتها و بکار بستن توصیه های طبی و رعایت نکات بهداشتی کہ برای بیمار و همه خانوادہ او انجام دادیم؛ اما شوہر خواہرم

دچار سرماخوردگی شده بود. و به دنبال آن یک روز خواهرم تماس گرفت و دیدم که ناراحت است وگفت که: از دیشب تا حالا دارم سرفه می کنم و گلویم درد می کند و تب هم دارم و می ترسم که گلویم چرکی بشود و زمینه مشکل قلبی ام تشدید شود!

به او دلداری دادم که نگران نباشد، و با توجه به آموزه هایی که به برکت شرکت در درسهای معارف الهی؛ و همچنین آموزشهای طبی که در اردوهای سلامت آموخته بودم؛ آن روشهایی که در طب جامع مربوط به کنترل تب و زکام و حالتهای آبریزش بود؛ را به ایشان توصیه کردم، و در ادامه به ایشان گفتم که از همین الان شروع کن به خواندن حدیث شریف کساء، ابتدا به نیت سلامتی قطب عالم امکان حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) و بعد هم برای سلامتی خودت که ان شاءالله به کلی همه علائم بیماری برطرف شود.

روز بعد با خواهرم تماس گرفتم که جویای احوالش بشوم، دیدم که خیلی خوشحال است، و با ذوق و شوق خاصی گفت که: از همان دیشب اولین حدیث کساء را خواندم، و امروز صبح هم بعد از نماز صبح به خواندن آن ادامه دادم، و بعد از آن احساس کردم که خیلی حالم نسبت به روز قبل بهتر شده، که اصلا باورم نمی شود به این سرعت همه آن علائم به کلی دارد از بین می رود!

تا روز بعد که مجدداً با خواهرم تماس می گرفتم، حالش نسبت به روز قبل خیلی بهتر شده بود، و همان سرماخوردگی که همسرش را (با اینکه از نظر سلامتی مشکلی نداشت) تا ده روز درگیر کرده بود و باید خودش را (که بیمار قلبی خطیری و حساس بعد جراحی بود) لااقل بیشتر درگیر می کرد) ولی به برکت حدیث شریف کساء؛ برای خواهرم (با آن شرایط بیماری که ضعیف هم شده بود)

باعث شد که فقط دو روز طول بکشد و به برکت توسل به پنج تن آل عبا
علیهم‌السلام و هیچ عارضه و مشکلی هم برایش پیش نیاید.
بعد از این واقعه؛ خواهرم به هر کسی که مشکلی و گرفتاری در هر زمینه
برایش پیش می‌آید تلاوت حدیث کساء را به آنها توصیه می‌کند.

والحمد لله رب العالمین

(۱۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده اول - حسینیه حضرت امام علی علیه السلام - حوزه معارف الهی:
جناب مقداد رضی الله عنه از اصحاب اسرار امام اول علیه السلام.

عنوان واقعه: نجات زندانی و گشایش در مشکلات مالی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.آ) ماجرای فوق را که درباره مشکلات زندگی یکی از خواهران حوزه شان بوده است را اینگونه تعریف می کنند:

نزدیک دو سال است که در محله مان جلسه توسل به حدیث قدسی کساء و حوزه آموزش دروس معارف الهی را برپا کرده ایم. از زمان تشکیل آن و پس از آشنایی با آموزهای ناب اهل بیت علیهم السلام و توفیق عمل به آنها تا به حال عنایات ویژه ای شامل حال بنده و خانواده ام و دانشجویانی (که در مجالس و درسها شرکت می کنند) شده است، از جمله این عنایات ماجرای است که مربوط به یکی از خواهران حوزه ماست که مدتی پیش ایشان دچار مشکلی مالی در زندگی اش شد که بعد از اینکه با بنده در میان گذاشت، (با توجه به تجربه عینی که از توسل به حدیث با عظمت کساء داشتم و همچنین می دیدم دیگر دانشجویان برای امور ریز و درشت زندگی شان به این حدیث نورانی متوسل می شوند و حاجاتشان را می گیرند)، به ایشان هم پیشنهاد دادم که برای این مشکل هم به این حدیث آسمانی متوسل شده و از پنج تن آل عبا علیهم السلام بخواهد که

مشکلاتش به نحو مطلوب برطرف شود. ماجرای این توسل را از زبان ایشان نقل می‌کنم:

حدود هشت ماه بود ازدواج کرده بودم که ناگهان مشکلی مالی برای همسرم پیش آمد که خیل سنگین بود و ما توان پرداخت آن را نداشتیم.

دو ماه مهلت داشتیم تا بدهی را پرداخت کنیم؛ ولی از هیچ طریقی نتوانستیم آن را تهیه کنیم. که منجر به شکایت طلبکار شده و ابلاغیه و اخطاریه های دادگاه یکی بعد از دیگری می‌آمد و ما را از زندگی نا امیدمان کرده بود. تا اینکه با فراهم نشدن وجه بدهی همسرم به خاطر این بدهکاری راهی زندان شد؛ وقتی او را با دستبند می‌بردند انگار همه دنیا برای من به آخر رسیده بود؛ او را بردند و من ماندم و یک دنیا قرض و بدهکاری و مخارج روزمره زندگی.

چونکه این ازدواج دوم من بود؛ و در ازدواج قبلی شکست خورده بودم، نمی‌خواستم کسی از این مشکل مطلع شود، فلذا نمی‌توانستم حرف دلم را به کسی بزنم، حتی پدر و مادرم؛ و فقط امیدم به رحمت خداوند و عنایت مولا صاحب الامر (منه السلام) بود. ماجرا را فقط با یکی از خواهران حوزه در میان گذاشتم که ایشان به من پیشنهاد داد برای حل مشکلم به حدیث قدسی کساء متوسل شوم و به من اطمینان داد که اگر توسل پیدا کنم حتماً به حاجتم می‌رسم.

از طرفی برای تامین هزینه های جاری زندگی نیز مجبور بودم شبها تا دیر وقت کارهای دستی انجام دهم، و وقتی فریضه صبح را می‌خواندم ناخودآگاه گریه ام می‌گرفت و فقط از حضرت مولا صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواستم که دستم را بگیرند و تنه‌ایم نگذارند.

تا اینکه یک روز بعد از خواندن نماز صبح احساس کردم کسی در درونم فریاد می زند که شروع به تلاوت حدیث کساء کن و در همان لحظه توصیه آن خواهر مبنی بر توسل به حدیث کساء در ذهنم آمد؛ همان وقت نیت ختم اربعین آن را کردم، و شروع به تلاوت این حدیث نورانی نمودم. با همه مشکلاتی که داشتم ولی کاملاً امیدوار بودم که روزی همه آنها برطرف خواهد شد.

در همین حین قرارداد اجاره خانه مان نیز تمام شده بود و باید حدود دو میلیون تومان جهت تمدید قرارداد تهیه می کردم؛ همچنین از یک طرف خرج خانه و اقساط وامهایی که داشتیم نیز زمان پرداختش رسیده بود و من در این مدت همچنان به توسل ادامه می دادم.

وقتی که حدود بیست حدیث کساء را خواندم وام قرض الحسنه فامیلی به اسم من درآمد، و هزینه تمدید قرار داد خانه فراهم شد؛ خیلی خوشحال بودم، چون یکی از مشکلاتم کم شده بود و خدا را شکر می کردم و به خواندن حدیث کساء ادامه دادم.

نزدیک توسل سی و پنجمی (حدیث کساء) که شد از طرف اداره زندان برای زندانیان بند بدهکاران مالی؛ قرعه کشی انجام دادند که با خانواده هایشان راهی مشهد مقدس بشوند، و خوشبختانه اسم شوهرم برای زیارت درآمد فلذا با هم به پابوسی امام رؤوف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شدیم. بسیار خوشحال بودم که بعد از پنج ماه دوری از همسرم؛ با او راهی این سفر زیارتی می شوم. آنجا نیز از مولایم خواستم که مشکلات زندگی مان برطرف شود، و همسرم به زندگی برگردد، و ما از این سفر نورانی دست خالی برنگردیم.

وقتی چهل حدیث کساء به اتمام رسید؛ به بیست و چهار ساعت نکشید که

به طور معجزه آسای؛ به صورت فوری، دادگاه سوم شوهرم تشکیل شد، و مشکل مالی او را به صورت اقساطی قبول کردند که پرداخت کند ولذا او را آزاد کردند.

وقتی که همسرم با من تماس گرفت و گفت که بیرون از زندان است در همان لحظه سجده شکر خداوند به جا آوردم و از امام زمان علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تشکر کردم که دست این بنده گنهکار را گرفتند و نظر لطف و توجه شان را لحظه ای از زندگی ام برنداشتند.

والحمد لله رب العالمین

(۱۴) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوم، حسینیه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام حوزه معارف الهی: جناب قیس بن ورقه معروف به سفینه؛ باب امام دوم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل ۱۳ ساله مسکن و مشکل شغلی با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ع.ر) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کنند:

تقریباً ۱۳ سال پیش منزلی را در شهرستان خریداری کردیم، ولی به دلیل مشکلاتی که داشتیم نتوانستم به آنجا برویم، از جمله اینکه: همسرم راننده ماشینهای باربری بود؛ و چون روی ماشینهای سنگین در بیان کاری کرد؛ اگر به شهرستان می رفتیم کارش را از دست می داد، به خاطر همین مجبور شدیم در منزل استیجاری زندگی کنیم.

تا اینکه تدریجاً در این چند سال مشکلات زندگیمان بیشتر شد؛ بالا رفتن هزینه های اجاره و ناتوانی ما در پرداخت آنها، هم چنین مدتی بعد از آن دخترم برای ادامه تحصیل در دانشگاه همان شهر قبول شد، و بعد هم همسر مناسبی از همانجا برای او پیدا شد، و در همان شهر ازدواج کرد، تنهایی دخترم در شهر غربت؛ و همچنین در مواقعی که لازم بود در کنارش باشم و نتوانستم آنجا حضور پیدا کنم؛ بر مشکلات اضافه کرد.

به دنبال همه این موانع، از لحاظ روحی دچار افسردگی شده بودم ولی کاری هم از دستم ساخته نبود! به هیچ وجه شرایط ما برای رفتن مهیا نمی شد!

در این چند سال از ادعیه و توسلات هرچه که می دانستم و دیگران پیشنهاد می کردند انجام می دادم ولی نتیجه ای نمی گرفتم!

تا اینکه با درسهای معارف الهی و جلسات توسل به حدیث شریف کساء آشنا شدم؛ بعد از آشنایی با آموزه های ناب مکتب وحی؛ یافتم آنچه را که سالها به دنبالش بودم. عمق مطالب معرفتی و سطح علمی دروس و به حدی بالا بود که تمام ابعاد زندگی ام را تحت تاثیر خود قرار داد؛ و همراه آن زندگی ام را دچار تحولات اساسی کرد، و مشکلات کوچک و بزرگ آن به طور غیرقابل باوری برطرف می شد.

هر بار که در مجلس درس حاضر می شدم؛ قبل از تلاوت حدیث شریف کساء، واقعه هایی از افرادی که با توسل به این حدیث با عظمت مشکلات کوچک و بزرگ و زندگی شان برطرف شده بود خوانده می شد، که حاکی از تجارب موفق توسل به این حدیث آسمانی در حوائج گوناگون بود، از اینجا تصمیم گرفتم که برای مشکلم ختم ۴۰ روزه این حدیث با عظمت را بردارم.

ختم را شروع کردم؛ هر روز صبح قبل از ادای فریضه صبح به مدت ۴۰ روز آن حدیث نورانی را تلاوت کرده؛ و به پنج نور مقدس عَلَيْهِ السَّلَامُ توسل داشتم.

بعد از اتمام این ختم؛ به طور غیرقابل باوری، دربهایی رحمت الهی به رویان باز گردید: شغلی مناسب برای همسرم در آن شهرستان پیدا شد! و به راحتی و بدون مشکلی توانستیم به منزلمان اسباب کثی کنیم! همچنین به برکت مداومت به تلاوت این حدیث نورانی؛ حالم از لحاظ روحی بهتر شده و مشکلاتم برطرف گردید.

از اینکه مورد توجه و عنایت اهل بیت علیهم السلام و هدایت آنها به این مسیر نورانی
قرار گرفتم بسیار خوشحالم؛ و بعد از این واقعه برای همه نیازهای زندگی به
حدیث شریف کساء متوسل می شوم، و انسی وصف ناپذیر با این حدیث نورانی
پیدا کرده ام.

والحمد لله رب العالمین

(۱۵) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم، حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید مسلم ابن عوسجه (از اصحاب امام سوم علیه السلام).

عنوان واقعه: شفا یافتن (بیماری که در کوما رفته بود) به برکت مجلس حدیث کساء و توسل به حضرات معصومین علیهم السلام.

شرح واقعه: آقای (ر.ع) از مریبان ورزشی مدارس آموزش پرورش؛ در مدرسه محل خدمت خود؛ برای دانش آموزان؛ مجلس حدیث کساء را ابتداء بطور مختصر برگزار می نماید، با تأثیرات مثبت معنوی مجلس بر دانش آموزان؛ و استقبال عمومی آنها؛ این برنامه به عنوان یکی از فعالیتهای تربیتی و فرهنگی؛ مورد نظر اولیای مدرسه قرار می گیرد، فلذا ایشان نیز این مجلس را در سطح عمومی ادامه داده؛ و بحمدالله تاکنون بطور مرتب و با حضور وسیع دانش آموزان (هر هفته حدود صد نفر؛ و در ایام مناسبتهای دینی تا چهارصد نفر) ادامه پیدا کرده است، در آخر مجلس هم اطعام مختصری می شود، این مجلس برکات فراوانی داشته است، از جمله آنها این واقعه شفاء است؛ که ایشان آنرا این گونه نقل می کند:

روزی در مدرسه یکی از دانش آموزان که متصدی کار اطعام و پذیرایی (تهیه نان و تقسیم غذا) در مجلس حدیث کساء بود را دیدم؛ و به او گفتم که: برای دور روز دیگر تهیه نان فراموش نشود، گفت: باشد، بعد در ادامه گفت که: سؤالی دارم؟ گفتم: بگو! گفت: شما تا به حال (از مجلس حدیث کساء) حاجتی

هم گرفته اید؟ به او گفتم: خود این که (حضرات عليه السلام) اجازه برگزاری این مراسم را با توفیق آن می دهند؛ این خودش برآورده شدن حاجت است. صحبت در این باره همین جا تمام شد؛ و بحث به مطالبی دیگر از معارف الهی کشیده شد، این گذشت؛ تا این که روز برگزاری مجلس حدیث کساء رسید، دیدم همان دانش آموزان ها را آورد؛ و رفت داخل مکانی که باید غذا را آماده پذیرایی می کرد؛ در حین رفتن گفت: یکی از اقوام ما چهار روز است رفته توی کوما، اگر می شود امروز انتهای مجلس دعا کنید که خداوند شفایش بدهد.

مجلس شروع شد؛ و توسل به حضرات مقدسه معصومین عليه السلام بواسطه حدیث شریف کساء برگزار شد، سپس مطالبی پیرامون شرافت و کرامت ذوات مقدسه پنج تن اصحاب کساء عليه السلام؛ و برکات وجودی این انوار الهی (حتی قبل از این که به صورت ظاهری به این دنیا بیایند) بیان شد، و درباره اینکه: چگونه پیامبران گذشته مثل حضرات آدم و نوح و ابراهیم و بقیه ی پیامبران (علی نبینا وآله وعلیهم السلام) در زمان خودشان به پنج تن مقدس متوسل شده اند. و چون آنروز (از نظر تقویم الهی) مصادف بود با قرارگرفتن کشتی حضرت نوح عليه السلام بر کوه جودی؛ این صحبت نیز شد که: مانند چنین روزی حضرت نوح عليه السلام وقتی از غرق شدن ترسید؛ خداوند را به حق پنج تن عليه السلام قسم داد، و همچنین قبل از حرکت نام این پنج بزرگوار عليه السلام را بر چوبی حک کرد؛ و در جلوی کشتی نصب نمود. همچنین اشاره شد که قطعات یافت شده از کشتی حضرت نوح عليه السلام نیز گواه بر این حقایق می باشد، و با توجه به فرصت زمانی که داشتیم؛ پیرامون این نوع مطالب از معارف الهی صحبت هایی کردیم.

بیان مطالب که پایان یافت؛ آدم صحت را تمام کنم؛ یادم از التماس دعای آن دانش آموز آمد، به دانش آموزان در ادامه گفتم که: یکی از دوستان شما به خاطر یکی از بستگانش که در وضعیت کوما هست؛ التماس دعا دارد؛ و خواسته برای بیمارشان دعایش کنید.

در آن وقت هم به عنوان دعا عرض شد: خداوندا تو را قسم می دهیم؛ به آن پنج تنی که انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام به آنها متوسل شده و حاجت گرفته اند؛ و به توسل حضرت نوح علیه السلام در این روز (که تو را به آن ذوات مقدس قسم داد) که مریض منظور نظر را شفا عنایت بفرمایی، در ادامه دعاها دیگری هم شد. پس از آن با پذیرایی متوسلین حاضر؛ مجلس تمام شد. بعد جلسه نیز او را دیدم؛ گفتم: مریضان را دعا کردیم، آن دانش آموز تشکر کرد.

ماجرا گذشت؛ تا اینکه دو یا سه روز بعد؛ او را دیدم؛ گفتم: راستی از بیمارتان چه خبر؟ گفت: آقا باور نمی کنید! گفتم: مگر چه شده؟ گفت: همان روز که دعایش کردید؛ بعد از ظهر که رفتم خانه؛ گفتند: از کوما بیرون آمده است؛ و حالش خوب خوب شده؛ و در حال حاضر از بیمارستان هم مرخص شده است و همه (از این شفای سریع و بیرون آمدن از کوما) تعجب کرده اند.

خلاصه اینکه: مجلس توسل حدیث شریف کساء؛ و قسم های بزرگ؛ و خدمتگزاری آن خادم نوجوان جلسه؛ و ده های صاف نوجوانانی که شاید اصلا به حساب نمی آیند (و اکثراً و غالباً آنان را با نگاه دیگری می بینند)، و عنایت پنج وجود مقدس علیهم السلام، و اجابت حضرت ربّ الارباب؛ آن نتیجه مهم را داد.

والحمد لله رب العالمین

(۱۶) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده چهارم - حسینیه حضرت امام سجاد علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب زید شهید علیه السلام فرزند و صحابی امام چهارم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکلات مالی متعدد با توسل به حدیث آسمانی کساء

شرح واقعه: خانم (ف.خ) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کند:

زمستان سال ۱۳۹۰ شمسی بود که از شدت مشکلات زیاد زندگی آرام و قرار نداشتم؛ خرج و مخارج و تحصیل دو فرزندم، و اجاره خانه که شش ماه نپرداخته بودیم؛ و بدهکاریهای همسرم که مبلغ خیلی زیادی بود؛ هم چنین بیکاری او که حدود یکسال بود شغلی نداشت؛ در همین اوضاع هم صاحب خانه تقاضای اجاره عقب افتاده را می کرد و خانه را هم به شخص دیگری فروخته بود؛ همچنین مالک جدید خانه نیز حکم تخلیه خانه را گرفته بود، ما هم با بخاطر بی پولی و بدهکاریهای زیاد دیگر قادر نبودیم خانه جدید اجاره کنیم، و طلبکارها هم مرتب تلفن می کردند، و یا به در خانه می آمدند و تقاضای طلبشان را می کردند.

بخاطر هجوم این مشکلات من آرامشم را از دست داده بودم و از خدا تقاضای کمک و راهنمایی داشتم تا فرجی شود، و همواره متوسل بودم، تا اینکه تدریجاً صبر را پیشه خود کردم و باز هم به خداوند پناه برده و به حضرات ائمه معصومین علیهم السلام متوسل می شدم.

اوایل بهار ۱۳۹۱ به یکی از دوستانم برخورد کردم و ایشان گفتند به تازگی در خانه یکی از دوستانشان هفته ای یک مرتبه جلسه ختم حدیث شریف کساء برگزار می شود، و در کنار آن آموزش تلاوت و آشنایی با معارف الهی نیز در این مجلس برقرار می باشد.

ایشان می گفت: خیلی نکات ظریف و مهمی و گنجینه های معرفتی در این حدیث شریف نهفته است که انسان با شرکت در این جلسات بهتر می تواند به این نکات ارزشمند پی ببرد. او نیز گفت که: ختم حدیث کساء برای همه کسانی که شرکت داشته اند تا به حال برکات زیادی داشته است. ایشان به من گفت که: می توانم یک جلسه شرکت کنم اگر علاقمند شدم، ادامه دهم.

من هم مشتاقانه پذیرفتم؛ آدرس را گرفتم و تا روز موعود (که آن مجلس تشکیل می شد) روز شماری می کردم.

چند هفته قبل از آشنایی من با این مجلس و شروع شرکت من در این جلسه؛ مرتباً چند روز لحظه به لحظه دعا می کردم که خدا راه صحیح که همان شاهراه هدایت ائمه معصومین علیهم السلام را نشانم بدهد تا به خوبی امام زمانم را بشناسم و به مرگ جاهلیت نیمرم؛ و تا زنده هستم با نور اهل بیت علیهم السلام آشنا بشوم تا بتوانم بهتر از زندگی دنیوی ام استفاده کنم و عمرم را بیهوده طی نکنم، وقتی موفق به حضور در آن جلسه شدم و از فضای مجلس و محتوای برنامه های آن مطلع گردیدم بسیار خوشحال شدم و خدا را شکر کردم که من را به این آرزویم هم رسانده بود.

چند جلسه دیگر نیز شرکت کردم و به تدریج با معرفت احوال ظاهره انبیاء و ائمه علیهم السلام و برخی معارف ناب الهی شناخت بیشتری پیدا کردم، هر چند در زمینه تاریخ اسلام و معارف دینی اطلاعات زیادی در دبیرستان و دانشگاه به دست آورده بودم؛ ولی مطالب این کلاس ژرف و عمیق و وسعت و جاذبه بیشتری داشت، و به هیچ وجه با آموخته های خودم قابل مقایسه نبود.

در طی همین جلسات بود که هر بار بیش از پیش با حدیث شریف کساء آشنا شدم، و تدریجاً مطلع گردیدم افرادی بسیاری که در این مجلس شرکت می کردند؛ با توسل به این حدیث نورانی به حاجاتشان رسیده بودند؛ به خاطر همین تصمیم گرفتم که برای حل مشکلات متعدد زندگی ام ختم چهل روزه این حدیث با عظمت را بردارم.

ختم چهل روزه تلاوت حدیث شریف کساء را برگزار کردم، بعد از اتمام ختم، دربهایی رحمت حق بیشتر به رویم گشوده شد، و از راههایی که اصلاً گمان نمی کردم مشکلات خانوادگی و مادی ام یکی یکی برطرف شد.

همسرم به سر کار برگشت، و شرایط تمکن مالی برای ما طوری فراهم شد که توانستیم خانه جدید اجاره کنیم؛ و کم کم بدهی هایمان را پرداخت کردیم، و روحیه ام هم بهتر شد، و الحمدلله از نظر درک و فهم معارف ناب الهی نیز پیشرفت زیادی نصیبم شد.

حضرت مولا صاحب الأمر عَلَيْهِ السَّلَامُ را شاکرم که من را با این جلسات ملکوتی و نورانی آشنا کرد و حضرات خمسه طیبه اصحاب کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با لطف و کرم بی نهایتشان مشکلاتم را حل کردند.

هم چنین از افرادی که مرا برای راه یافتن به این مجالس دلالت کرده و زمینه تشکیل این درسها را برای ما فراهم نموده و آنهایی که با کلام روحانی و دلنشین راه هدایت را به ما نشان دادند تشکر می کنم، از خداوند می خواهم که خیر کثیر در دنیا و آخرت نصیبشان شده و همواره در عافیت و سلامتی باشند.

والحمد لله رب العالمین

(۱۷) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیت الکساء

منبع: آموزشکده پنجم - حسینیہ حضرت امام محمد باقر علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب جابر جعفری رحمۃ اللہ علیہ باب امام پنجم علیہ السلام.

عنوان واقعه: باز شدن مسیر زیارت و عنایات در سفر عتبات عالیات به برکت تلاوت حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: آقای (م.ت) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کنند:

در ماه شعبان المعظم امسال (۱۴۳۴) به اتفاق خانواده و دوستان توفیق پیدا کردیم که به زیارت عتبات عالیات و حضرات مقدسه معصومین علیہم السلام مشرف شویم؛ طبق برنامه ریزی که انجام داده بودیم روز ششم شعبان توفیق زیارت حرمین کاظمین علیہم السلام نصیبمان شد و صبح روز هفتم شعبان به زیارت سامرای غریب مشرف شدیم. در حالیکه قبل از رفتن همه می گفتند که سامرا امنیت ندارد، و حتی خیلی از افراد می گفتند سامرا نروید یا لااقل اگر خواستید بروید خانواده همراه خود نبرید؛ لذا ما با توکل به حضرات مقدسه معصومین علیہم السلام به اتفاق خانواده و دوستان همراه به سامرا رفتیم و با کمال آرامش و امنیت دوروز آنجا بودیم و شب و روز هشتم شعبان ولادت حضرت صاحب الامر (منه السلام) توفیق زیارت آن بارگاه نورانی را پیدا کردیم؛ و واقعا که حرم و مکان مظلوم و غریبی بود. در اثر تبلیغات زیادی که برای ناامن جلوه دادن این مسیر و این مکان مقدس می کنند زائری ندارد و در کمال مظلومیت و غربت است.

پس از برگشت به کاظمین؛ روز یازدهم شعبان قصد عزیمت به کربلا می
معنی را داشتیم و از روز نهم شعبان اهالی کاظمین می گفتند اگر می
خواهید به کربلا بروید همین امروز بروید بهتر از فردا است؛ چونکه
زیارت شعبانیه است و زائرین از همه مناطق عراق به سمت کربلا می
آیند ولی ما طبق برنامه ریزی و راهنمایی هایی که شده بودیم، صبح روز
یازدهم پس از نماز صبح با یک دستگاه اتومبیل ون راهی کربلا شدیم.

بین راه که می رفتیم موبایل راننده زنگ خورد و یکی از همکارانش که
از آن مسیر بر می گشت به او گفت که راه بسته است؛ راننده هم به ما
گفت که همکارم می گوید راه بسته است و نمی شود کربلا برویم؛ گفتیم
ان شاءالله مشکلی پیش نمی آید و توکل به خدا کردیم همین طور که در
مسیر حرکت می کردیم در بین راه زائران پیاده را می دیدیم که برخی هم با
پای برهنه عازم حرم حسینی علیه السلام بودند.

۴۰ کیلومتری کربلا که رسیدیم ایستگاه ایست بازرسی بود و گفتند از
اینجا به بعد نمی شود با ماشین رفت؛ یا باید پیاده بروید و یا با ماشین
هایی که برای جایابی زوار گذاشته شده است؛ و اجازه عبور هیچ
خودرویی غیر از خودروهای مجاز را نمی دادند.

ماشین هایی که گذاشته بودند کمپرسی بود، یکی از این کمپرسی ها که
می آمد جمعیت زیادی برای سوار شدن به طرف آن هجوم می برد و ما هم
با وسایل وزن و بچه اصلا امکان نداشت بتوانیم سوار آنها شویم.

هر چقدر با مامورین صحبت کردیم و به آنها اصرار کردیم فایده ای

نداشت! بالاخره نا امید شدیم و وسایل را از روی سقف ماشین پیدا کردیم؛ چون هوا به شدت گرم بود؛ گفتیم افراد پیاده نشوند تا وسایل را چند نفر جوانترها پایین بیاورند و بعد که تکلیفمان مشخص شد پیاده شوند.

در همین حین یکی از همراهان گفت که بیاید شروع به تلاوت حدیث شریف کساء نمایم تا به برکت آن راه و مسیر برایمان باز شود؛ پس شروع به تلاوت حدیث کساء کرد و ما بقی هم با او زمزمه کردند.

در همین حین راننده که عراقی بود با یکی از همراهان رفت و با مامورین ایست و بازرسی صحبت کرد، او گفت: بروید با مسئولان صحبت کنید ببینید چه می گوید، با مسئولشان که فردی نظامی بود وقتی صحبت شد به طور غیر قابل باوری قبول کرد و این در حالی بود که تا چند دقیقه قبلش به هیچ وجهی راضی نمی شد و یک برگه کوچک نوشت و به راننده داد و گفت بروید.

به هر ایست بازرسی که می رسیدیم برگه را نشان می دادیم و راهها برایمان باز می شد و اصلاً مشکلی جهت عبور نداشتیم و با احترام عبور می کردیم؛ تا نزدیکی بین الحرمین با ماشین رفتیم و از آنجا وسایل را به بین الحرمین بردیم و خانواده ها آنجا نشستند تا هتل پیدا کنیم.

برای هتل هم، بین راه با یکی از مسئولین کاروانها که ایرانی بود تماس گرفتیم ایشان می گفتند جمعیت زیادی کربلا هست و امکان پیدا کردن هتل نزدیک حرم غیر ممکن است؛ ولی ما به لطف و عنایت حضرات

مقدسه معصومین علیهم السلام هتلی نزدیک پیدا کردیم و پنج شب هم توفیق
مجاورت و زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اصحاب گرامی شان
را پیدا کردیم.

جمعیت ایام شعبانیه بخصوص شب و روز نیمه شعبان قابل وصف نبود؛ و
زائرینی که در هر شرایطی که داشتند از همه شهرهای عراق برای
زیارت آمده بودند و حتی خیلی هایشان از نظر مالی وضعیت خوبی
نداشتند؛ ولی در بین راه و در خود کربلا با عشق و علاقه از زائرین
پذیرایی می کردند.

تمام راحتی و آسایش این سفر روحانی در آن شرایط زمانی چیزی نبود جز
به برکت توسل پیدا کردن به حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام و عنایت
خود ایشان به زائرینشان.

خداوند زیارت ایشان را با معرفت نصیب و روزی همه عاشقان بفرماید
و به فرزند ایشان که ما را با این مسیر نورانی آشنا کردند و دعاها و
رهنمودهایشان در همه مراحل سفر پشتبان ما بود توفیق بیش از پیش
عنایت فرماید.

والحمد لله رب العالمین

(۱۸) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده ششم - حسینیه حضرت امام صادق علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب شهید ابوالطیبات از اصحاب اسرار امام ششم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن عوارض خطرناک داروهای شیمی درمانی و بهبودی در بیماری پوکی استخوان با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (الف.ر) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کنند: اینجانب قبل از شرکت در مجالس معارف الهی و جلسات توسل که در منزل یکی از همکاران محترمه برگزار می شود در مورد برکات حدیث کساء و عنایات خاصه خاندان رسالت علیهم السلام و همچنین حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام به مجالسی که حدیث کساء در آن خوانده می شود را شنیده بودم و به آثار و برکات آن معتقد بودم؛ اما بعد از آنکه در مجالس دروس معارف الهی شرکت نمودم و اهتمام و توجه خاص همه را به قرائت این حدیث شریف دیدم؛ تصمیم گرفتم که خودم هم برای کسب توفیقات بیشتر؛ و مشکلاتی که در زندگی داشتم؛ از جمله شفای فرزندم؛ خواندن این حدیث شریف را شروع کنم.

فرزندی دارم که در سن کودکی دچار بیماری سختی شده بود، (تومور سرطانی و سرطان خون)، و به مدت شش ماه از داروهای شیمی درمانی استفاده کرده بود؛ ضمن آنکه بیماری او به لطف پروردگار و عنایت

خاص اهل بیت علیهم السلام خوب شده و مدت ۹ سال از آن درمان گذشته است، اما آن داروها برای او عوارضی داشته از جمله لاغری مفرط، که خودش بسیار از آن رنج می برد.

چندین مرتبه او را نزد پزشک و متخصص تغذیه برده بودم و طبق نظر آن متخصص و بر اساس شاخص توده بدنی او باید نسبت به قدش؛ او حدود ۲۰ کیلو کسری وزن داشته و وزن متعادل وی ۲۰ کیلو اضافه تر از این وزن فعلی باید باشد. برنامه تغذیه او را طبق برنامه ای که پزشک داده بود تغییر دادم، اما فایده نداشت و مشکل حل نشد! همچنین از کسانی که در این رابطه اطلاعاتی داشتند کمک گرفتم اما باز هم فایده نداشت. تا اینکه تصمیم گرفتم به هنگام پختن غذای ظهر، حدیث کساء را قرائت کنم و این کار را مدتی ادامه دادم و به لطف پروردگار و عنایت خاصه پنج نور مقدس علیهم السلام آثار بهبودی و اضافه وزن را در فرزند دیدم.

همچنین خود فرزندم هم هر وعده؛ به هنگام غذا خوردن سوره مبارکه (التین والزیتون) را قرائت می کند و به غذا می دمد و سپس آنرا میل می کند، و اکنون طوری شده است که هر روز با شادی تمام می گوید: مادر این حدیث و توسل جواب داده؛ و وضعیت جسمانی ام بهتر از قبل شده است.

از سوی دیگر من خودم هم چندین سال است مبتلا به یوکی استخوان بوده ام، طوری که در انجام کارهای روزانه با مشکلات زیادی روبرو بوده و شبها از شدت درد و ناراحتی نمی توانستم بخوابم. اما در اثنای توسل

برای شفای فرزندم، متوجه آثار شگفت این حدیث نورانی بر بیماری خودم نیز گردیدم: تا اینکه در حین توسل حدیث کساء برای بهبودی فرزندم با قرائت روزانه این کلام قدسی، بعد از چند روز متوجه شدم که دیدم که وضعیت جسمانی خودم نیز نسبت به قبل بهتر شده و از آن درد و ناراحتی‌های سخت دیگر خبری نیست، و نه تنها بیماری ام کنترل شده؛ بلکه پیشرفتی هم در بهبودی و خوب شدن آن حاصل شده است.

بعد از این عنایات و کسب توفیقات و نزول انوار رحمت الهی بر من و خانواده ام؛ تصمیم گرفتم که تلاوت این حدیث با عظمت را جزء برنامه روزانه زندگی ام قرار بدهم، و الان روزی دو مرتبه این حدیث شریف را قرائت می‌کنم؛ یکی به هنگام بین الطلوعین در صبحگاه و دیگری به هنگام تهیه نهار و پختن غذا برای استمرار اثر شفا بخشی آن.

امیدوارم این توفیقات و عنایات الهی را بتوانم قدر بدانم و شاکر آنها باشم؛ گرچه من بنده عاصی پروردگارم اما در هیچ مرحله‌ای از زندگی نا امید نبوده و نیستم؛ زیرا دل در گرو چنین اهل بیته علیهم‌السلام دارم که افرادی چون من معصیت کار را هم مورد لطف قرار می‌دهند.

در پایان از همه خوانندگان و شنوندگان این مطالب می‌خواهم که قرائت این حدیث نورانی و با عظمت را فراموش نکنند و برای رهایی از مشکلات خود به این حدیث شریف پناه ببرند که جز توسل به انوار مقدسه اهل بیت و حضرات معصومین علیهم‌السلام بالأخص حضرت صاحب الأمر علیه‌السلام راهی نیست.

بعد از نوشتن این واقعه نیز مطلع شدم که در مجالس اطعام بزرگان معنوی؛ به توصیه ایشان هنگام طبخ غذا توسل و اذکار شریفه ای انجام می شده، که همین امر سبب بروز آثار شفابخشی طعام و غذای آن مجالس می گردیده است، فلذا با توجه به سیره بزرگان دینی و این تجربه شخصی از همه برگزارکنندگان مجالس توسلی که همراه با اطعام است، می خواهم که: برنامه طبخ را در محل برگزاری مجالس اجرا کرده، و متصدیان غذای مجالس؛ طبخ غذای آنها همراه با توسل و اذکار شریفه بعمل آورند، تا آثار و برکات این مجالس مضاعف و دوچندان گردد. آمین رب العالمین

والحمد لله رب العالمین

(۱۹) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب علی بن یقظین (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال نجات از مرگ يك مصدوم ضربه مغزي در وضعیت کوما؛ بعد از آنکه اطباء از بهبودي وي مأیوس بودند، و شفای نهائی آن، به برکت برقرار شدن مجلس حدیث قدسي کساء در منزل شخص مصدوم.

شرح واقعه: آقای مهندس (ع.ر.ه) که از اساتید تعلیم تجوید قرآن است و برکات حدیث کساء را درک کرده و در مجالس درس قرآن از کتاب حدیث کساء و آثار شکفت برکات این حدیث را نقل می کند، شرح واقعه را چنین تعریف می کند:

یکی از روزها در منزل بودم که تلفن زنگ زد، یکی از نزدیکان بود، باناراحتی خبر داد: دایی اش به نام (ع.س) ۴۰ ساله که راکب موتورسیکلت بوده است بر اثر تصادف با خودرو پراید در بولوار سرداران شیراز در تاریخ ۲۸ صفر سال ۱۴۳۲ ضربه مغزي شده؛ و هم اکنون حدود ۲۰ روز است در کوما و بیهوشی عمیق در بیمارستان شهید بهشتی شیراز در بخش آی سی یو بستری شده است، و وضعیت وخیم است، و پزشکان اعلام کرده اند: عمل جراحی بر روی مغزوي انجام داده اند و امیدی به

بهبودي ایشان نیست، و ما کاري نمي توانيم بکنيم، و با نا اميدي
پزشکان از زنده ماندن مصدوم و حال وخيم رو به موت او؛ خانواده اش
نگران و نالان هستند.

وقتي اين واقعه را در تلفن تعريف کرد، اين حقير بر حسب آنچه که در
باب فضائل و برکات مجالس حديث کساء درک کرده بودم؛ پيشنهاد نمودم:
يك جلسه حديث شريف کساء جهت بهبودي وي در منزلش برگزار
شده؛ و مؤمنين و خویشان را دعوت کرده و بعد مجلس نیز اطعام کنند.
در موعده مقرر اين جلسه برگزار شد؛ و بنده به عنوان خادم جلسه به
آن جلسه حديث کساء مشرف شدم، ابتدا در جلسه راجع به فضيلت و
سند حديث شريف کساء و فضائل و برکات آن از جمله محور بودن
حضرت عصمة الله الكبرى فاطمة الزهراء (سلام الله عليها) در اين
حديث شريف؛ و اينکه عالم کون و مکان و عوالم هستي؛ همه به طفيلي
وجود ذوات مقدسه مطهره؛ لباس وجود پوشيده اند، و اينکه معرفت و
محبت اين ذوات مقدسه هست؛ که هدف غايي و مايه حيات عالم است،
مطالبی عرض نمودم، و از برکات حديث قدسي کساء گفتم؛ و اينکه در
مجلسي که اين حديث خوانده مي شود؛ و در آن جمعي از شيعيان و محبين
اهل بيت عليهم السلام هستند؛ تا زماني که اجتماع داشته و پراکنده نشده اند؛
ملائکه آنها را در بر مي گيرند، و مورد نزول برکات و رحمت الهي
هستند، و خداوند حاجت ایشان را مي دهد، و غم و اندوهشان را
برطرف مي کند، و نکاتي از متن نوراني آن را شرح دادم، و سپس

مشغول قرائت حدیث شریف کساء شدیم، بعد از آن نیز چند دقیقه دعای گره گشا (یا من تحل به عقد المکاره...) را قرائت نمودیم، جلسه حدود یک ساعت و نیم طول کشید.

همان شب پس از جلسه حدیث شریف کساء؛ و فی المجلس خانواده مصدوم با بیمارستان تماس گرفته و جویای وضعیت مصدوم شدند، که با کمال تعجب پرستار بخش آی سی یو خبر داد که: ایشان همین الآن از حالت کوما بیرون آمده، و همه متعجب بودند، و مصدوم همان شب از مرگ نجات یافت.

در ادامه روند بهبودی وی، طی روزهای بعد مطلع شدم که به تدریج سطح هوشیاری بیمار بالا آمده و هم اکنون در فروردین ۱۳۹۰ می تواند راه برود.

پزشکان از نجات وی از مرگ و بهبودی او؛ اظهار تعجب نموده، و گفته بودند: این مورد شبیه معجزه است، و کسی جز خداوند متعال بر این کار قادر نیست.

والحمد لله رب العالمین

(۲۰) غیاث الأولیاء فی التوسل بخدیث الکساء

منبع: آموزشکده هشتم - حسینیه حضرت امام رضا علیه السلام ، حوزه معارف الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هشتم علیه السلام .

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل مسکن با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (الف.م) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کنند:

از زمانی که در جلسات حدیث آسمانی کساء در محل حسینیه شرکت می کردم با این حدیث با عظمت آشنایی پیدا کردم، ولی تا قبل از انتشار کتاب "غیاث الاولیاء فی التوسل بخدیث الکساء" آشنایی ام به برکات و عنایات این حدیث نورانی محدود بود. اما هنگامی که این کتاب تدریجاً منتشر شد؛ و آنرا مطالعه کردم؛ و با کرامات آن بیشتر آشنا شده و دیدم که هر فردی که مشکل و گرفتاری داشته با توسل به این حدیث شریف برطرف شده است، فلذا بخاطر همین تصمیم گرفتم برای حل مشکلات زندگی ام همیشه به این حدیث نورانی متوسل باشم. و برای اطرافیانم هم این وقایع را تعریف می کردم و توسل به آن را به آنها توصیه می کردم؛ همین امر باعث شد که آنها هم برای حل مشکلاتشان به این حدیث قدسی متوسل شوند. یکی از کرامات اعجازگونه ای که خودم مستقیماً در جریانش بودم را در اینجا یادآور می شوم:

مدتی پیش مادرم منزلشان را فروختند و توانستند منزل دیگری خریداری کنند؛ منتهی این منزل جدید از آنهایی بود که بساز بفروش آن را ساخته بود و به آنها قول داده بود که در تاریخ مقرر خانه را تحویل می دهد، هم چنین در بین حرفهایش می گفت که زودتر از این آماده می شود اما در قولنامه تا ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ قید شده بود که منزل تحویل داده شود.

در این مدت که مادرم با خواهرهایم منزل را فروخته بودند باید به محل جدیدی برای سکونت می رفتند تا منزل جدیدشان آماده شود، ولی خوشبختانه صاحبخانه که منزل قدیمی ما را خریده بود به آنها مهلت داد که تا آن زمانی که منزل جدیدشان آماده می شود می توانند در اینجا سکونت داشته باشند، و نیاز به جابجایی به محل موقت نیست.

وقتی موعد مقرر برای تحویل منزل جدید فرا رسید؛ آن بساز بفروش شروع به بهانه آوردن کرد، و می خواست زیر تعهدش در قولنامه بزند و می گفت که آن را فسخ می کنم، یا اینکه ۱۰ میلیون تومان به شما می دهم تا قولنامه را فسخ کنید.

این کشمکش ادامه یافت تا اینکه ۲۱ اردیبهشت ماه شده بود ولی هنوز وی منزل را تحویل نداده بود؛ از طرف دیگر هم با توجه به تورم روز افزون مسکن؛ دیگر با این پولی که داشتند نمی توانستند جای دیگری را خریداری کنند؛ در این مدت هر چه با او صحبت می کردند؛ فایده ای نداشت، و آنقدر همه مان را نگران کرده که اعصاب همه مان به هم ریخته بود، و این امر به مشکل بزرگی برایمان تبدیل شده بود.

تا اینکه من به خواهرم پیشنهاد دادم که برای رفع این مشکل همگی به حدیث شریف کساء متوسل بشویم، و نیت کردیم که ۴۰ حدیث کساء را به مدت ۴ روز تلاوت کنیم. و از همان روز هم با خواهرم توسل به پنج تن آل عبا علیهم السلام را شروع کردیم.

فردای آن روز که قرار شد پیش فروشنده بروند؛ با خواهرم تماس گرفتم و گفتم که چه خبر؟ و کار به کجا رسید؟ دیدم خواهرم خوشحال است، و گفت که: الحمدلله منزل را تحویل گرفتیم و شب برایت می گویم.

شب همگی به منزل ما آمدند، و دیدیم که خوشحال هستند و خواهرم با کمال تعجب و با تحیری تعریف می کرد که: این بار وقتی سراغ بسازفروش رفتیم رفتار وی کاملاً عوض شده بود، و از آن لجبازی که تا کنون داشت؛ دیگر خبری نبود، بلکه در صحبتش؛ مرتباً هم از ما معذرت خواهی می کرد، و به مادرم می گفت که: من را حلال کنید، و اصلاً رفتارش با روزهای قبل قابل مقایسه نبود!

در ادامه هم همراه با خواهرم بقیه ختم را به اتمام رساندیم، و این معجزه دیگری بود که به برکت حدیث نورانی کساء؛ از عنایت و نظر خاص حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در زندگی ام دیدم.

والحمدلله رب العالمین

(۲۱) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده نهم - حسینیه حضرت امام جواد علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب علی بن مهزیار رضی الله عنه از اصحاب امام نهم علیه السلام.

عنوان واقعه: شفای بیمار با حال وخیم با توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: آقای (س.ع.ط) واقعه فوق را درباره بیماری پدرشان

اینگونه نقل می کنند:

پدرم سابقه بیماری دیابت دارد و چند روز بود که حالش وخیم شده بود، و چند بار هم به پزشک مراجعه کردیم، اما جواب مشخصی به ما ندادند و به نتیجه ای نرسیدند، تا اینکه بعد از ظهر روز جمعه حالشان وخیم شد و حتی به سختی نفس می کشید؛ ایشان را به اورژانس بیمارستان رساندیم و پس از معاینات؛ پزشکان اعلام کردند که: ایشان سکته خفیف کرده، و هر دو کلیه اش هم از کار افتاده است؛ به خاطر همین دیالیز را انجام دادند و من شب تا صبح در کنار ایشان بودم و صبح روز شنبه ساعت ۱۰ بود که برای استراحت به منزل آمدم؛ طبق برنامه قبلی، ظهر آن روز می بایستی همراه با یکی از دوستان برای شرکت در مجلس حدیث شریف کساء و دروس معارف الهی در یکی از حوزه ها به شهرستان دیگری می رفتم؛ و شب هم دوباره به بیمارستان برمی گشتم تا همراه بیمار باشم. دوست همسفر ما چون در جریان ماجرای کسالت پدرم قرار گرفت به بنده گفت که: شما نیا به این سفر و مراقب پدرت

باش. ولی بنده نیت کردم به جای اینکه در منزل استراحت کنم، برای شفای پدرم جهت برگزاری مجلس حدیث شریف کساء به آنجا بروم و خدمتی در این مسیر انجام بدهم. فلذا راهی سفر شدیم و به محل مربوطه رسیدیم، در آنجا مرقد یکی از نوادگان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد، به زیارت ایشان رفتیم و به ایشان متوسل شدم و شفای پدرم را از این بزرگوار خواستم. سپس به جلسه حدیث شریف کساء رفتیم؛ در آنجا ابتدا درسهایی از معارف الهی گفته شد و آثار برکات توسل به این حدیث نورانی بیان شد و سپس در انتهای مجلس هم این حدیث شریف تلاوت شد و حاضرین در مجلس برای شفای پدرم دعا کردند.

شب که از مجلس شهرستان بازگشتم به بیمارستان رفتم تا از احوال پدرم مطلع شوم و دیدم که دوباره او را دیالیز را نموده اند.

صبح روز بعد با انجام آزمایشات مشخص شد که الحمدلله کلیه های از کار افتاده دیروز؛ امروز بکار افتاده! بلکه به وضعیت عادی برگشته!! و با گرفتن نوار قلب نیز متوجه شدند که قلب او نیز هیچگونه عارضه و مشکلی ندارد!!! و دو روز بعد هم ایشان را از بیمارستان مرخص کردند.

بنده از آن بزرگوارانی که ما را به این مسیر نورانی هدایت کرده و با اهمیت حدیث شریف کساء آشنا نمودند، و نیز کسانی که در مجلس حدیث کساء برای شفای این بیمار دعا نمودند تشکر می کنم و از حضرت مولا (منه السلام) توفیقات بیشتر را برایشان مسئلت می نمایم.

والحمدلله رب العالمین

(۲۲) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده دهم - حسینیه حضرت امام هادی علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب ابوهاشم جعفری رحمته الله از اصحاب امام دهم علیه السلام.
عنوان واقعه: نجات بیمار در آستانه نابینایی با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ر) واقعه فوق را اینگونه بیان می کنند:

در آغاز کلام حمد و سپاس می گویم خداوند علی الاعلی را به سبب نعمت سترگ و والای ولایت که زبان از عهده شکرش عاجز است. خدا را سپاس به خاطر وجود پر برکت حضرات معصومین علیهم السلام، موالیان بزرگوار و کریمشان که در همه حال دستگیر و یاری دهنده ما فقیران درگاهشان هستند.

به تفضل مولا صاحب الأمر (منه السلام و إلیه التسلیم) مدتی است که در مسیر نورانی معرفتشان قرار گرفته و از علوم و معارفشان بهره مند می گردم و در این مسیر بیشتر و جامعتر به حدیث شریف کساء و اهمیت و اثرات آن شناخت پیدا کردم و سعی در خواندن هر روزه این حدیث نورانی داشتم و در زندگی خود و اطرافیانم مرتب شاهد برکات و تاثیرات معنوی و مادی و حاجت رویی و قبولی توسلات بوسیله حدیث شریف کساء بوده ام.

از جمله این توسلات واقعه ای بود که در نوروز سال ۱۳۹۲ رخ داد:
یکی از دوستان خانوادگی مان اواخر سال ۱۳۹۱ به دیدنمان آمد. خیلی
پریشان و ناراحت بود و علتش را برایمان توضیح داد؛ که مدتی سردرد
های شدید او را رها نمی کرد بطوریکه عملاً او را از انجام کارها و
فعالیتهايش باز داشته بود. وي هنگام مراجعه به پزشک و گرفتن عکس
MRI از سرش متوجه غده ای بزرگ پشت چشمش شده که باید هرچه
سریعتر عمل می شد، و الا با توجه به رشد سریع این غده، چشم وي از
حدقه اش بیرون آمده و نابینايي اش قطعی بود.

نگرانی بیشتر او از این بود که پزشک گفته بود موفقیت این عمل پنجاه
پنجاه است و ممکن است حين عمل نابینايي اش را از دست بدهد و در
عين حال چاره ای جز عمل نیست!

موقعیت ایشان خیلی بغرنج و حساس بود همینطور که برایمان توضیح می
داد اشک در چشمانشان حلقه زده بود و می گفت آخر چرا من باید
اینطور شوم؟! زیرا شغل وي حسابداري بود و همه محوریت کارش با
چشمان او در ارتباط بود در عين حال فرزند ارشد خانواده و مسؤول
تأمین نیازهای مادي ایشان بود و از سالیان قبل که پدرشان را از دست
داده بودند، ایشان از مادر و دو خواهر کوچکترش مراقبت می کرد و
حمایت مالی خانواده را به عهده داشت.

از شنیدن این موضوع خیلی ناراحت شدیم و به ایشان توسل به حدیث
شریف کساء و امداد و استعانت جستن از ساحت مقدس خمس طیبه و

حضرات معصومین علیهم السلام را پیشنهاد کردیم تا خودشان عنایت و تفضلی بفرمایند و برای او فرجی حاصل شود. خودمان نیز برای حل مشکل ایشان شروع به تلاوت پنج عدد حدیث کساء به همراه ختم امن مجیب ... کردیم و به پنج نور مقدس علیهم السلام متوسل شدیم تا مشکلی برای ایشان پیش نیاید.

مرتب جویای احوال ایشان بودیم؛ اوایل نوروز ۹۲ بود که ایشان اطلاع دادند که در این مدت مرتب به حدیث شریف کساء متوسل بوده اند و برای عمل جراحی به تیم پزشکی که در تهران به ایشان معرفی شده، برای امور مقدماتی راهی تهران شدند و این بار پزشک پس از ویزیت و معاینات و بررسی آزمایشات ایشان را دلگرم کرده و گفته بود ان شاء الله عمل با موفقیت انجام می شود؛ و به ایشان قول عملی را داده بود که تمام غده را که به حجم یک گردوی درشت بود بدون ریسک نابینایی از پشت چشم ایشان خارج نماید.

منتهی هزینه عمل بسیار بالا بود ولی به فضل حق تعالی و عنایت حضرات معصومین علیهم السلام مدیر شرکتی که در آنجا مشغول به کار بودند به خاطر حسن انجام کار ایشان قول مساعدت در تأمین هزینه عمل را دادند.

عمل ایشان با موفقیت انجام شد و الحمدلله جراحی غده بدون هیچگونه عارضه انجام شد و هم اکنون در سلامتی کامل به زندگی خود ادامه می دهند.

خداوند را شاکرم که راه را به ما نشان داد و از نعمت ولایت و حمایت
حضرات مقدسه معصومین علیهم‌السلام بهره مند ساخت. از همه بزرگواران و
عزیزانی که در نشر علوم ائمه معصومین علیهم‌السلام اهتمام می ورزند نهایت
قدردانی و سپاس را دارم و سلامتی و توفیقات روز افزونشان را از
خداوند متعال خواستارم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزش‌شکده یازدهم، حسینیه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب احمد بن اسحاق قمی رضی الله عنه از اصحاب امام یازدهم علیه السلام
عنوان واقعه: پیدا شدن وسیله نقلیه سرقت شده با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (پ.خ) واقعه فوق را اینگونه تعریف می کنند:
بنده چند سالی است که به برکت شرکت در کلاسهای معارف الهی با آثار و فواید شگفت حدیث کساء آشنا شده ام و شاهد وقایع متعددی در بین خانواده و دوستانم بوده ام که با توسل به این حدیث نورانی برطرف شده است. از جمله آنها واقعه ای است که برای برادرم پیش آمده بود و با توسل به حدیث آسمانی کساء و عنایت ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برطرف شد:

برادرم به دلیل نبود بازار کار مناسب و شرایط اقتصادی جامعه مجبور شد که برای شغلی که مناسب با رشته تحصیلی اش بود از شهر سکونتشان عازم بوشهر شود و در آنجا مشغول به کار شود؛ چند ماهی آنجا بود تا اینکه یک روز بعد از اتمام کار، برای استراحت و تجدید قوا به استراحتگاه رفته بود و وقتی به محل کار برگشت متاسفانه اتومبیل ایشان به همراه وسایلی که داخل آن بود دزدیده شده بود؛ ایشان هم بلافاصله

این موضوع را با پلیس در میان گذاشت و مدتی هم در آنجا ماند تا اگر خبری شد در دسترس باشد؛ ولی بعد از مدتی که گذشت و از پیدا شدن آن نا امید شد و از طرفی هم چون آنها وسایل و ابزار شغلی اش بودند و عملاً بیکار شده بود به شهرمان بازگشت.

در این مدت خیلی ناراحت و افسرده شده بود چون قیمت بالای ماشین و وسایل داخل آن خسارت زیادی را به او وارد کرده بود و این باعث شده که اوضاع خانواده نیز نامساعد شود و همه برای او نگران شویم.

تا اینکه بنده و همسر می خواستیم برای شبهای قدر در ماه مبارک رمضان به مشهد مقدس برویم؛ بنده هم مادرم را دعوت کردم که همراه ما بیاید به ایشان گفتم برادرم را هم بیاورد تا روحیه اش بهتر شود و ان شاءالله به برکت زیارت امام رضا علیه السلام ماشینش هم پیدا می شود.

برادرم ابتدا از آمدن امتناع می کرد ولی بعد در لحظات آخر با ما همسفر شد. در مشهد مقدس که بودیم کمی روحیه اش بهتر شده بود و خودش هم برای این حاجتش متوسل شده بود و امیدوار بود که ماشینش پیدا می شود.

آنجا که بودیم به مادرم گفتم برای پیدا شدن ماشین، حدیث کساء بخواند و به اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً امام رضا علیه السلام متوسل شود. سه روز بعد از اینکه مادرم خواندن حدیث کساء را شروع کرده بود برادرم در خواب دید در حرم امام رضا علیه السلام شیرینی پخش می کند و بسیار خوشحال است.

مادرم همچنان از همان روز که در مشهد مقدس حدیث کساء را شروع کرده بود آن را به صورت مرتب و روزانه تلاوت می نمود تا اینکه پس از گذشت حدود یک ماه و نیم به برادرم تلفن شد که ماشینش پیدا شده و برود آن را تحویل بگیرد. برادرم به بوشهر رفت و ماشینش را که پیدا شده بود تحویل گرفت و خدا را شکر به ماشین آسیب و خسارتی وارد نشده بود.

ایشان در راه بازگشت به خانه از هر شهری که عبور می کرد متوجه چراغانی خیابانها شده بود و دیده بود مردم شیرینی پخش می کنند، و بعد به یادش آمده بود که آن روز مصادف با میلاد با سعادت امام رضا علیه السلام بوده است و باعث شد به یاد خوابی که دیده بود بیفتد و به همین خاطر آن روز را به خاطر لطف اهل بیت علیهم السلام و خصوصا امام رضا علیه السلام به ایشان، اقدام به توزیع شیرینی در بین مردم و دوستان نمود.

والحمد لله رب العالمین

(۲۴) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوازدهم - حسینیه حضرت امام محمد مهدی علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب محمد بن عثمان رضی اللہ عنہما از وکلای امام دوازدهم علیه السلام.

عنوان واقعه: اصلاح رفتار زوجین و برطرف شدن مشاغل خانوادگی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.آ) برطرف شدن مشکل خانوادگی یکی از اقوامشان را این گونه نقل می کند:

در ابتدا خداوند را شکرگزارم و از حضرت مولا (منه السلام) ممنونم که بنده و خانواده ام را به مسیر نورانی معارف الهی هدایت فرمود، که به برکت آن هر روز دربی از مطالب ناب معرفتی به روی ما بازمی شود و از آن بهره مند می شویم.

بعد از اینکه با فضایل و برکات حدیث قدسی کساء آشنا شدم و معجزات زیادی را از توسل به این حدیث شریف به عینه دیدم تلاوت آن را به همه دوستان و اقوام توصیه می کردم؛ تا اینکه یک روز از خانمی مطلع شدم که مشکلی در زندگی دخترشان وجود آمده و با همسرش بر سر مسائلی اختلاف پیدا کرده اند، به خاطر همین بلافاصله به ایشان گفتم به ایشان توصیه کنید که حدیث شریف کساء را تلاوت کند و متوسل به پنج تن آل عبا علیهم السلام شود. اصل واقعه را از زبان ایشان نقل می کنم:

من و همسر یک هفته از زندگی مشترکمان می گذشت که با هم خیلی مشکل داشتیم؛ همسرم اجازه به من نمی داد که خانواده ام را ببینم و با دوستان و آشنایانم رابطه ای داشته باشم؛ مرتب با هم در حال دعوا و مشاجره بودیم، و در این بین خانواده هایمان نیز غصه دار ما شده بودند، و من از این بابت خیلی ناراحت بودم، و از خدا می خواستم راهی جلویم بگذارد تا بتوانم کاری انجام دهم؛ یا این مشکل به خوبی حل شود؛ و یا اینکه زندگی را تمام کنم و طلاقم را بگیرم! چون دیگر تحمل اینک به این زندگی ادامه دهم را نداشتم!!!

یک روز با مادرم تماس گرفتم و بعد از کمی صحبت، به من گفت که: فلانی گفته: اگر تماس گرفت به او بگویند که: چهل بار حدیث شریف کساء را بخواند.

بنده در ابتدا باورم نمی شد که توسل به حدیث کساء می تواند اخلاق همسر را عوض کند و همه این مشکلات برطرف شود. و لذا اهمیتی به این توسل ندادم و در این ارتباط؛ اقدامی هم نکردم.

روزها گذشت؛ و اختلافات ما و سخت گیری های همسر؛ هر روز بیشتر می شد، و روزها را به تنهایی در خانه می گذراندم؛ بدون اینکه بتوانم با کسی در ارتباط باشم.

تا اینکه یک روز دلم شکست و بعد از ادای فریضه نماز؛ از خداوند عاجزانه کمک خواستم، در همین حین که در حال خودم بودم یک دفعه حسی به من گفت که: کتاب مفاتیح الجنان را باز کنم؛ همین طور که به

صفحات کتاب نگاه می کردم، ناگهان چشمم به اسم مبارک حدیث شریف کساء افتاد، و آنجا بود که من به یاد حرف مادرم و توصیه اش افتادم؛ و نیت کردم تلاوت حدیث کساء را به مدت چهل بار بخوانم. به مدت یک هفته که از تلاوت این حدیث نورانی می گذشت چیزی را در زندگی احساس کردم که حتی خودم هم باورم نمی شد!

اخلاق و روحیات همسرم به کلی تغییر کرد، و به من اجازه داد که با خانواده ام در ارتباط باشم، و سخت گیری های گذشته را کنار گذاشت، و این اولین باری بود که معجزه الهی را به برکت توسل به حضرات اهل کساء علیهم السلام در زندگی ام احساس می کردم. همینطور به خواندن آن ادامه دادم، تا اینکه هر روز تغییرات بیشتر و بهتری در نحوه رفتار او مشاهده می کردم، طوری که دیگر اصلاً شباهتی به آن فرد قبلی نداشت.

البته ناگفته نماند که در حین تغییر رفتار او؛ متوجه شدم که اشکالاتی نیز از طرف خودم و رفتارم نیز بوده که این مسئله را تشدید می کرده است، و این معجزه دوّم این توسل بود.

و الان با نظر لطف پنج تن آل عبا علیهم السلام آن همه مشکلات به خوبی برطرف شده است، و من همه اینها را از نظر توجه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارم و شاکر این لطف بزرگ هستم.

همچنین از این به بعد هر وقت به مشکلی برمی خورم با توسل به حضرات معصومین علیهم السلام از طریق حدیث شریف کساء به حاجت خود می رسم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده اول - حسینیه حضرت امام علی علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب ابوذر غفاری رضی الله عنه از اصحاب امام اول علیه السلام.
عنوان واقعه: برطرف شدن مشکلات متعدد زندگی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ح.خ) واقعه فوق را اینگونه بیان می کنند:

بنده چند سالی است که به همراه همسرم با مجالس و دروس معارف الهی آشنا شده ایم و تا به حال از آموزه های ناب آن بهره های فراوان برده و مولا را بر این نعمت بزرگ شاکریم.

روز سه شنبه ای بود که می خواستم به جلسه زیارت آل یاسین کامله در حسینیه محل بروم؛ و این در حالی بود که چند روز قبل منزل نبودم؛ و خانه ام بشدت نامرتب و به هم ریخته شده و کارهایم روی هم تلنبار بود؛ در حالیکه داشتم وارد مجلس می شدم در قلبم این نجوا را با حضرت صاحب الامر (منه السلام) داشتم؛ که خودتان فردی را بعنوان کمک برایم بفرستید، در حالیکه من به هیچ کس رو نزنم و تقاضا نکنم (چرا که انجام این کار برای برخی ممکن است گران تمام شود).

وارد جلسه شدم و مجلس هم شروع شد؛ بعد از جلسه یکی از دوستانم در آن جلسه به من گفت که: فردی است بسیار محترم و قابل اعتمادی

می باشد؛ که به دلیل برخی از مشکلاتش آمادگی دارد که در خانه آشنای مورد اعتماد کارهای خانگی کند؛ اما نمی خواهد هم شخصی از این موضوع مطلع شود، آیا شما برای کارهای منزل نیاز به چنین فردی ندارید؟

او که از صحبت و نیاز من کاملاً بی خبر بود؛ این پیشنهادش مرا در بهت و حیرتی بسیار فرو برد، و حیران مانده بودم که چطور به این سرعت حضرت پاسخم را دادند!

خلاصه این فرد به منزل ما آمد؛ در طول روز در صحبتی که با هم داشتیم گفت که شوهرش بیکار است؛ و به خاطر اینکه در محل کار برای شخصی ضامن شده؛ و مشکلاتی بوجود آمده دیگر به سرکار نمی رود، و تدریجاً به بطالت کشیده شده؛ و به تن پروری عادت کرده، و هر بار از او می خواهم که به سرکاری برود می گوید: اگر ناراحت هستی طلاق را بگیر و برو.

بنده به این خانم پیشنهاد کردم که برای رفع مشکلات حدیث کساء را ۴۰ روز نیت کن و بخوان. او گفت که می خوانم، به او گفتم جدی نخوانده ای؛ باورش کن و اثرش را ببین.

دفعه بعد که آمد روحیه بهتری داشت؛ و گفت که به صورت جدی شروع به تلاوت حدیث کساء کرده است، و همین امر باعث شده که کم کم فرصت‌های شغلی مناسبی در خانه‌ها برایش فراهم پیدا شود و گشایش بیشتری در کارهایش حاصل شده است.

بر اثر اعتمادی که به او شده بود؛ کارش گسترده شده؛ تا اینکه من ایشان را به خانه یکی از اقوام معرفی کردم؛ که ایشان مادر پیری داشت، و از این خانم خواسته بود که از مادر سالمند او نگهداری کند و او هم قبول می کند.

در طی صحبتی که با خویشاوند ما داشته؛ متوجه می شود که برادر این خانم رئیس محل کار قبلی همسرش است. وی برای رفتن به منزل این سالمند شک و تردید پیدا کرد.

من که شخصا به ایمان و اعتقاد این سالمند باور داشتم؛ به او گفتم که در خانواده ما هرگاه حاجتی داشته باشند، ابتدا برای سلامتی حضرت صاحب الامر (منه السلام) و بعد این خانم سیده نذر کرده؛ و پس از رفع حاجت، هزینه در نظر گرفته را به فقیر می دهند؛ و شما هم برای برکت زندگی ات هم که شده؛ چند ساعتی خدمت این پیر سالخورده را بکن. خلاصه این خانم با اصرار بنده قبول کرد که برای نگهداری آن خانم سیده سالمند برود.

او از هنگامیکه که به خانه خانم سیده می رود؛ خانواده این خانم به او می گویند که طبقه بالای این خانه دو اتاق خالی دارد، و می توانی در آنجا ساکن شوی بدون اینکه بجواهی پولی پردازی، و در عوض از این سالمند ما هم نگهداری کنی.

این خانم خدمتکار هم در کنار مشکلاتی که در زندگی اش داشت مدتها بود که اجاره خانه اش عقب افتاده بود؛ با شنیدن این پیشنهاد شادی شود؛ و روزنه امیدی در دلش بازمی شود.

در این مدت که او برسر مشکلات کاری همسرش با او بحث داشت؛ و از او می خواسته که به سرکاری برود؛ ولی قبول نمی کرده است، و با تهدید خانم به جدایی ایشان را وادار به سکوت و سازش می کرده است؛ و خانم هم در این مدت با تلاوت حدیث شریف کساء و ایمان اعتقادی که به آن پیدا کرده بود همچنان توسلاتش را ادامه می دهد، تا اینکه روزی در همسرش تحولی رخ می دهد؛ و از موضع تهدید خانواده؛ به حالی می رسد که خودش را در تهدید می بیند؛ و اینکه با ادامه این وضع ممکن است همسر و فرزندش را از دست بدهد؛ فلذا تصمیم می گیرد که به سرکارش برگردد.

دفعه بعدی که این خانم را دیدم و از احوال او جويا شدم بسیار شاد و خوشحال بود؛ که به برکت توسل به حدیث با عظمت کساء؛ هم کار خودش توسعه پیدا کرده و درآمدی دارد؛ و هم همسرش دیگر بیکار نیست، ضمن اینکه مشکل مسکنشان هم بدون پرداخت اجاره برطرف شده است؛ و همه اینها را مدیون توسل به حضرا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می داند.

والحمد لله رب العالمین

(۲۶) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوم - حسینیه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام حوزه

جناب قیس بن ورقه معروف به سفینه؛ باب امام دوم علیه السلام

عنوان واقعه: بهبودی زخم صورت کودک با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ح.خ) واقعه فوق را اینگونه نقل می کنند:

بنده چند سالی است که در مجالس درسهای معارف الهی شرکت می کنم و در هر جلسه مطالب مفید و پرباری برایمان بیان می شود. قبل از ورود به درسهای معارف الهی؛ اجمالا با حدیث شریف کساء آشنا بودم و بعضی اوقات هم آن را تلاوت می نمودم، ولی الان با آشنایی که با فضایل و برکات این حدیث با عظمت پیدا کرده ام؛ با شناختی بیشتر آن را تلاوت می کنم، و همیشه تلاوت آن را به اطرافیانم نیز توصیه می کنم، تا آنها نیز از برکات آن بهره مند شوند. و اما واقعه ای که در ارتباط با فرزندم پیش آمد:

روزی دختر خردسالم در حال بازی کردن با بچه ها بود؛ که در حین بازی؛ یکی از کودکان با دستش پنجه ای به صورت او در کنار لب وی کشید و خون آمد؛ این خراش خیلی کوچک بود؛ و کمی از پوست صورت

او جدا شد که نیازی هم به مراجعه به پزشک نداشت، با کمی دلجویی؛ او آرام شد و در ظاهر مشکل برطرف شد.

انتظار می رفت بهبودی کامل حاصل شود و زخم خوب شود؛ ولی به همان اندازه در همان قسمت گوشت اضافه آورد، دیدن این موضوع خیلی برایم سخت بود؛ چون اتفاق خاصی نیافتاده بود؛ اما حالا به این شکل در صورت او ظاهر شد!

چون فرزندم دختر بود بیشتر روی آن حساس و ناراحت بودم؛ و آنقدر به این گوشت اضافه نگاه می کردم؛ که او خودش هم حساس شده بود؛ و می گفت مگر اتفاقی در صورت من افتاده است؛ که اینقدر نگاه می کنید؟! تا اینکه یک شب خیلی کلافه شدم و تصمیم گرفتم که به حضرت فاطمه زهراء علیها السلام متوسل شوم؛ برای همین ابتدا غسل انجام دادم، و بعد نیت کردم که پنج عدد حدیث کساء را در مدت پنج روز تلاوت کنم. و آن نذر را انجام دادم.

بعد از این پنج روز در حالیکه باورم نمی شد؛ دیدم گوشت اضافه کنار لب؛ بطور غیر قابل باوری؛ خودبخود جدا شد، و کاملا از بین رفت. دیگر زخم صاف شده بود، ولی رنگ این قسمت از پوست؛ با بقیه متفاوت شده بود؛ بنده که اعتقادم به این حدیث شریف محکمتر شده بود؛ دوباره نذر کردم که پنج حدیث کساء دیگر برای این مورد هم بخوانم؛ تا این قسمت پوست صورت او هم سالم شود، این نذر را نیز انجام

دادم، و بعد از اتمام این حدیث آسمانی؛ دیدم که رنگ این قسمت پوست هم مثل دیگر قسمت‌های صورتش شد؛ به گونه ای که دیگر هیچ آثاری از جراحی روی صورت او مشاهده نمی شد، و همه اینها به برکت توسل به اصحاب کساء علیهم‌السلام و نظر و لطف شان بر بنده و خانواده ام می باشد.

والحمد لله رب العالمین

(۲۷) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید عمار آزدی رحمته الله - (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: نجات یک زندگی در آستانه فروپاشی.

شرح واقعه: خانم (س.ص) که از دانشجویان معتقد و متوسله به ساحت مقدس حضرت صاحب الامر (منه السلام) است، و در یکی از کلینیک های بهزیستی؛ مشاوره روانشناسی حقوقی داوریهای طلاق خدماتی را ارائه می دهند، ماجرا را اینگونه نقل می کنند:

مدتی بود که مورد مشاوره ای داشتم که در دادن راه حل به ایشان درمانده بودم. خانمی با اینکه کاملاً به زندگی و شوهرش عشق می ورزید، (بنا به اظهار خانم) از بس مورد سردی و بی تفاوتی قرار گرفته بود توان جسمی و روحی اش را از دست داده بود، توصیه های به صبر و مدارا مشکل را حل نکرده بود، و خواستن از او برای ادامه این راه و صبر باعث صدمات جدی به ایشان بود، در مقابل می دانستم جدایی نیز به نوعی دیگر باعث تخریب کلی روحی ایشان می شود.

وقتی با شوهر ایشان مشاوره داشتم حقیقت بر من آشکار شد و فهمیدم که ایشان (در فضای مشکل با همسرش) وابستگی به جایی دیگر پیدا

کرده بودند، و این سبب سردی بیشتر بین او و همسرش گردیده بود، اما دیدم که شوهر از جدایی که ایجاد شده بود بسیار افسرده است، نه اینکه نخواهد زندگی اش را نگه دارد؛ ولی مدیریت این وضع نیز از توانش بیرون شده بود.

اگرچه جلسات مشاوره در منع پیشرفت مشکل آنها مفید بود، اما حل نهایی آن بطوری که وضع را به گرمی و آرامی اولیه طرفین برگرداند؛ از دست و قدرت ما بیرون بود، و راهی پیدا نمی کردم. اما چون در هر دوی آنها ریشه های اعتقادی دیده می شد؛ که نشان می داد می توان به کمک آن این زندگی را نجات داد؛ امیدوار بودم.

یک روز که در مجالس دروس معارف الهی در مورد عظمت این حدیث نورانی صحبت شد؛ یکی از دانشجویان که آنجا حضور داشت؛ و از ماجرای این زوجین آگاه بود؛ به من پیشنهاد کرد که توسل به حدیث شریف کساء را به این خانواده توصیه کنم، و من همانجا نیت کردم که ایشان را به توسل جستن به حدیث شریف کساء (از طریق ختم چهل روز) راهنمایی کنم.

از آنجا که اضطراب آن خانم محور این مشکل بود، و کنترل و حل آن را مشکلتر می کرد؛ لذا انجام این ختم به روش مذکور را به آن خانم دادم، و او نیز قبول کرده و مشغول انجام آن شد.

هنوز این ختم به نیمه نرسیده بود که آن خانم با من تماس گرفت و خبر

داد که: به آرامش و اطمینان خاصی رسیده است؛ و اینقدر دلش آرام شده که تصمیم گرفته توکل کند، و همه چیز را به خداوند متعال بسپارد. در ادامه خبرهایی که می رسید نشان از پیدا شدن امید می داد، تا آنجا که روزی خانم به دیدنم آمد. آثار آرامش و رضایت در صورتش هویدا بود. از تغییر عجیبی که در زندگی شان پیش آمده صحبت کرد. از اینکه با آرامش و پذیرش و همدلی وی چگونه شوهرش از افسردگی نجات پیدا کرده؛ و زندگی شان خیلی بهتر از آنچه انتظار داشت شده، ولی چیزی که او را شاد می کرد قدرت توکلی بود که پیدا کرده بود، و جوابی که از توسل به حدیث شریف کساء گرفته بود، و از اینکه خداوند به برکت اولیای الهی علیهم السلام او را مورد رحمت و عنایت قرار داده بودند شکرگزار بود، و من شکرگزارتر از او؛ به درگاه الهی سجده شکر کردم که: خداوند چنین بابهایی را برای نجات انسانها باز گذاشته است، و هم اینکه به برکت هدایت مکتب وحی؛ این مشاوره ام ماورای دانش و ذهنیتهای رایج نتیجه بسیار موفق داشت، و سبب شد نه تنها يك زندگی در آستانه فروپاشی نجات پیدا کند؛ بلکه این زوجین با رویکردی بهتر به زندگی ادامه دهند.

به امید رضایت خداوند و حضرات معصومین علیهم السلام از ما بندگان درگاهشان و فرج و سلامتی امام زمان (منه السلام و الیه التسليم) و توفیق بندگی و خدمت گذاری در راهشان.

والحمد لله رب العالمین

(۲۸) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده چهارم - حسینیه حضرت امام سجاد علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب زید شهید رضی الله عنه فرزند و صحابی امام چهارم علیه السلام.

عنوان واقعه: شفای کودک ۹ ماهه مبتلا به اسپاسم شدید عضلانی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (م.ن) واقعه فوق را اینگونه بیان می کنند:

نزدیک به دو سال است که در منزل یکی از دانشجویان معارف الهی روزهای دوشنبه مجلس زیارت آل یس کامله را برگزار می کنیم، و در این بین افراد را با معارف الهی و همچنین حدیث شریف کساء و آثار و برکات آن آشنا کرده ام، و الحمدلله خیلی مؤثر بوده، و توسلات زیادی به خمسه طیبه علیهم السلام داشته اند، و نتایج خوبی گرفته اند.

یک روز در آخر زیارت بودیم؛ که خانمی با حالتی مضطر وارد جلسه شد؛ در حالیکه دختر کوچکی به بغل داشت؛ ایشان در همسایگی منزل مذکور قرار داشتند؛ و چون شاغل بوده و کمتر در محل حضور داشتند؛ اطلاعی از این مجلس توسل نداشتند، بعد از اینکه مجلس توجه؛ به پایان رسید، مشکل فرزندش را برای بنده عنوان نمود، و از ما خواست که جلسه ای را در منزل ایشان برگزار کنیم، که ماجرا را از زبان ایشان نقل می کنم: دخترم به نام فاطمه ۹ ماهه است، و مدت یک ماه بود که به اسپاسم

شدید عضلانی (شبيه فلج؛ مجاله شدن عضو) مبتلا شده بود، و چون شاغل بودم و صبح ها منزل نبودم؛ از شروع بیماری مطلع نشدم، تا اینکه الان یک ماه هست؛ که متوجه این مورد شدم، و در این مدت خیلی بی تابي کردم؛ و از خداوند و ائمه معصومين عليهم السلام خصوصا حضرت زهرا عليها السلام تقاضای شفای بیماری فرزندم را کردم؛ دخترم در طرف چپ دچار اسپاسم شدید (مجاله شدن عضو) بود؛ برای حل این مشکل او را به مرکز تخصصي درمان این نوع مشکل بردم؛ و در این یک ماه تحت نظر آنها برنامه های درمانی را اجرا می کردم؛ ولی عملا نتیجه ای نگرفته بودم؛ و همیشه در طول این مدت { دست چپ او به صورت مشت محکم بسته بود، و وقتی هم که او را در رُزُورُک می گذاشتم؛ به دلیل این مشکل؛ سر او به همان سمت چپ خم بود؛ و تکان نمی خورد، و طبق نظر پزشک با انجام تمریناتی که دریافت کرده بود؛ باید می توانست در این وسیله حرکت کند؛ و دست چپش را باز کند، که او این طور نبود؛ و توانایی ایستادن و راه رفتن در این وسیله را نداشت.

تا اینکه یک روز که همزمان با برگشتن من از مطب دکتر بود، نگاهم به پرچم خانه همسایه افتاد؛ و با دل شکسته وارد این منزل شدم، و به پایان دعا رسیدم؛ در آنجا احساس آرامش خاصی به من دست داد؛ مشکل فرزندم را با میزبان جلسه در میان گذاشتم؛ و از ایشان خواستم که مرا راهنمایی کنند. ایشان به بنده گفتند که: نیت کنم و برای شفای فرزندم حدیث شریف کساء را تلاوت کنم.

به ایشان سریع گفتم می شود امروز عصر به منزل ما بیایید؟ و حدیث شریف کساء و ختم ۱۴ هزار صلوات را برای شفای فرزندم بخوانید؟ ایشان قبول کردند و با تعدادی از همسایگان به منزل ما آمدند. جلسه با آداب آن شروع شد؛ و در ابتدای آن معجزاتی از این حدیث بیان شد، و بعد از آن متن حدیث آسمانی کساء را تلاوت کردند، و بعد ختم صلوات را برگزار کردند.

در پایان برای شفای همه مریض ها؛ و دختر کوچک من نیز دعا کردند؛ جلسه به پایان رسید، و من نورامیدی را در دلم احساس کردم. اما فردای همان روز؛ با چشمانم معجزه ای بزرگ را دیدم، و آن اینکه: سر همان ساعت که روز گذشته حدیث کساء شروع شده بود؛ فرزندم در رُوزُوک خود شروع به راه رفتن کرد، و مشت دست چپش را باز کرد، بدون اینکه مشکلی در حرکت داشته باشد؛ الان وضعیت او روز به روز در حال بهتر شدن است.

بعد از اینکه این معجزه بزرگ را دیدم؛ بنده هر روز ملتزم و مقید به خواندن حدیث شریف کساء شده ام، و این را نتیجه توسل؛ و نظر توجه و عنایت حضرت زهرا ع می دانم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۹) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده پنجم، حسینیه حضرت امام محمد باقر علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب جابر جعفی رحمته الله باب امام پنجم علیه السلام.

عنوان واقعه: شفای بیمار مبتلا به کیست سینه با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.ک) واقعه فوق را این گونه نقل می کند:

بنده حدود یک سال هست که در مجالس توسل زیارت آل یس کامله شرکت می کنم در این جلسات؛ هر بار با یکی از برکات توسل به حدیث قدسی کساء نیز آشنا می شدم، و تجربه های مختلف و نتایج موفق و باورنکردنی توسل افراد در مشکلات مختلف را می شنیدم. و بعد از آشنایی با این کلام نورانی؛ برکات زیادی از آن شامل حالم شده؛ و خودم هم نتیجه گرفته ام، شرح واقعه توسل بنده به حدیث قدسی کساء این چنین می باشد:

مدتی بود که سینه ام کیست ساز شده بود و چند ماه یک بار باید به پزشک مراجعه کرده و آب سینه ام را می کشیدم؛ این کار با درد و ناراحتی زیادی همراه بود، و در طب رایج هم برای این مشکل درمانی نداشتند؛ تا اینکه مطلع شدم در نزدیکی منزل ما جلسه توسل زیارت آل یاسین کامله برقرار شده؛ مشتاق شرکت در آن جلسه شدم؛ در آن جلسه بعد از تلاوت این زیارت شریف؛ از آثار و برکات تلاوت حدیث

کساء و برآورده شدن حاجات افراد مختلف مطلع و بهره مند شدم. در همین ایام یک روز سینه ام متورم و قرمز و بسیار سفت و دردناک شد؛ سریع با حالت پریشانی به پزشک معالجم زنگ زدم که نوبت بگیرم؛ منشی ایشان گفت که دکتر به خارج از کشور رفته و تا یک ماه دیگر هم بر نمی گردند!

بسیار ناراحت شدم و در همان حالت ناراحتی یادم به تلاوت حدیث کساء افتاد و با حالتی دلشکسته گفتم: مولای من یا صاحب الزمان (منه السلام) می خواهم من هم به چشم خودم معجزه این حدیث با عظمت را ببینم!

با حالت پریشانی وضو گرفته و رو قبله، پنج مرتبه حدیث شریف کساء را تلاوت کردم و با حالت گریه و استغفار؛ از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حاجتم را خواستم؛ بعد از آن از حالت طبیعی خارج شده و نمی دانم چقدر سر جانماز بودم (حدود سه ساعت)، بعد که از سر جانماز بلند شدم ناخودآگاه دست به روی سینه ام گذاشتم؛ و دیدم تمام تورم و قرمزی و سفتی و درد آن خوابیده است و اصلاً دیگر هیچ از آن دانه های قرمز و تورم خبری نبود!

الان حدود ۸ ماه هست که از این ماجرا می گذرد، و سینه ام نه درد پیدا کرده و نه دچار کیست شده است، و من این معجزه بزرگ را مدیون این حدیث آسمانی و عنایت حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام؛ می دانم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۰) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده ششم - حسینیه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - حوزه
جناب شهید ابوالطیبیات از اصحاب اسرار امام ششم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل مسکن با توسل به حدیث قدسی
کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.م) واقعه فوق را این گونه نقل می کند:

بنده چندین سال است که مستاجر هستم و به دلیل مشکلات مالی که
برای همسرم اتفاق افتاده بود برای اجاره خانه مشکل زیادی داشتیم و به
دلیل اینکه همسرم بیکار شد و دیگر نتوانست کرایه بدهد صاحب خانه
از پول پیش ما کرایه را برداشت می کرد، تا اینکه مهلت ما تمام شد و از
پول پیش چیزی نمانده بود و صاحب خانه هم به ما گفت: شما باید از
این خانه بروید و ما خانه را برای فروش گذاشته ایم و دیگر قصد اینکه
مستاجر بیاوریم را نداریم!

من خیلی ناراحت و مستاصل شدم؛ و کم کم شروع کردیم به جمع
آوری کارتن برای اسباب کشی.

تا اینکه یک روز در ایستگاه پله که بین من و صاحب خانه مشترک بود
گلدان گلی بود؛ من شاخه ای از این گل را کندم، اما عصر همان روز برای
اینکه مدیون نباشم از ایشان حلالیت خواستم؛ ایشان مجدداً گفتند که
فکر منزل جدید باشید و ما خانه را برای فروش گذاشته ایم.

همچنین بنده مدتی بود در مجالس معارف الهی شرکت می کردم و از کتاب "غیاث الاولیاء فی التوسل بحديث الكساء" وقایع برطرف شدن مشکلات مختلف با خواندن حدیث نورانی کساء را آشنا شدم، و اینکه با انقطاع کامل از دیگران؛ و به صورت خالصانه اگر این حدیث را تلاوت کنیم و حاجات خود را از اهل بیت علیهم السلام بخواهیم.

چند وقتی بود که به واسطه بهره مندی از دریافت علوم و معارف الهی توفیق خواندن نوافل را داشتم؛ آن روز نیت کردم بعد از نافله صبح این حدیث نورانی را به نیت حل مشکل مسکن بخوانم. حدیث شریف کساء را با خلوص کامل و دلبریدگی از خلق و پناه به ملجأ و مأوای حقیقی مولا صاحب الامر (منه السلام) خواندم.

عصر همان روز در حالیکه داشتم وسایل را جمع آوری می کردم تلفن ما به صدا در آمد و صاحبخانه بود گفت: به منزل ما بیایید؛ به منزل ایشان رفتم و گفتند ما از فروش خانه صرف نظر کردیم و دوست داریم شما همین جا بمانید و اصلاً کرایه و پول پیش هم نمی خواهیم! ما دنبال فردی مومن و کسی که حلال و حرام کند بودیم؛ شما به خاطر یک گل از ما حلالیت گرفتید پس شرط لازم را دارا هستید و فعلاً در این خانه باشید تا وقتی که قصد فروش کنیم.

در حالی که اشک از چشمانم سرازیر شد مولا علیه السلام را شکر کردم و معنی این سخن را درک کردم که اگر حتی یک بار با انقطاع کامل از ماسوی الله و با خلوص نیت این حدیث با عظمت را بخوانیم و از اهل بیت علیهم السلام

استمداد بگیریم مشکلات حل می شود، و من به عینه در زندگی خودم این معجزه بزرگ و تجربه و تصدیق آیه شریفه (من یتق الله یجعل له مخرجا) یعنی (هر کسی خدا را پروا کند؛ خداوند برایش راه برون رفت از مشکل را قرار می دهد) را دیدم که: چطور رعایت فرمان خداوند در حق الناس (ولویك شاخه گل معمولی)؛ سبب می شود تا خداوند راه نجاتی از مشکل (بی سرپناهی) برایمان باز کند.

والحمد لله رب العالمین

(۳۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانمی که با ختم ۴۰ روزه حدیث کساء به دو حاجت خود و فرزندش در مورد وضعیت پسر جوانش نائل می شود.

شرح واقعه: خانم (م.س) اهل شیراز اینطور بیان می کند: همیشه می خواستم تصحیحی در حالات خودم انجام دهم؛ و اعتماد به نفسم در امور زندگی بالا رود.

تا اینکه در سال ۱۴۳۱ قمری مطلع شدم؛ در خانه یکی از همسایگان روزهای یکشنبه مجلس حدیث کساء برقرار شده، به این مجلس رفتم. تا قبل آن هیچ آشنایی با این حدیث شریف نداشتم و روخوانی آن را نیز بلد نبودم، به آن مجلس که رفتم دیدم ابتدا از آثار و برکات حدیث کساء حکایتی نقل می شد و بعد قرائت متن این حدیث نورانی بود..

بعد از شنیدن مطالب در مورد معجزات و برکات آن؛ و آشنایی با این حدیث قدسی در این مجالس؛ به شدت به خواندن آن علاقمند شدم و شرکت در این نوع مجالس را مستمرا ادامه دادم، که این امر برکات بسیاری داشت.

و از جمله برکات استمرار بر مجلس حدیث کساء این بود که اعتماد به نفس را احساس می‌کردم بالا رفته و حالت ضعفی که داشتم خیلی بهتر شد؛ و همه را از عنایات این مجلس می‌دانم.

همچنین من ۲ پسر دارم که به شدت به آنها وابسته‌ام؛ پسرم در سربازی به زاهدان افتاد، و دوری او برای من و او سخت بود، و پسرم هم علاقه به کار دفتری در سربازی داشت.

فلذا با توجه به برکاتی که از این حدیث دیده و شنیده بودم، ۴۰ روز ختم حدیث کساء را نذر کردم، که کارش در سربازی؛ همان باشد که می‌خواهد، و هم اینکه به شهرمان منتقل شود.

با اینکه انتقالی سرباز به زادگاه خودش؛ کار سختی است، اما بعد ۴۰ روز خواندن حدیث کساء؛ مدت کوتاهی نگذشته بود که فرزندم تماس گرفت و گفت: کاری دفتری در سربازی نصیبش شده، و کمی بعد از آن خبر داد که منتقل به محل سکونتمان شیراز می‌شود و الحمد لله به شهرمان منتقل شد، و به برکت حدیث کساء؛ دو حاجتم در مورد فرزندم برآورده شد.

والحمد لله رب العالمین

(۳۲) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هشتم - حسینیه حضرت امام رضا علیه السلام ، حوزه معارف الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هشتم علیه السلام .

عنوان واقعه: پرداخت بدهی در شرایط سخت و از راه غیر منتظره.

شرح واقعه: خانم (ا.م) واقعه فوق را این گونه نقل می کند:

چند ماهی است که به همت یکی از دوستانم با مجالس و دروس معارف الهی آشنا شده ام و توفیق خواندن حدیث کساء را پیدا کرده ام و از خداوند به خاطر این لطف بزرگ سپاسگزارم؛ با توسل به این حدیث نورانی اتفاقاتی در زندگی ام رخ داد که متحیرم کرده است و یکی از آنها این چنین است:

چند ماهی بود که مقداری پول به کسی بدهکار بودیم و به هر دری می زدیم که مبلغ مورد نظر را تهیه کرده و به صاحبش باز گردانیم نمی شد و بسیار از این موضوع ناراحت بودم!

تا اینکه یک روز به گوشم رسید که فردی که از او قرض گرفتیم خانواده اش از این موضوع ناراحت شده؛ و خانواده ام را نفرین کرده اند.

با اینکه در هنگام دریافت آن مبلغ، صحبت‌های بسیار زیادی به ایشان کرده بودیم که با خانواده اش در میان نگذارد، انتظار این حرکت و رفتار را نداشتم. بعد از شنیدن این خبر بسیار دلم شکست و در جلسه حدیث

کساء از صمیم قلب و با تضرع و التماس به حضرت صاحب الامر (منه السلام) خواستم که مرا از این خواری نجات دهد و بیشتر از این حقیر نشوم.

تا اینکه فردای آن روز اتفاقی افتاد که من آنرا معجزه الهی بیش نمی دانم:

فردی به همسرم مراجعه کرده بود و برای کاری و به او گفته بود: احتیاج به پول نداری؟ و همسرم شرح قضیه را برای او گفته بود؛ آن شخص نصف مبلغ را به صورت وام به ما داد!

همچنین عصر همان روز یکی دیگر از دوستانمان که پیرزنی تنهاست (که همسرم بعضی وقتها در اداره کارهایش او را کمک می کند) نصف دیگر مبلغ را به عنوان هدیه به همسرم داد! بدون اینکه از قضیه بدهی ما اطلاع داشته باشد!!

با این عنایت بزرگ ما توانستیم بدون هیچگونه زحمتی بدهی را بدهیم و از زیر بار این قرض بیرون بیاییم.

آنقدر از عظمت و برکت حدیث کساء در زندگی ام دیده ام که همه دوستان و فامیل را با خواهش تشویق به خواندن آن می کنم.

امیدوارم که خداوند متعال به برکت پنج تن آل عبا علیهم السلام به زندگی همه ما پاکی و نورانیت ببخشد که تا آخر عمر خادمان آن پنج نور مقدس باشیم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده نهم - حسینیہ حضرت امام جواد علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب علی بن مهزیار رضی اللہ عنہ از اصحاب امام نهم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن اختلافات دیرینه خانوادگی به برکت تلاوت حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: یکی از متوسلین به خاندان نبوت صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به نام (ش.س) واقعه را این گونه بیان می کند:

الآن حدود ۶ سال است که همسرم با خواهرش دچار اختلاف شدید خانوادگی است؛ و به هیچ عنوان حاضر به آشتی و مصالحه نبودند، در طی این سالها ما اصلا رفت و آمد نداشتیم؛ و اصلا به منازل هم نمی رفتیم؛ تا اینکه امسال زمینه توفیق تشریف به حج برای ما فراهم شد.

طبق رسم خداحافظی و حلالیت طلبی از آشنایان؛ که قبل از سفر حج معمول است، برنامه آنرا با فامیل و آشنایان شروع کردیم، هرچه با همسرم صحبت کردم که برویم با آنها هم خداحافظی نموده و حلالیت بطلبیم؛ اما قبول نمی کرد، بعد از آن این مسئله را با روحانی کاروان مطرح کردم؛ و خواستم ایشان با همسرم صحبت کنند؛ اما هیچ نتیجه ای نداشت! به بزرگان و ریش سفیدان فامیل مراجعه کردم برای حل این مشکل؛ ولی آن هم نتیجه ای نداشت، و تازه مثل یک کلاف سردرگم و پیچیده؛ حرفها بیشتر شد و اوضاع بدتر می شد!

من که از این اوضاع رنج می بردم؛ ختم و نذرهای بسیاری انجام دادم؛ ولی موثر نبود، تا اینکه به یاد راه حلی افتادم.

در حدود یک سال بود که در همسایگی ما جلسات زیارت آل یاسین کامله؛ و دروس معارف الهی تشکیل شده بود؛ و بنده در این مجالس شرکت می کردم؛ در اول هر جلسه در مقدمه درسها توسلی بود و مدیر حوزه؛ یکی از وقایع مجموعه "غیاث الاولیاء فی التوسل بمحدث الکساء" را برای ما می خواندند، و از آثار و برکات تلاوت این حدیث قدسی برایمان بیان می کردند، و شرح وقایع افرادی که با توسل به این حدیث به حوائجشان دست پیدا کرده بودند.

تصمیم گرفتم که من هم شروع به خواندن این حدیث با عظمت برای رفع این مشکل خانوادگی کنم؛ پس اول برای سلامتی مولا عَلَيْهِ السَّلَام نیت کرده؛ و برای حل مشکل نذر کردم که تا ۴۰ روز این حدیث را بعد از نماز صبح تلاوت کنم.

حدود ۲۶ روز این حدیث آسمانی را خواندم؛ و این وقت همزمان با مراسم عقد پسرم بود؛ که ناگهان بدون مقدمه و اسباب ظاهری؛ به طور معجزه آسای؛ همسرم (که حتی حاضر به خداحافظی با آنها برای سفر حج نبود) یکباره موافقت کرد که خواهرش را هم برای مراسم جشن دعوت کنیم. با منزل آنها تماس گرفتم؛ و آنها را بدون مقدمه قبلی؛ برای مراسم عقد دعوت کردم، و آنها هم در کمال ناباوری؛ و بدون هیچ حرفی پذیرفته؛ و

همان شب هم به منزل ما آمده؛ و با همسرم آشتی کردند، بدون اینکه حرف و بحثی مطرح شود.

این حل و گشایش اعجازگونه را مدیون خواندن این حدیث نورانی هستیم؛ که مشکلی را که چندین سال بود دست به گریبانش بودیم؛ این گونه به سرعت و سهولت؛ و تنها به مدد حضرت مولا (منه السلام) رفع شد.

والحمد لله رب العالمین

(۳۴) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده دهم - حسینیه حضرت امام هادی علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب ابوهاشم جعفری رضی الله عنه از اصحاب امام دهم علیه السلام.

عنوان واقعه: مهیا شدن سفر زیارت پیاده و پیدا شدن وسیله امانتی گمشده در سفر با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: یکی از زائران تشریف پیاده اربعین حسینی علیه السلام به نام (ص.پ) واقعه مزبور را اینگونه بیان می کند:

در نزدیکی ایام اربعین امسال (۱۴۳۶) در اثر روشنگریهایی که انجام شد؛ و اهمیت و ارزش تشریف پیاده زیارت اربعین حسینی علیه السلام را بیشتر دانستیم؛ شور و اشتیاقی در بین دوستان برای زیارت و تشریف با پای پیاده بوجود آمد، و برخی از دوستان برای زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نام نویسی کردند؛ خودم هم از طرفی اشتیاق به رفتن و زیارت داشتم؛ و از طرفی برخی محدودیتهای و مشغولیتها ذهنم را درگیر و مشغول کرده بود. دهه اول ماه صفر رو به اتمام بود که بحث زیارت و سفر به اوج خود رسید، و با سفارش و توصیه هایی که به بهره بردن از این موسم شده بود؛ در ابتدای دهه دوم برخی دوستان دیگر هم عزم سفر کردند.

با توکل به خداوند و استمداد از حضرات مقدسه علیهم السلام و توسل به آستان ایشان بوسیله تلاوت حدیث شریف کساء؛ دعا کردم که اسباب سفر

برایم مهیا شود؛ بعد از گذشت ۲ تا ۳ روز به برکت توسل به اهل بیت
علیهم‌السلام موانع برطرف و اسباب سفر مهیا شد؛ بعد از آن اقدام به پیگیری
برای اخذ ویزا کردیم. که در شب مورد نظر از طریق رسانه اعلام شد
که هزینه ویزا و بعد اصل لزوم ویزا داشتن را کشور عراق حذف کرده
است، دغدغه این موضوع هم برطرف شد.

با پیگیری‌ها و بررسی به واسطه زائرین از دوستان و غیره که در راه
بودند موفق به برنامه ریزی برای عزیمت به مرز از آنجا و رفتن به
زیارت شدیم. مینی بوسی را درست گرفتیم و با ۱۱ نفر از دوستان آماده
رفتن شدیم. حدود ۱۲ ساعت در راه بودیم تا به اهواز و سپس به مرز
چزابه رسیدیم. دیدیم مرز عراق باز و ورود به عراق رایگان است، وقتی
از درب مرزبانی وارد بر خاک عراق شدیم با سیلی از جمعیت و ماشینهای
سواری و باری ووو مواجه شدیم، که همه تبرعی آماده رساندن زوار بطور
مجانی بودند.

در همین حین چند جوان عراقی جلو آمدند و با زبان عربی پرسیدند که
چند نفر هستیم و منزل و غذا و محل استراحت و حمام ووو همه چیز
آماده است و خواهش کردند با آنها برویم شهر العماره و فردا صبح هم
ساعت ۳ صبح خودشان ما را می برند گاراژ که از آنجا با ماشین برویم
نجف.

ماشین راه افتاد و حدود ۲ تا ۳ ساعت در راه بود تا رسیدیم به شهر
العماره. در راه که می رفتیم چندبار دیدم که ماشین برای دقایقی ایستاد و

بعد مجدد حرکت کرد. ما که در عقب تریلر بودیم نمی دیدیم؛ پس از رسیدن از علت توقف های در راه که پرسیدم گفتم: در راه چند بار جلو ماشین را گرفتند و افرادی جلوی ماشین روی زمین خوابیدند و گفتند یا باید نصف زائران ماشین را بدهید به ما تا برای پذیرایی ببریم خانه مان؛ یا از جلو ماشین بلند نمی شویم!

در نهایت ما را جوان نازنینی با نام زیبای عباس به منزل خودشان برد؛ با اسقبال ابوعباس و مادر و برادران او وارد منزل شدیم و وسایلمان را در اتاق گذاشتیم و آنها با تدارک شام و شستن لباسها و... از ما پذیرایی مفصلی انجام دادند و فردا صبح بعد از صرف صبحانه از انجا راهی نجف شدیم.

به شهر نجف رسیدیم؛ مقداری از راه را پیاده رفتیم و نزدیک شارع الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که رسیدیم دوستان گفتند نماز ظهر شده و تجدید وضو کنیم و نماز بخوانیم. نگاه که کردیم دیدیم درب تمامی خانه ها به روی زائران باز است و هرکس وارد هر خانه ای که بخواهد می شود.

این رویکرد نجفیها در عراق و نجف برخلاف روشی است که در ایران معمول است که با سوء استفاده از جمعیت زوار و زمان شلوغی و خانه را به دهها برابر کرایه می دهند! این روش و سنجیه کریمانه اخلاقی را که از نجفیها می دیدم عمل به تعالیم مکتب وحی بود که به ساکنان شهرهای زیارتی مانند اهل مکه توصیه شده است و در احادیث شریفه هم آمده است که حق ندارند در ایام حج درب خانه هاشان را ببندند، ولذا در

قدیم این رویه هم توسط اهل مکه اجرا می شده است، اینجا در نجف هم خودجوش و از روی معرفت و علوی بودن و سخاوت طبع عربی خودشان این کار را انجام داده بودند؛ ما هم درب خانه ای را که باز بود دق الباب کردیم؛ جوانی آمد و خوش آمد گفت؛ نامش سید مصطفی بود. پرسیدیم برای تجدید وضو؟ تعارف کرد و وارد منزلشان شدیم. خانمها به قسمت اندرونی و آقایان به اتاقی که اول منزل بود و از ما پذیرایی مفصلی به جا آوردند. بعد از استراحت راهی زیارت شدیم وقتی به حرم رسیدیم دیدیم که چه اقیانوس عظیمی از زائران آمده اند زیارت!

وقت نماز مغرب بود در شلوغی بیرون از حرم به زحمت توانستیم جایی را پیدا و چفیه ای را پهن کردیم و خانمها و آقایان در روی آن و کنار آنجا نماز خواندند. خودم وقتی نماز خواندم دیدم که پلاستیک وسایلی که با خود آورده بودم مفقود شده؛ هر چند کنار دوستان گذاشته بودم به امید اینکه آنها مراقب آن هستند ولی مفقود شده بود! چونکه امانتی ارزشمندی در آن بود ناراحت شدم و نذر کردم که اگر پیدا شود پنج بار حدیث شریف کساء به نیت حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام بخوانم. ناگهان دیدم که مادرم که در سفر همراهم بود صدا زد که وسایلت پیدا شده و یک جوان ایرانی آنها را اشتباهاً به جای وسایل خودش برده بود و وقتی متوجه اشتباهش شده بود آنرا بسرعت پس آورده بود. خدا را شکر گفتم بخاطر لطفش و از این کرامت حدیث شریف کساء بسیار خوشنود شدم.

بعد از اینکه به زیارت حضرت مولا علی علیه السلام نائل شدیم؛ راهی زیارت پیاده شدیم. از خیابان ها و اطراف حرم گذشتیم تا وارد خیابان اصلی که به سمت کربلا بود رسیدیم. زائرینی که داشتند پیاده می رفتند همینطور زیاد می شدند و با وجودی که شب بود اما مسیر در حال شلوغ شدن بود؛ همینطور در راه ستون ها را طی می کردیم و هر لحظه به شور و اشتیاق زائرین و بر تعداد و کثرت جمعیت آنها افزوده میشد در کنار موکبی میگذشتم دیدم که دختر نوجوانی پارچ آب در دستش هست و دارد تند و تند لیوان های آب را پر می کند که زائرین در مسیر حرکت بردارند و بنوشند به یاد لب های تشنه امام حسین علیه السلام؛ و تمام موکب داران و افراد مشغول در آن مدام زائرین را با این جملات صدا می زدند "هلا بزوار الحسین علیه السلام" و مدام این کلمات و برخی جملات دیگر مثل "هلا بزوار ابوالسجاد علیه السلام"، "هلا بالزوار الکرام" و... را تکرار و زائران را دعوت به خوردن آنچه که تقدیم می داشتند می کردند.

از خیابان ها و کوچه های شهر یکی یکی گذشتیم تا به شارع قبله رسیدیم و حرم مولا و سیدمان ابا عبدالله الحسین علیه السلام نمایان شد. این صحنه چه آرامش و حال عجیبی در دلهایمان ایجاد کرد و زمزمه زبانمان هم همین شد:

حسین علیه السلام، آرام جانم، حسین علیه السلام، روح و روانم،
 صلی الله علیک یا ابا عبد الله الحسین علیه السلام

عاقبت انتظار به سر آمد و ما به منزل مقصود خود رسیدیم و چه اقیانوس
عظیم و سیل خروشانی از زائرین در کنار حرم امام حسین علیه السلام و حضرت
ابوالفضل علیه السلام بودند که این شور و اشتیاق و عشق به مولایمان امام
حسین علیه السلام قابل وصف و تحریر نیست و نخواهد بود. در اینجا بود (به
برکت توسل به حدیث کساء) که به حاجتم (تشریف پیاده برای زیارت)
رسیدم.

خداوند همه این خادمین صادق و راستین درگاه مولا امام حسین علیه السلام را
اجر عظیم عنایت فرماید، و توفیق تشریف زیارت پیاده در موسم اربعین
حسینی علیه السلام را در هر سال به همه ما عنایت فرماید. ان شاء الله تعالی.

والحمد لله رب العالمین

(۳۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده یازدهم، حسینیه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام -
حوزه معارف الهی: جناب احمد بن اسحاق قمی رضی الله عنه از اصحاب امام
یازدهم علیه السلام

عنوان واقعه: نجات از بیماری مهلك با تلاوت حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: یکی از دانشجویان معارف الهی؛ بنام (ف.م) واقعه فوق را
این گونه بیان می کند:

بنام مولایم قطب دایره امکان، حضرت صاحب الامر (منه السلام) شروع
به گفتن این ماجرا می کنم؛ این نوشته علاوه بر گزارش یک معجزه از
حدیث شریف کساء، همچنین شمه ای از برکات شرکت در مجالس
معارف الهی و پا گذاشتن به این مسیر معرفتی است:

دی ماه سال ۱۳۹۴ پسر ۲۴ ساله ام آنفولانزای خطیر گرفت؛ شبیه همان
آنفولانزاهایی که می گفتند جان چند نفر از افراد را گرفته است؛ و این
بیماری به ریه و کلیه پسرم سرایت کرد.

در همان اوایل بیماری؛ پیگیر وامی بودیم که چندین ماه دوندگی زیادی
کرده بودیم تا فرم آن را به ما داده بودند، و یک هفته فرصت داشتیم تا
کارهای آن را انجام دهیم. حالا مانده بودم چه کنم! دست تنها همه کارها
با خودم بود؛ کارهای بیرون و دوندگی های آن از یک سو و یک بچه مریض
و ناتوان از طرف دیگر!

این بیماری خطرناک ۲۲ روز طول کشیده بود، پسر من هنوز تب شدید داشت و مرتباً تشنج می کرد، و ما او را به دکترهای زیادی بردیم، و من در طی این ۲۲ روز، ۳ بار پسر من را با بدنی بی حرکت و مثل مرده یافتم، و وقتی این موضوع را به همسر من گفتم، می گفت: تو فکر زیادی می کنی، و او ضعف می کند که اینطور می شود!

مدتی بود که با مجالس معارف الهی آشنا شده بودم، در آنجا ضمن تحصیل درسهای معرفت دینی؛ برنامه توسل (بوسیله حدیث کساء) هم داشتیم، و با آن مجالس مانوس بودم، بطوریکه در این شرایط سخت؛ پشت گرمی من بود، و لذا بخاطر این مشکلات؛ شرکت در آن مجالس را ترك نمی کردم، و کارها و مسؤولیتهایم را طوری مدیریت می کردم، که از آن توفیق باز نمانم.

روزهایی هم که به مجالس معارف الهی می رفتم؛ به نیت سلامتی حضرت صاحب الامر (منه السلام) و اینکه برای فرزندم (در نبود من) مشکلی پیش نیاید؛ یک حدیث کساء می خواندم؛ و بر بدن پسر من دمیدم، و او را به خداوند می سپردم، تا به شفاعت و عنایت حضرات اصحاب کساء علیهم السلام؛ تا من می روم و برمی گردم؛ او تشنج نکند، چون وی سابقه تشنج زیاد داشت، و با بروز این بیماری زیادتر شده بود.

طبق گزارش همسر من: تا اینکه من از خانه بیرون می رفتم؛ تب پسر من بند می آمد! و سر جایش آرام می گرفت! و وقتی من برمی گشتم؛ دوباره تب او بالا می رفت، (یعنی بعد خواندن حدیث کساء در خانه و در مدت

حضور من در مجلس حدیث کساء حالش خوب می شد، و ما متعجب از این روند بودیم! اما من می دانستم که این بهبودی در اثر حدیث کسایی است که هر روز صبح به او می خوانم و می روم به مجلس حدیث کساء. تا یکروز جمعه که باید به خانه برادرم می رفتم؛ قبل از رفتن حدیث آسمانی کساء را به پسر خواندم و از خانه بیرون رفتم؛ وقتی برگشتم دیدم رنگ و روی شوهرم پریده؛ و اصلاً حالت خوبی ندارد، و خیلی ناراحت بود؛ از او علت را پرسیدم، گفت: دقیقاً همان حالتی که می گفتم برای پسرمان اتفاق افتاد، و مثل یک مرده شده بود! و حالا حرف تو را باور کردم، و سریع آماده شو تا او را به بیمارستان ببریم.

گفتم: عجله نکن اول غذا بخوریم، و بعد برویم؛ و تا غذا را آماده کردم و سفره را پهن کردم، پسر بعد از ۲۲ روز حالت سخت داشتن و آمپول زدن و سرم وصل بودن، که در این روزها به زور ۲ قاشق غذا می خورد؛ ناگهان سر سفره آمد و گفت: من خیلی گرسنه هستم، و با اشتهای غذای مفصل خورد، و از آن ساعت به بعد؛ دیگر تب نکرد، بلکه هیچ آثاری از آن بیماری خطیر در او باقی نماند، و کاملاً خوب شد.

و این واقعه شبیه یک معجزه ای بود که با خواندن این حدیث با عظمت هر روز؛ به آن دست پیدا کردم، فلذا تا دیدم شفا یافته؛ همان وقت سر به سجده گذاشتم و خدا را شکر کردم، و به یاد رویایی افتادم که مدتی پیش دیده بودم که کسی به من گفت: اگر در مجالس معارف الهی شرکت کنی دیگر نگران هیچ چیز نباش!

این هم نمونه ای از توفیق بنده از نتایج تلاوت حدیث شریف کساء و همچنین شرکت در مجالس معارف الهی و آشنایی با مطالب معرفت حقه است، و خداوند متعال را شاکرم و از حضرات معصومین علیهم السلام سپاسگزارم که مرا با این مسیر نورانی آشنا فرمودند، و توفیق بهره مندی از مطالب ناب آن را نصیب بنده حقیر کردند.

والحمد لله رب العالمین

(۳۶) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده دوازدهم - حسینیه حضرت امام محمد مهدی علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب حسین بن روح علیه السلام از وکلای امام دوازدهم علیه السلام.

عنوان واقعه: شفا یافتن از بیماری سرطان با تلاوت و توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: یکی از دانشجویان معارف الهی؛ بنام (ج.ه) واقعه فوق را این گونه بیان می کند:

اینجانب دختر جوانی دارم که نزدیک ایام ازدواجش می باشد که دچار مشکل حادی در سینه هایش شد؛ به حدی ناراحت بود که شب و روز آرام نداشت؛ ناچاراً به پزشکی مراجعه نمودیم و پس از انجام آزمایشات متعدد؛ جواب آزمایش این بود که: مبتلا به درد مزمنی شده است و آنطور که بعداً فهمیدیم سرطان سینه بود، در ابتدای امر هم دکتر به ما نمی گفت؛ تا اینکه کم کم متوجه شدم که دخترم دچار سرطان سینه شده است، وقتی که متوجه شدم به حدی ناراحت شدم که شب و روز کار من گریه بود و نمی دانستم چه کنم!

تا اینکه چند جلسه در مجالس معارف الهی و جلسه حدیث شریف کساء شرکت نمودم؛ مدیر جلسه در اول هر جلسه و پیش از شروع حدیث شریف کساء از برکات آن حدیث مطالبی بیان می کرد و تذکرمی

داد که اگر مشکلی در زندگی دارید به حضرات اهل بیت علیهم السلام با تلاوت این حدیث شریف متوسل شوید.

لذا اینجانب نزد خود تصمیم گرفتم که در جلسات حدیث شریف کساء بصورت مرتب شرکت نمایم، و برای این مشکل متوسل بشوم تا حاجتم برآورده شود.

به لطف الهی، همان شبی که این تصمیم را گرفتم، فردا صبح دخترم گفت درد سینه ام کم شده! و هر جلسه که شرکت می کردم و متوسل می شدم؛ حال دخترم بهتر می شد!! طوی نکشید که از آن درد دیگر خبری نبود!!!

همه خانواده خوشحال شدیم، و برای اطمینان خاطر به پزشک معالج مراجعه نمودیم؛ پس از انجام آزمایش، دکتر با حالت عجیبی گفت: چه کردید؟! کجا رفتید؟! گفتم: مگر چه شده؟! گفت: اثری از بیماری پیدا نیست!!!! گفتم: به دکتر دکترها مراجعه کردیم. پزشک معالج با تعجب سؤال کرد: کدام دکتر؟! گفتم: به مجلس توسل حدیث شریف کساء رفتم، و به پنج تن آل عبا علیهم السلام متوسل شدم. دکتر گفت: الحمدلله که با توسل به آن حدیث نورانی؛ درد لاعلاج دختر شما علاج شد.

این نتیجه را در اثر نظر لطف و عنایات خاصه حضرات معصومین علیهم السلام می دانم، که همه ما را از آن شرایط بحرانی نجات دادند، و همواره شاکر این نعمت الهی هستیم.

والحمدلله رب العالمین

(۳۹) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید حبیب ابن مظاهر رضی اللہ عنہ (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: حل مشکل اشتغال به نحو مطلوب برای جوان جوئیای کار بعد از توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم (ز. و) که حدود ۱ سال و نیم است که در منزلشان جلسه معارف و حدیث کساء تشکیل داده اند. در مورد حل شدن مشکل کارپسرشان واقعه را اینگونه نقل می کنند:

فرزندم پس از این که خدمت سربازی اش به پایان رسید حدود یک سال به دنبال شغل بود و همه اداره های دولتی از جمله نیروگاه ... و هم چنین سایر مراکزی که به ذهنمان می رسید را مراجعه می کرد؛ ولی متأسفانه به هر کدام مراجعه می کرد؛ با جواب منفی روبرو می شد، حتی به شرکت های خصوصی؛ و همچنین برخی از مراکز که آشنا داشتیم؛ برای شغل مراجعه می کرد؛ ولی باز هم جواب منفی می شنید، و از همه جا مأیوس شده بود، و من هنگامی که ناراحتی فرزندم را می دیدم؛ خود نیز از این واقعه بیشتر از او ناراحت می شدم، به حدی که سیستم اعصاب و غدد من دچار مشکل شد.

دچار سردرگمی شده بودم، و نمی دانستم چه کار باید انجام دهم؟ (البته ختومات دیگری هم انجام داده بودم اما جوابی نگرفته بودم)، تا این که یکی از دوستان به من گفت که: پنج جمعه به صورت مرتب حدیث شریف کساء را نذر کن تا این شاء الله به حاجتت برسی.

من نذر کردم که پنج جمعه به صورت مرتب حدیث شریف کساء را تلاوت کنم؛ و شروع به انجام آن نیز نمودم؛ و از این طریق متوسل به اهل بیت علیهم السلام شدم.

از شروع اولین تلاوت حدیث کساء؛ تماس های مختلفی از طرف شرکت ها برای مصاحبه شغلی شروع شد، که پس از آن در طی مدت کوتاهی به برکت حدیث شریف کساء فرزندم در یکی از ادارات دولتی استخدام شد، بطوری که مصادف با چهارمین بار حدیث کساء؛ فرزندم به سر کار رفته بود، و ما نذر چهارم و پنجم را هنگامی خواندیم که فرزندم در شغل مناسبی استخدام شده بود، و ما آن را در منزل به صورت جلسه دسته جمعی آنرا خواندیم.

انوار و برکات این مجلس چنان بود که: از آن به بعد نذر کردم که در منزل روزهای دوشنبه مجلس حدیث کساء را به همراه تهیه اطعام برای مؤمنین تدارک ببینم.

و بحمد الله الآن حدود يك سال و نیم است که خداوند توفیق تشکیل این جلسه نورانی را به من و خانواده ام داده است.

والحمد لله رب العالمين

(۴۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال خانم (م.ح)، که با نذر برقراری چهل جلسه هفتگی حدیث کساء در منزل خود به حاجت مهمش نائل می شود.

شرح واقعه: خانم (م) استاد تعلیم قرآن از صاحب واقعه نقل می کنند: مدتها بود می خواستم فرزند دار شوم ولی فرزند نصیبمان نمی شد و این باعث اضطراب و نگرانی شده بود.

در یکی از روزهای سال ۱۴۳۱ هجری قمری؛ خانمی درب منزل مان را زد و گفت از این به بعد در خانه یکی از همسایگان هفته ای یک روز مجلس حدیث کساء و کلاس قرآن است، شما هم بیایید.

من با اشتیاق به مجلس رفتم، و دیدم که مجلس با تلاوت حدیث کساء و بازگویی برخی معجزات و برکات آن شروع شد، برکات حدیث را شنیدم؛ و به تلاوت آن نیز گوش کردم.

من که دوست داشتم خداوند فرزند نصیبمان کند تا مایه دلگرمی من و همسرمان باشد، در همان مجلس نذر کردم که ۴۰ هفته مجلس حدیث کساء را در منزل خودمان برقرار کنم، و به برگزارکننده آن جلسه تصمیمم را گفتم، و خلاصه با درخواست و خواهش من، ایشان قبول کرد

مجلس هفتگی حدیث نورانی کساء و درس تعلیم قرآن را به خانه ما منتقل کند.

بیش از پنج هفته نگذشته بود که به برکت و شفاعت انوار پنج تن مقدس آل عبا علیهم السلام باردار شدم، و این را به برکت برقراری این مجلس نورانی و تلاوت و استماع و توسل به حدیث شریف کساء در منزلان می دانم، علاوه بر این موهبت، پس از آن برکات بیشتری را در زندگی احساس می کنم.

در این مجالس هفتگی؛ نکته ای از معارف الهی نهفته در مضامین این حدیث نورانی؛ و نیز حکایتی از کتاب "حدیث کساء و آثار شگفت" نقل می شد، آن وقت کتاب هم چاپش تمام شده؛ و نسخه هایش کمیاب بود؛ و فقط برگزارکننده يك جلد از آنرا داشت، و شرکت کنندگان برای مطالعه آن کتاب را از وی می خواستند، بعد از آن جلسات حدیث کساء و معارف الهی در منزلان ادامه دادم، و پذیرایی نیز انجام می دادیم، شخصی که حدیث کساء را می خواند، برای ادامه مجلس در منزل ما می گفت که: به زحمت می افتید، به او گفتم: خیر، چون نذر دادم، و خودم خواسته ام؛ و با شوق و احترام حاضران را پذیرایی می کنم، آن چهل هفته نذر تمام شد، اما بخاطر نتایج و برکات آن؛ همچنان مجلس حدیث کساء و درس تعلیم قرآن در منزلان را ادامه داده ام و به برکت راهیابی به مجلس حدیث کساء؛ به تحصیل سایر درسها و رشته های معارف الهی نیز موفق شدم، و اکنون فرزندم سه ماهه بوده، و در سلامتی کامل است.

خواهرم نیز در این مجالس با حدیث کساء آشنا شد، و اکنون خواهرم
همین نذر را برای نیل به حوائج خویش نموده که ۴۰ هفته مجلس حدیث
کساء در خانه ایشان برگزار شود، و عمل به نذرش را الان در سال ۱۴۳۲
شروع کرده است.

والحمد لله رب العالمین

(۵۱) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب شهید رشید هجری علیه السلام

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی با توسل به حدیث شریف کساء

شرح واقعه: خانم (م. م) که معاون آموزشی و پرورشی یکی از هنرستانهای کشور می باشد حدود یک سال است که در محیط مدرسه برای دانش آموزان جلسه حدیث کساء برپا نموده است ایشان واقعه شفای یکی از همکارانشان را اینگونه نقل می کنند:

چند وقت پیش مطلع شدم که یکی از همکارانمان که مشاور هنرستان است دچار سرطان و وجود غده از ناحیه پرده گوش و پشت سر شده است به حدی که ایشان از تکلم و حتی بیرون آمدن از منزل محروم گردیده بود و با هیچ کس تا شش ماه نه می توانست صحبت کند و نه دیداری داشته باشد.

بعد از آن با توجه به اینکه هر سه شنبه مجلس حدیث کساء را با دانش آموزان و همکاران برگزار می کردیم در همان هفته تصمیم گرفتیم که این حدیث کساء را به نیت شفای عاجل این بیمار برگزار کنیم. در همان هفته مجلس برقرار گردید و پس از پایان مراسم از همه حاضرین خواسته شد که برای شفای ایشان دعا نمایند.

بعد از اینکه جلسه تمام شد چند روز بعد ایشان خودشان تماس گرفتند و اذعان داشتند که به صورت ناگهانی و معجزه آسا تغییرات اساسی در تکلم و حرکات ایشان ایجاد شده است که به حمد الهی هشتاد درصد بهبودی حاصل شده است و حتی پس از مدتی ایشان به حالت اولیه خود برگشتند و سلامتی کامل خود را بدست آوردند. و این از برکات توسل به اهل بیت عصمت و طهارت و حضرات معصومین علیهم السلام می باشد.

والحمد لله رب العالمین

(۵۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم (ف. ک) از شاگردان آن حوزه که با توسل به حضرت زهرا علیها السلام و درخواست دستگیری به مجلس حدیث کساء و کلاسهای معارف راه یافت.

شرح واقعه: بنده در ابتدا زمینه ای برای شرکت در مجالس و کلاسهای قرآن نداشتم، بی اعتقاد نبودم؛ ولی در این برنامه ها نیز شرکت نداشتم، تا اینکه در ایام فاطمیه سال ۱۴۳۱ هجری؛ یکشب برنامه عزاداری را تماشا می کردم و توجهم را جلب کرد؛ و همانجا متوسل شدم و از صمیم قلب از حضرت زهراء علیها السلام خواستم تا دستم را بگیرد و هدایت کند.

فردای آن یکی از همسایگان آمد؛ و از من خواست که به همراهش به مجلس تلاوت قرآنی که در محل برقرار شده بود بروم، وقتی به آن جلسه آمدم دیدم که ابتدای امر مشغول به خواندن حدیث کساء شدند، و معلم قرآن حکایت و کرامتی از نتایج و آثار شگفت حدیث کساء را نقل نموده و توضیح داد، همچنین درباره برکات توسل به اصحاب کساء و برآورده شدن حاجات در اثر توسل به وسیله ایشان سخنی گفت.

فضاي اين مجلس و برنامه ها و اين سخنان طوري در من تأثير داشت كه با شنيدن آن مطالب و نكات معارف الهي؛ و راه پيدا كردن (بدون تصميم و برنامه قبلي) به جلسه حديث كساء؛ همانجا فهميدم كه خواسته قلبي من برآورده شده و حضرت زهرا عليها السلام مرا نيز حاجت روا داشته و هدايتم نموده اند.

از آن به بعد ملتزم شدم به رفتن به مجلس حديث كساء و تلاوت قرآن. و از اينكه حضرت گوشه نظري به من داشتند خدا را هزار بار شكري كنم. با راهيابي به اين مجلس و جلسات درس قرآن و معارف الهي عقايدم روشن و محكم شد، و از آن به بعد هر جا در جلسات خانوادگي و يا نزد دوستانم مي روم، مطالب معارف الهي را كه ياد گرفته ام بازگو نموده و به ديگران ياد مي دهيم، و درباره بركات حديث كساء تبليغ مي كنم.

از آن به بعد تغييرات مثبت زيادي در زندگي و رابطه ميان بنده و شوهرم حاصل شد؛ بطوريكه با ديدن اين تغييرات؛ او هم علاقمند به مجلس حديث كساء شده؛ و هر روزي كه اين مجلس برقرار است؛ خودش يادآوري مي كند كه من شركت كنم، و الآن يك سال است كه به هدايت و دستگيري حضرت زهرا عليها السلام مجلس حديث كساء را هر هفته شركت مي كنم.

والحمد لله رب العالمين

(۶۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم و حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام ، حوزه معارف الهی: جناب بریر بن خضیر رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام .

عنوان واقعه: پیدا شدن مورد گمشده ای با توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم (م.ح) واقعه پیدا شدن کیف همسرشان (که حاوی مدارک مهم بود) اینگونه نقل می کنند:

یکی از روزهای تابستان بود، ماشین ما به علت نقص فنی در تعمیرگاه بود من و همسر و بچه ها برای دیدن پدر و مادرم می خواستیم به شهرستان برویم، چون ماشین خراب بود ما مجبور شدیم با ماشین کرایه سفر کنیم، به خاطر همین به ترمینال رفتیم و سوار مینی بوس شدیم، یک ساعتی توی راه بودیم تا به شهرستان مورد نظر رسیدیم، و بعد از یک مقدار پیاده روی به خانه پدر و مادرم رسیدیم، چند ساعتی گذشته بود، ناگهان همسرم متوجه شد که کیف دستی اش را که شامل چند فقره چک، کارت شناسایی و تعدادی مدارک خیلی مهم بود در ترمینال گم کرده است، او با عجله خود را به ترمینال رسانید،

و من هم که خیلی ناراحت بودم همان لحظه به سوی مفاتیحی که کنارم بود دست دراز کردم و با خودم نیت کردم که هر دعایی آمد آنرا بخوانم، و

به اهل بیت علیهم السلام متوسل شدم و مفاتیح را باز کردم، دیدم حدیث شریف
کساء آمد، با گریه شروع به خواندن کردم،
در حین خواندن همسرم آمد و گفت دیگر کجا پیدا می شود این همه
مدارک در این ترمینال به این شلوغی؟!
و من همین طور به خواندن دعا ادامه دادم تا اینکه به آخر دعا رسیدم
یکدفعه تلفن زنگ زد؛ و یک مرد پشت تلفن گفت: من مدارک شما را
پیدا کردم و می خواهم به شما تحویل بدهم!
آری من با توسل به حدیث کساء حاجت خود را گرفتم، حالا هر وقت
به مشکلی بر می خورم با توسل به حضرات معصومین علیهم السلام از طریق
حدیث شریف کساء به حاجت خود نائل می شوم.

والحمد لله رب العالمین

(۶۷) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب صفوان بن یحیی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم (زهرة ك) که با توسل در مجلس حدیث کساء در همان مجلس به شفای بیماریش نائل شد.

شرح واقعه: در سال ۱۴۳۱ قمری مطلع شدم که در منزل یکی از همسایگان مجلس حدیث کساء برگزار می شود و در آن شرکت کردم.

مجری آن مجلس بعد از درسی از معارف الهی؛ برای توسل ابتدا توضیح دادند که این حدیث چه کراماتی دارد، و گزارشی از برخی تجربیات در این زمینه را بیان کردند.

بنده مدتی طولانی بود که سرما خوردگی کهنه ای داشتم؛ با سرفه و درد شدید سینه و خوب نمی شد و آزار می داد، با شنیدن برکات و آثار حدیث کساء در همان مجلس متوسل شدم و از حضرات علیهم السلام خواستم که به برکت این حدیث کساء این بیماریم خوب شود.

حدیث کساء خوانده شد؛ پس از تلاوت حدیث کساء و توسل به آن؛ بنده در همان مجلس احساس کردم که حالم بهتر شده و آخر آن مجلس دیدم که کاملاً درد سینه ام از بین رفت، و بیماریم کاملاً برطرف شده و شفا گرفتم، از مجلس که به خانه می رفتم سالم بودم.

وقتي اين كرامت مجلس حديث كساء را در اولين جلسه آن ديدم و مطالب معارف الهي را در آنجا شنيدم؛ خيلي مشتاق اين مجلس و برنامه هاي كلاس معارف شدم، و دعوت كردم كه اين جلسه و ساير جلسات ديني در مناسبتهاي مختلف در منزل بنده برگزار شود، و توفيق شد كه از آن به بعد در اطعام و برقراري آنها شركت كنم.

والحمد لله رب العالمين.

(۷۵) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب شهید سعید بن عبدالله حنفی از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: پیدا شدن فرد گمشده در سفر کربلای معلی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (م.س) در سفری که به عتبات عالیات مشرف شده بودند واقعه گم شدن خود را این گونه نقل می کنند:

در سال ۱۴۳۰ توفیقی نصیب بنده حقیر و خانواده ام گردید که با چند نفر از دوستان به زیارت عتبات عالیات مشرف شدیم. چند روزی در آنجا اقامت داشتیم تا اینکه شب آخر هنگامی که می خواستیم به محل سوار شدن ماشین ها بازگردیم به دلیل اینکه همسرم در سفر بیمار شده بودند؛ ما از دوستان کمی دیرتر راه افتادیم و فرزندانم هم با آنها قبلا به طرف محل مورد نظر رفته بودند. چون همسرم توان راه رفتن نداشتند وسیله ای برای ایشان گرفتیم و با یکدیگر به طرف مکان مورد نظر رفتیم. در میانه راه من کمی جلوتر رفتم که ببینم آیا دوستان را می بینم ولی بعد از چند دقیقه به پشت سرم که نگاه کردم همسرم را ندیدم و هر چه اطراف را مشاهده کردم آن منطقه برایم نا آشنا بود، من از مسیر و محل مان بسیار دور شده بودم، به ناگهان ترس و وحشتی سراسر وجودم را فراگرفت. تاریکی آن شب و غربت من در آنجا بر ترسم می افزود.

نمی دانستم که چه کار باید انجام دهم و فقط نام زیبای مولایم صاحب الزمان (منه السلام) را بر زبان می آوردم و از ایشان طلب کمک می کردم. بعد از چند دقیقه به خودم آمدم و دیدم مقابل مقام قطب دایره امکان، فریاد رس فریادخواهان مولا صاحب الامر (منه السلام و الیه التسلیم) (مقام مهدی علیه السلام در کربلا) هستم.

در همان لحظه به یاد جلسات حدیث شریف کساء که در حسینیه شهرمان برگزار می شد افتادم، و اینکه چقدر از عظمت و شرافت این حدیث برایمان صحبت شده بود. در آن موقع با خود عهد کردم که اگر به سلامت راه و همراهان را پیدا کردم؛ هنگامی که به کشورم بازگشتم هزینه برگزاری و اطعام مومنین این مجلس را تقبل نمایم.

بلافاصله بعد از گفتن این عهد معنوی، یک شخص عراقی پیدا شد و بی مقدمه به من پیشنهاد داد که می توانم با ایران تماس بگیرم، و شماره دوستانمان را از آنها بگیرم، و بعد گوشی تلفنش را به من داد، و با تماسی که گرفتم همسر و دیگر دوستانمان را پیدا کنم، و عنایت و نظر لطف پنج نور مقدس آل عبا من را از آن شرایط سخت نجات داد.

بعد از بازگشت به کشورم نیز به عهد خود وفا کردم و خداوند متعال را به خاطر نعمت بزرگ هدایت به سوی معارف ناب اهل بیت علیهم السلام شکر نمودم، و از محضرائه معصومین علیهم السلام تشکر نمودم.

والحمد لله رب العالمین

(۷۹) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب محمد بن موسی علیه السلام (از اولاد امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال آقای (ص. پ) که با توسل به حدیث شریف کساء مشکل مسکن ایشان برطرف شد.

شرح واقعه: در سال ۱۴۳۰ با هدایت و برکت برنامه های مجالس معارف الهی با کتاب شریف "آثار شگفت حدیث کساء" آشنا شدم، و با مطالعه آن کتاب؛ آثار و برکات این حدیث شریف را در حل مشکلات بسیاری از مردم مطالعه کردم. در مجالس مختلف نیز معارف مربوط به مقام حضرت زهرا علیها السلام و آثار و برکاتی که بواسطه ایشان در این حدیث می باشد را از طریق مجالس حسینیه محل آشنا و مطلع شدیم. این گذشت تا مدتی بعد که مدت اجاره خانه مان داشت به اتمام می رسید، و یکباره صاحب خانه به ما اعلام کرد که: خانه خویش را فروخته و ما به فکر خانه باشیم؛ که در موعد مقرر باید خانه را تخلیه کنید. با این اعلام صاحب خانه؛ با اینکه چند ماه تا زمان تخلیه منزل فرصت داشتیم ولی فوراً شروع به جستجو برای خانه رهن و اجاره کردیم، اما با توجه به اینکه پول ما برای رهن و اجاره کم بود؛ هر کجا که مراجعه می کردیم می گفتند با این پول خانه ای برای شما نداریم، و می گفتند: با این مقدار

پول خانه گیرتان نمی آید، محله های مختلف را رفتیم ولی فایده نداشت. از حدود يك ماه پیش از نزدیک شدن موعد تخلیه منزل؛ اضطراب و استرس من و خانواده ام بیشتر شد، در مجالس حسینیّه و زیارتها که می رفتیم برای گشایش و حل مشکل مسکمان دعا می کردیم، و جستجوی کردیم ولی نتیجه نمی گرفتیم، تا اینکه در دو هفته قبل از موعد تخلیه در زیارت حضرت علی بن حمزه علیه السلام (از نوادگان حضرت امام کاظم علیه السلام و از اولیاء الهی صاحب کرامت که مزار منورشان در شیراز می باشد) به ساحت مقدس ایشان متوسل شدم و در آنجا برای حل مشکلمان حدیث شریف کساء را خواندم، و در هفته بعد از آن در ساعتی که از روی تقویم اختیارات نجومی نگاه کردیم و برای استجابت دعا سعد خاص بود به زیارت حضرت عبدالله علیه السلام (از امام زادگان شیراز) رفته برای حل این مشکل به ایشان متوسل شدیم، و فردایش نیز در تقویم اختیارات نجومی برای استجابت دعا از اوقات سعد نسبی بود؛ بعد از خواندن نماز عصر با حال اضطراب و انقطاع از همه جا متوسل به حدیث شریف کساء شدیم، و آنرا به همراه نوای دلنشین مرحوم آیت الله شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی علیه السلام که حدیث کساء را قرائت فرموده بودند؛ شروع به خواندن و زمزمه کردیم و از حضرت مولا صاحب الزمان (منه السلام) خواستیم که فرج و گشایشی در مشکل مسکن ما بنمایند، و خانه ای در محله مورد نظرمان نصیب فرماید، که با مقدار پول ما هم متناسب باشد. چند دقیقه پس از فراغت از خواندن این حدیث شریف با بنگاه

معاملات مسکن در همان محله و خیابان مورد نظرمان تماس گرفتم و مسئول آن گفت که: همین امروز یکی از دوستان او که از شهر ما به شهری دیگر نقل مکان کرده؛ و خانه خود را برای اجاره نزد او گذاشته تماس گرفته و گفته است که مقداری پول لازم دارد پس خانه او را با قیمتی کمتر برایش اجاره بدهند، پس من هم بلافاصله نزد او رفتم و پس از صحبت با مالک خانه؛ وی آن خانه را در همان محل مورد نظر با همان مقدار پولی که داشتم اجاره داد، و با توسل به حدیث شریف کساء و پناهنده شدن به ساحت مقدس حضرت ولی عصر مولانا صاحب الزمان (منه السلام) مشکل مسکنمان در چند روز آخر مهلت تخلیه به نحو خوبی برطرف شد. با شکر و سپاس به درگاه الهی توفیق و سلامتی برای مؤسس این مجالس دروس معارف الهی که ما را به بهرمندی از آثار و برکات این حدیث شریف رهنمون شدند را از خداوند متعال خواستاریم.

والحمد لله رب العالمین.

(۸۷) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید هانی ابن عروه رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.
عنوان واقعه: دریافت و فهم معارف ناب اهل بیت علیهم السلام با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: یکی از دانشجویان دروس معارف الهی خانم (م.ع)، توسل خود به حدیث شریف کساء را اینگونه نقل می کند:

علی رغم تلاش و علاقه ای که نسبت به تحصیل و کسب علوم و معارف الهی داشتم و به مکانهای زیادی مراجعه کرده بودم و یا حتی در آنها مدت زمانی حضور پیدا کرده بودم، ولی می دیدم آن برنامه ها جوابگویی نیازهایم نبود؛ آنچه از فضای حاکم کلاس های رایج دینی دیده و شنیده بودم؛ و رغبتی به ادامه آنها پیدا نکرده؛ و چون قلبا به آنها مطمئن نمی شدم فلذا ادامه نمی یافت، از طرفی علاقه ام به اصل موضوع فراگیری معارف الهی برقرار بود؛ اما از اینکه به مرکزی که جوابگویی نیازهایم باشد؛ و دلم را به آموخته هایش مطمئن سازد نمی یافتم ناراحت بودم.

تا اینکه بالاخره یک روز دوستی با من تماس گرفت و خبر از وجود مجالسی داد که برنامه آنها: آموزش صحیح خوانی اذان و نماز و تلاوت قرآن و سایر معارف الهی است، و محور مجلس توسل با زیارت آل یاسین

کامله می باشد، خیلی خوشحال و امیدوار شدم و با خودم گفتم این شاء الله که این بار خداوند دعا و نمازهایم را مورد اجابت قرار داد.

در آن مجالس درسی به موقع و مرتب با شور و اشتیاق حاضر شدم با دقت تمام گوش می دادم حتی نکته برداری می کردم، اما بعد از گذشت یک ماه احساس کردم فقط می شنوم و می خوانم اما نمی توانم با حقیقت درسها ارتباط برقرار کنم، نتیجه آن چیزی که دلم می خواست و دوست داشتم (با حس و دریافت معنوی و معرفتی باشد) نبود.

در آن جلسات از منزلت و شرافت حدیث شریف کساء بسیار صحبت می شد، و من قبلا (بر اساس ذهنیت اشتباه خود) فکر می کردم که: خواندن این حدیث فقط برای امور ظاهری و شفای بیماران و حوائج دنیوی است، اما هیچ گاه نمی دانستم که برای امور معنوی و معرفتی هم می شود به تلاوت این حدیث شریف متوسل شد.

با آگاهی از این نکته؛ برای رسیدن به ارتباط قلبی با این آموزشها متوسل شدم، یک روز ظهر پس از خواندن نماز ظهر برای این حاجتم نیت کردم؛ و به پنج نور مقدس آل عباء و مولا صاحب الأمر (منه السلام) متوسل شدم.

از روزی که متوسل شده بودم احساس خاصی در دلم به وجود آمد، چهار روز مانده بود تا موعد درس بعدی شروع شود. قبل از شرکت در درس از روی تقریرهایم مطالعه ای کردم؛ تا با آمادگی بهتری در درس حاضر شوم. روز آن مجلس فرا رسید، و وقتی خواستم بروم دوباره خیلی دعا کردم که

خدایا معرفت و درک و یادگیری مطالب این دروس و علمی که همیشه آروزیش را داشتیم به من عطا کن و به مجلس درس رستم.

آنجا سعی می‌کردم با دقت به مطالب گوش کنم و یاد بگیرم. وقتی پایان درس شد و برگشتم، کتاب و وسایلم را داشتم می‌گذاشتم یکباره احساس ارتباط عمیق و عجیبی به من دست داد، انس و آشنایی و ارتباط عمیقی با کل کتابها و مطالبی که تا آن روز فراگرفته بودم در من به وجود آمده بود.

خلاصه يك دفعه به خودم آمدم و متوجه شدم آثار حدیث شریف كساء (با نیتی که کردم و خواندم) حاصل شده است که این حس در من ایجاد شده است. پس از آن کم کم احساس کردم که دریچه ای از نور و معرفت به رویم گشوده شد و دریافت و فهم بهتری نسبت به کلام وحی و کلام خازنان وحی علیه السلام برایم بوجود آمد، و به کل حالم با قبل فرق کرد، بطوریکه دیدم تمام سلولهای بدنم در حال حمد و ستایش و ارادت و بندگی نسبت به حضرات مقدسه معصومین علیه السلام است، شاید نتوانم به طور کامل احساسم را بر زبان بیاورم؛ ولی این تغییر بزرگ برای بنده بسیار محسوس و مشهود بود.

نکته مهم این بود که این اثر بدون اینکه کسی نسبت به آن تلاش یا دخالتی بکند حاصل شده بود، اصلاً کسی از حال و اندرون من مطلع نبود، بلکه رفتار من رفتار يك شخص فعال و جدی بود.

از موفق شدن این توسل خیلی خوشحال شدم و خدا را با شادی تمام

شکر کردم، و شاید قابل باور نباشد که من چه احساس عجیبی داشتم، با تمام وجود دلم می خواست احساسم را فریاد کنم.

خیلی خیلی خوشحالم و احساس می کنم از همه نظر به لطف خدای منان و عنایت ائمه معصومین علیهم السلام و برکت این درسها از لحاظ معرفتی بسیار پیشرفت داشته ام. و الآن (خدا را شکر) همیشه سعی می کنم به موقع سر درسهای معارف الهی حاضر شوم و آنرا بر کارهای دیگرم ترجیح می دهم. با اینکه قبلاً هم همیشه در مسیر توسل و نذر و نیاز و عرض حاجت به ائمه معصومین علیهم السلام و دعا و نیایش بودم، اما امروزه توسلتم خیلی فرق می کند شاید نتوانم احساسم را به جمله در آورم و انتقال دهم اما اشخاصی که به این ارتباط با حقایق معارف الهی رسیده اند و تجربه این گونه معجزات را دارند کاملاً می توانند احساس مرا درک کنند. برکات حاصله از این توسل؛ زمینه ای شد که بتوانم درک و یادگیری بیشتر و بهتری از دروس معارف الهی داشته باشم، و ارتباطم با حقیقت این معرفت برقرار شده، و بسیار نسبت به گذشته فرق کرده ام، الحمد لله رب العالمین.

در پایان آرزوی فرج مولا و اربابمان حضرت صاحب الامر (منه السلام) و سپاس و حمد ایزد منان را دارم و امیدوارم همه کسانی که طالب و خواستار علوم و معارف الهی هستند؛ این گونه توفیقات و برکات شامل حالشان بشود، و این عنایتی هم که شامل حال بنده شد؛ ماندگار، استوار، و روز افزون باشد. و الحمد لله رب العالمین

(۹۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب حماد بن عیسی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شرح حال خانم سیده (ط.ج) از شاگردان آن حوزه که با ختم ۴۰ روز حدیث کساء به شفای بیماری دردناک ۳ ساله خود و بازگشت به سلامتی نائل شد.

شرح واقعه: به خاطر شرایط زندگی در چند سال اخیر سخت دچار بیماری شدیدی شده بودم، استمرار بیماری؛ در طولانی مدت بر جسم طوری اثر کرده بود و دردها افزوده شده بود خصوصاً درد شدیدی از زیر گلو تا سینه مرا فرا می گرفت و از خود بی خود می شدم. با وجود رعایت پرهیزهای لازم و رعایت رژیم غذایی سالم متناسب با شرایطم؛ ولی تنظیم خونم نیز به هم خورده بود، مبتلا به قند خون شده بودم؛ بدون سابقه این بیماری در خانواده، مشکلات جسمی داشت مرتب افزون می شد، و این درد شدید را در گلو تا سینه ۳ سال داشتم، و وقتی درد شروع می شد چنان درد شدیدی بود که از حال می رفتم و قادر به انجام کار و حرکت نبودم، و بیش از یک سال بود که قند خون هم به آن اضافه شده بود، و داشتم شکسته می شدم و استرسها را نمی دانستم چه کنم.

در بررسیهای طبی هم نه به تشخیصی دقیق و روشنی رسیدند و نه درمانی

موفق ارائه کردند، فقط برای اینکه بی جواب نگذارند؛ پزشک گفته بود: همه اینها به خاطر استرس است، اما معالجاتشان در این زمینه عملاً ناموفق بود!

با آشنایی با فضائل و برکات حدیث کساء در مجالس حدیث کساء حسینیه محل ما؛ و مطالعه آثار شگفت حدیث کساء؛ سال گذشته (۱۴۳۱ قمری) تصمیم به یک ختم ۴۰ روزه حدیث شریف کساء گرفتم و به خواندن حدیث شریف کساء مشغول شدم.

و تا ۴۰ روز اکثراً در بین الطلوعین آن را تلاوت کردم، و مواظبت داشتم که در این ۴۰ روز سحرخیز باشم؛ و نماز شب و بیداری در بین الطلوعینم ترک نشود؛ و آداب را رعایت کنم.

آنقدر این برنامه (تهجد و بیداری بین الطلوعین و حدیث کساء) تأثیرش فوری و قطعی بود که بلافاصله (در حین انجام این ختم و قبل از پایان آن) دردی که ۳ سال ممتد داشتم از بین رفت؛ و سلامتیم بازگشت، و چنان به آرامشی رسیدم که قابل توصیف نیست، و نشاطم بازگشته است.

از حضرات خمسه طیبه علیهم السلام ممنون و متشکرم که چنین تفضلی فرمودند. الآن مدتها از آن ختم می گذرد ولی آن بیماری دردناک که ۳ سال آزار می داد برطرف شده است و به درگاه مولا صاحب الامر (منه السلام) را که مرا به این مجالس و معارف نورانی و برکات رهنمون فرمودند شکر می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۹۹) غیث الاولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

معارف الهی: جناب شهید بشر حضرتی رحمته الله علیه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: گشایش در امر ازدواج و فراهم شدن مورد مطلوب و مناسب با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ن. پ) واقعه ازدواج دخترشان را با توسل به حدیث شریف کساء اینگونه نقل می کنند:

چند ماهی بود که در کلاس های معارف الهی در مورد معجزات حدیث کساء و حاجاتی که اشخاص مختلف از این حدیث شریف گرفته اند، صحبت می شد.

بسیار عجیب بود! با توجه به اینکه حاجت های به ظاهر خیلی دشوار و حل ناشدنی، که توسط حدیث کساء حل شده بود را می شنیدم، ولی درباره حاجت ما آنقدر موانعی اتفاق افتاده بود و مشکلاتی را می دیدیم (از جمله عدم سنخیت روحی و خانوادگی خواستگار) که فکرمی کردم در این مورد حاجت من رواشدنش محال است.

شنبه سیزدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود، که حوزه جدیدی از معارف الهی می خواست کار خود را شروع نماید که اتفاقاً دخترم یکی از دانشجویان آن حوزه بود.

زمانی که به خانه رسیدم به دخترم گفتم: محوریت مجلس درس شما با

توسل به حدیث شریف کساء است. روزی که در مجلس، حدیث شریف کساء را قرائت می کنند، نیت کن ابتدا برای فرج حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) و بعد از آن خوشبختی و سلامتی همه دخترها و پسرها. من هم در دلم نیت ازدواج و سلامتی برایش کردم.

نیمه ماه مبارک رمضان، سالروز تولد امام حسن مجتبی علیه السلام بود که شروع به خواندن حدیث شریف کساء کردند. ایشان هم نذر چهل روزه کرد، تنها با نیت فرج و سلامتی حضرت مولا صاحب الزمان (منه السلام) و شروع به خواندن این حدیث شریف نمود.

حدود لیالی قدر بود که شخصی توسط یکی از بستگان خودمان سؤال کرده بود؛ دختری می خواهیم که متدین و مذهبی باشد و ایشان هم شماره تلفن ما را داده بودند.

از خداوند خواسته بودیم فقط آن کسی را که مورد تأیید خداوند متعال و مولا (منه السلام) است را سر راهمان قرار دهد و در این صورت دهانمان را برای نه گفتن ببندد.

بعد از ماه مبارک، خواهر داماد تماس گرفتند و گفتند: برای امر خیر مزاحم شدم، و شرایط برادرشان را گفتند؛ و شرایط ما را هم سؤال کردند؛ و گفتند: اگر خدا بخواهد و دختر شما قسمت ما بشود، دختر شما در واقع عروس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می شود چون پدر ما می رسید هستند (پدر و مادر سید) و مادرمان هم سید موسوی هستند.

قرار گذاشتند و برای خواستگاری آمدند و فردای آن روز تماس گرفتند

و گفتند: زمانی که از منزل شما رفتیم هرچه در مورد شما فکر کردیم، دیدیم خصوصیات اخلاقیمان بسیار شبیه هم است اگر اجازه بدهید، ما بار دیگر به منزل شما بیاییم که این دو نفر با هم صحبت کنند.

جلسه دومی که به منزل مان آمدند مادرشان گفتند: چرا برای تحقیق نیامدید؟ نکند مورد قبول شما قرار نگرفته ایم که تحقیق نرفته اید؟؟!!

اما نمی دانستند که خداوند دل ما را در مورد ایشان محکم کرده است.

دختر و پسر با هم صحبت کردند و بعد گفتند: اگر اجازه دهید دو جلسه دیگر هم یا در منزل یا بیرون با هم صحبت کنند. ما هم قبول کردیم ولی در تماس بعدی از ما دعوت کردند بازدیدشان برویم.

در مورد ایشان تحقیق کردیم، همه از ایمان و اخلاق ایشان بسیار می گفتند ما هم قبول کردیم. به یاری خداوند متعال و معجزه حدیث شریف کساء، در ساعت نجومی مناسبی خطبه عقد جاری شد.

حال که زندگی خود را شروع کرده اند بیش از پیش به شباهت های اخلاقی و رفتاری خود پی برده اند. خصوصیتی که می توانستند در جلسه های معارفه از هم بیبرسند ولی فرصت این صحبت ها پیدا نشده بود.

یعنی آنچه در تحقیقها و معرفیها و جلسات خواستگاری و آشنایی و ملاقاتها سعی می شود بدست آید، در اینجا به برکت توسل و توکل حاصل شده بود.

والحمد لله رب العالمین

(۱۰۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث کساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه جناب عبد الله بن جنذب (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال خانم سیده (ف.ج) از شاگردان آن حوزه که با استمرار بر قرائت حدیث قدسیه کساء در دوران بارداری به توفیق سحرخیزی و نماز شب و سایر برکات آن نائل شد.

شرح واقعه: در مجالس دروس معارف الهی و مجالس تلاوت و توسل به حدیث کساء در حسینیه و خواندن کتاب آثار حدیث کساء، با برکات حدیث کساء آشنا شدم.

در دوران بارداری برای نیل به برکات حدیث شریف کساء تصمیم گرفتم آنرا بخوانم، به طوری که در سه ماه آخر بارداری به طور مستمر هرروز بین الطلوعین آن را می خواندم.

در مجالس حسینیه در مناسبتها و مجلس حدیث کساء از نوارهای مجالس مرحوم آیت الله شیخ عبد الحسین خراسانی نیز استفاده می شد (ایشان از علمای نجف اشرف و مشهد مقدس بودند که از ذخائر الهی در زمینه مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و الگویی باشند و روضه خوان بسیاری از مجالس بزرگان و علماء در نجف اشرف بودند) با آشنایی با این شخصیت بزرگوار؛ خواندن حدیث کساء را به همراه نوار مجلس حدیث کساء

مرحوم خراسانی و با صدای گرم و دلنشین ایشان انجام می‌دادم و از نوای متین و دلنشین ایشان استفاده و آرامش زیادی می‌بردم، و حاجتم این بود که در دوران بارداری فرزندی که مهمترین مقطع زندگی اوست؛ ضعف و سستی سبب بی‌توفیقی من نشود بلکه همواره توفیقات معنوی داشته باشم، تا این دوره با بهترین فضا و شرایط معنوی طی شود.

با مداومت بر حدیث شریف کساء؛ برکات معنوی بسیاری در دوران بارداری فرزندم نصیب شد، که آثارش در فرزندم هم ظاهر شده است.

از برکاتش این بود که در این مدت سه ماه تلاوت حدیث کساء؛ هر روز توفیق بیداری شب و تهجد بطور راحت بدون زحمتی حاصل می‌شد، و به آسانی برای خواندن نماز شب بیدار می‌شدم.

با قطع خواندن حدیث کساء؛ بعد از ولادت فرزندم؛ این فیوضات و برکات تا سه ماه بعد از دوران بارداری ادامه داشت، از جمله اینکه به طور خیلی راحت و عجیبی ناخودآگاه رأس همان ساعتی که موقع نماز شب بود بیدار می‌شدم.

اثر حدیث شریف کساء روی جنین من طوری بود که انس جنین با حدیث کساء مشهود بود، و در دوران بارداری با شروع من به تلاوت حدیث شریف کساء جنین با حرکتی که انجام می‌داد بیدار می‌شد، و این واکنش تا آخر دوران بارداری ادامه داشت، بلکه الآن هم که فرزندم

شیرخوار است؛ این روند تا کنون ادامه دارد، و در بیشتر اوقات رأس همان ساعت (تهجد) بیدار می شود و باعث بیداری من هم می گردد.

از دیگر برکات آن اینکه هر وقت در هنگام بارداری فرزندم مدتی حرکتی نمی کرد و باعث نگرانی بنده می شد؛ به محض خواندن حدیث شریف کساء فوراً انعکاس نشان می داد، و باعث آسوده خاطری اینجانب می شد. بعد از تولد ایشان نیز گاهی اوقات که مجدداً آن را می خواندم فرزندم فوراً با صدای خودش توجه خودش را نشان می داد، و الحمد لله او نیز به این حدیث قدسی انس گرفته است.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۱۱) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

جناب شهید رشید هجری رحمته الله باب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی با توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم (زن) واقعه را اینگونه نقل می کند:

توسل به اهل بیت علیهم السلام همیشه در زندگیم راهگشا بوده است، اما این بار معجزه ای بزرگ را از آستان مقدسشان مشاهده کردم.

خواهر شوهرم حدود ۸ ماه بود که دچار یک بیماری سخت شده و مدت زمان زیادی بود که در بیمارستان بستری شده بودند.

پزشکان از تشخیص بیماری ایشان عاجز بودند و داروها و روشهای مختلفی را روی ایشان امتحان کردند؛ و نتیجه نداد.

تا اینکه بیماری ایشان خیلی وخیم شد و بعد از آزمایشهای زیاد؛ پزشک ایشان اینطور تشخیص داد که بخاطر داروهایی که ایشان مصرف کرده خون ایشان مشکل شدیدی پیدا کرده، و نیاز به شیمی درمانی دارد، و باید هرچه سریعتر ایشان را به مرکز پزشکی هسته ای منتقل کنند.

روز یکشنبه بود که ایشان را به بیمارستان سید الشهداء (مرکز پزشکی هسته ای) شهرمان منتقل کردند تا شیمی درمانی را شروع کنند.

از اتفاق روز دوشنبه همان هفته در مکان حسینیه محل، ما خودمان بانی

برای طبخ غذا بودیم؛ که غذای جلسه حدیث کساء را تهیه کنیم، ما هم شفای ایشان را نیت کردیم، و غذا را طبخ نمودیم و در جلسه حدیث شریف کساء شرکت کردیم، در آن جلسه پس از ذکر برکات و انوار این حدیث قدسی و کلام آسمانی؛ متن آن هم تلاوت شد و به حضرات خمسه طیبه علیهم السلام توسل عرض شد، همه اهل مجلس نیز برای شفای ایشان دعا کردند.

فردای همان روز برای شروع شیمی درمانی از ایشان آزمایش گرفتند، و با کمال تعجب اعلام کردند که: مشکل خون ایشان برطرف شد! و نیاز به شیمی درمانی ندارد! و حتی نیاز به ماندن در این بیمارستان (بیمارستان مخصوص بیماران سرطانی) نیست! فلذا باز ایشان را به بیمارستان قبلی منتقل کردند و الحمدلله وضعیت ایشان رو به بهبودی است .

والحمدلله رب العالمین

(۱۱۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث کساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب حماد بن عیسی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: تجربه و شرح حال آقای (م. ک) از شاگردان آن حوزه که با توسل به حدیث شریف کساء مشکل بدهی چندساله ایشان برطرف شد.

شرح واقعه: از ازدواج حدود ۹ سال می گذشت و در این مدت به دلیل مستأجر بودن و مشکلات زندگی مجبور شدم وامها و قرض هایی بگیرم و این اواخر دیگر از قرض ها خسته شده بودم.

برنامه ریزی برای ادای قرضها نیز می کردم ولی باز مشکلی دیگر به وجود می آمد و قرضها باقی می ماند و یا اضافه ترمی شد.

با شرکت در مجالس دروس معارف الهی و حدیث کساء و آشنایی با برکات این حدیث شریف و فضائل آن؛ با همسرم تصمیم گرفتیم که بوسیله حدیث شریف کساء متوسل به حضرات مقدسه اهل بیت علیهم السلام بشویم و حاجتمان این بود که مشکل بدهی که سالها از آن رنج می بردیم برطرف شود.

با این نیت شروع کردیم هر روز بعد از نماز صبح و در بین الطلوعین و گاهی بعد از نماز مغرب حدیث شریف کساء را می خواندیم و برای تلاوت این حدیث مبارک از نوار مجلس حدیث کساء مرحوم آیت الله

شیخ عبد الحسین خراسانی رحمۃ اللہ علیہ استفاده می کردیم و از نوای ایشان استفاده
زیادی بردیم.

بعد از حدود پنج ماه مداومت بر خواندن حدیث کساء؛ و به برکت
تلاوت و توسل به این حدیث آسمانی؛ راههایی پیش رویمان برای ادای
بدهی بازمی شد و برنامه ریزی برای ادای آنها عملی شد، و همه قرضهای
چندساله ام که مبلغش هم زیاد بود؛ ادا شد، و درآمد و حقوقم نیز
افزایش یافت. الان همه قرض هایی که داشتیم به برکت توسل به پنج تن
آل عبا علیهم السلام بوسیله این حدیث قدسی ادا شده است.

والحمد لله رب العالمین.

(۱۲۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزش‌شکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

جناب شهید ابو ثمامہ الصائدی رضی اللہ عنہ (از اصحاب امام سوم علیه السلام)

عنوان واقعه: فراهم شدن رزق و روزی حلال از طرق توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ح.خ) واقعه زندگی خود را که همراه با مشکلات بسیاری بوده است و برطرف شدن این مشکلات پس از آشنایی با درسهای معارف الهی و حدیث کساء است اینگونه نقل می کنند:

اگر بخواهم داستان زندگی خود را قبل از آشنایی با مجالس درسهای معارف الهی بیان کنم خود کتابی مستقل می طلبد، ولی همین قدر می گویم که:

پس از اینکه همسرم فوت شد، روز به روز فشار زندگی بر من و بچه هایم بیشتری شد به حدی که از همسرم حتی یک حقوق ماهیانه برای ما نمانده بود و زندگی به سختی سپری می شد.

هم چنین بیماری های متعددی هر روز بدنم را فرامی گرفت و همین موضوع روی اخلاق و رفتارم نیز تاثیر نامطلوبی گذاشته بود.

و این مشکلات بود تا اینکه روزی یکی از دوستانم (که الان مسئول حوزه درسی ما هستند) به بنده پیشنهاد آمدن به درسهای معارف الهی را دادند؛ تصمیم گرفتم که با همه مشکلاتم دست و پنجه نرم کنم.

در این مجالس درسی شرکت نمودم، از وقتی که وارد این درسها شدم آرامش عجیبی پیدا کردم، فلذا مرتب در مجالس زیارت آل یاسین کامله و هم چنین مجالس حدیث شریف کساء شرکت می کردم.

در اثر آشنایی با آموخته های طبی و با تغییری که در رژیم غذایی خود دادم توانستم بر بیماری های خود فائق بیایم و همین موضوع باعث شد که اخلاق و رفتارم نیز به کلی عوض شود.

الآن حدود چهارسال است که در این جلسات و کلاسها شرکت می کنم و مهم تر از همه اینکه توانستم نمازهایم پنجگانه را در اول وقت آن بخوانم. (اما حاجت خاص و نتیجه گرفتن به برکت حدیث قدسی کساء):

قبل از آن به مدت هشت سال به دنبال کار بیمه ام رفته بودم که شاید بتوانم از آن طریق کاری انجام دهم ولی پس از اینکه نتیجه ای نگرفتم آن را رها کرده و به دست تقدیر سپردم.

تا اینکه یک روز در مجلس حدیث شریف کساء دلم شکست و به امام زمان (منه السلام) متوسل شدم و از ایشان خواستم همانگونه که مرا از آن همه ضعفهای اخلاقی و بیماری ها نجات دادند؛ رزق و روزی حلال نیز نصیب کنند.

در آن جلسه نیت کردم که برای حل این مشکل؛ به مدت چهل شب در منزلم ختم حدیث شریف کساء را انجام دهم.

با توکل به خدا و توسل به حضرات معصومین (علیهم السلام) ختم را شروع کردم. پس از اینکه چهل شب به اتمام رسید به طور معجزه آسای

در همان مجلس با کمک و پیشنهاد یکی از دوستانم راهی باز شد؛ که با پیگیری آن توانستم مستمري و حقوقي دریافت کنم.

در همان لحظه به سجده رفتم و خداوند متعال را شکر نمودم.

در پایان از همه آنانکه که در راهیابی ما به درسهای معارف الهی؛ و تعلیم ما سهم بوده و هستند صمیمانه تشکر می کنم و از مولا (منه السلام) توفیقات روزافزون را برای همه ایشان خواستارم.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۲۷) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیت الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب احمد بزنتی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شرح حال خانم (ا.ت) از شاگردان حوزه های معارف الهی که با توسل از طریق حدیث آسمانی کساء به شفای بیماری وخیم خود نائل شد.

شرح واقعه: این بنده حقیر حدود ۱۵ سال است که دچار یک بیماری خاص غده ای در استخوانهایم شده ام، و در سالهای اول بیماری؛ در اثر آن به مدت یک سال نیز فلج شدم، و خیلی حالم سخت بود. ازین رو با تضرع و زاری به مولایم حضرت امام رضا علیه السلام متوسل شدم؛ تا اینکه شبی حضرتش به خوابم آمد، و بعد از آن تصمیم به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام گرفتم، و با حال رنج و فلجی که داشتم خانواده ام هر طور بود مرا به زیارت مشهد مقدس بردند؛ و مشرف به حرم حضرت رضا علیه السلام شدم، و در همانجا به عنایت مولایم از آن حال وخیم و فلجی که یک سال داشتم خارج شدم و شفا یافتم و مولایم را شکر می کنم.

اما بیماری استخوان باقی بود، بعد از آن برای رفع بیماری استخوانم؛ پزشکان داروهای شیمیایی تجویز می کردند که مرتب باید مصرف می کردم و اگر دارو را قطع می کردم، حالم خیلی بد می شد و حرکت برایم مشکل

می شد. بر اثر مصرف مداوم آنها در این چند سال؛ به مرور زمان عوارضش در بدنم آشکار شد، و در سینه ام کیست (غده) ایجاد گردید و مرتب حال بدتری شد، و خیلی هم دردناک بود، و دکتر معالج هم بعد از انجام سونوگرافی و آزمایشات گفت که اینها از عوارض داروهای شیمیایی است، و این کیست در سینه ات ریشه دوانیده؛ و باید جراحی شوی و کیست را در بیاوریم و سینه ات هم قطع می شود، و دیگر راهی نیست و با دارو هم درمان نمی شود. خیلی ناراحت و مضطرب و نگران شدم.

به فضل و عنایت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) حدود ۳ سال قبل با مجالس و درسهای معارف الهی آشنا شده و در آن شرکت کردم.

با حضور در مجالس و دروس معارف الهی؛ با فضائل و برکات حدیث کساء آشنایی پیدا کردم، و در دو جلسه هفتگی تلاوت قرآن و دروس معارف الهی که داشتیم اول هر جلسه حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه حدیث کساء تلاوت می شد، و جلسات درسی اینگونه آغاز می شد و مدیر جلسه نیز از فضائل و کرامات این حدیث شریف توضیحاتی بیان می کرد. و در این باره کتاب "حدیث کساء و آثار شگفت" را معرفی نمود، از وی این کتاب را گرفتم و مطالعه نمودم. با آشنایی با برکات و فضائل این حدیث قدسی؛ نیت کردم برای شفای بیماریم از طریق ختم این حدیث شریف؛ متوسل به حضرات اهل بیت علیهم السلام شوم و شروع کردم به مواظبت بر تلاوت آن.

روزی ۲ بار تلاوت می نمودم یک بار صبح و یک بار بعد از ظهر؛ و هنگام تلاوت آن گریان می شدم، و دست بر روی موضع درد می گذاشتم و با

حال گریه و تضرع تلاوت می نمودم و امید داشتم که به برکت این حدیث قدسی بهبودی می یابم، ولذا برای جراحی نرفتم.

از این تلاوت حدیث کساء که می نمودم کمتر از یک ماه گذشته بود، احساس کردم که بهبودی یافته‌ام، و درد شدیدی که داشتم از بین رفت. به دکتر معالجم مراجعه کردم و سونوگرافی و آزمایشات و معاینات را انجام داد؛ با تعجب دکتر گفت که: هیچ اثری از کیست وجود ندارد و کاملاً برطرف شده است.

با درک این تفضل مولایم؛ به شکرانه آن از مرکز آموزش شهرمان درخواست کردم که جلسات درسهای معارف الهی و حدیث کساء در منزلان برگزار شود. الحمدلله الان حدود ۲ سال است که این جلسات نورانی در منزل ما برگزار می شود و در ماه مبارک رمضان نیز ختم قرآن برگزار می کنیم و هر روزه ابتدای آنها نیز تلاوت حدیث کساء داریم.

این بنده حقیر از اینکه در این مجالس دروس معارف الهی راه پیدا کردم خیلی خوشحالم و بخاطر برپایی مجلس حدیث کساء و توفیق شرکت در آن، و این تفضل الهی بسیار خوشحالم. و حضرات اهل بیت علیهم السلام و مولای عصر خود حضرت صاحب الامر (منه السلام) را به خاطر این همه عنایاتشان شکر می کنم و از امام زمان که از پدر مهربانتر است خواهان شفای مؤمنین و شیعیان و شفای کامل خود می باشم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۳۵) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید زہیر بن قین رضی اللہ عنہ - (از اصحاب امام سوم علیه السلام)
عنوان واقعہ: حل شدن مشکل درسی فرزند یکی از بانوان معتقدہ بہ ساحت امام عصر (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) بواسطہ ختم این حدیث نورانی.

شرح واقعہ: خانم (م.س) واقعہ را اینگونه تعریف می کند:

با نظر و توجهات مولا صاحب الامر (منہ السلام و الیہ التسلیم) و بہ برکت اهل بیت علیہم السلام حدود یکسال و نیم است کہ این توفیق بہ من و خانوادہ ام داده شدہ است کہ در منزل جلسہ حدیث قدسی کساء را بہ ہمراہ کلاسہای معارف الہی برگزار نمایم.

از موقع برگزاری کلاسها و مجلس توسل برکات و عنایات زیادی شامل من و خانوادہ ام شدہ است.

فرزند ہفت سالہ ای دارم کہ امسال بہ کلاس اول رفتہ است. در ابتدای سال تحصیلی ہر موقع کہ بہ مدرسہ او می رفتم معلم او می گفت: فرزند شما اصلا ہمکاری نمی کند و جواب سؤا لها را نمی دہد و سکوت می کند و تکالیفش را انجام نمی دہد و بہ خاطر ہمین باید این پایہ تحصیلی را یکبار دیگر طی کند.

من که از این موضوع بسیار نگران شدم و نمی خواستم که این اتفاق بیافتد زیرا می دانستم که در روحیه فرزندم تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت، به خاطر همین سعی کردم تا به راههای مختلف این مشکل را حل نمایم، از جمله عمل به توصیه های مشاورین و اقدامات تشویقی: چندین بار برای او جایزه می خریدم و به معلمش می دادم تا از طرف خودش به او بدهد؛ و فرزندم علاقمند به درس شود، ولی اثری نداشت! تا اینکه یک روز تصمیم گرفتم به پنج نور آل عبا علیهم السلام متوسل شوم و از حضرت زهرا علیها السلام بخواهم که ایشان شفاعت این حقیر را در پیشگاه خداوند متعال و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بکنند. به خاطر همین نذر کردم که چهل روز پشت سر هم بر خواندن این حدیث قدسی مداومت نمایم تا این مشکل فرزندم برطرف شود. هنوز ختم به پایان نرسیده بود که دیدم فرزندم شروع به خواندن و نوشتن کرد، و همکاری های اولیه را با معلم ابراز نمود، و پس از اینکه ختم چهل روز به اتمام رسید؛ دیگر فرزندم به راحتی می توانست از روی درسهایش بخواند و آنها را بنویسد. خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را شاکرم که این لطف بزرگ را در حق من و خانواده ام مبذول داشتند.

والحمد لله رب العالمین

(۱۳۹) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب فضالة بن ایوب ازدی (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: شرح حال خانم (ر. الف) از شاگردان آن حوزه، و سابقه هفت بار سقط جنین متوالی، که به برکت حدیث قدسی کساء به تولد فرزند سالم نائل شده است.

شرح واقعه: آقای مهندس (ن) نقل می کند که: این خانم حدود ۲۰ سال پیش ازدواج کرده؛ و از بانوان مؤمنه و متوسله به ساحت حضرت ولایت کبری (منه السلام) است، تجربه خود را از برکات حدیث آسمانی کساء چنین نوشته است:

در هشت سال اولیه ازدواج صاحب فرزند نمی شدم، و طی این هشت سال؛ شش بار سقط جنین داشتم، البته در طی این مدت آزمایشات کامل در همه زمینه و عکسبرداری انجام دادم؛ ولی پزشکان علت سقط را نمی دانستند، و بعد از آن بخاطر ترس از سقط شدن فرزند بعدی استرس و اضطراب داشتم.

اما بعد از آن با توسل به حضرت صاحب الامر (منه السلام) باردار شدم، که جهت باقی ماندن فرزند؛ در طول کل دوران بارداری؛ عمل جراحی شدم و باید استراحت مطلق و روزانه چندین آمپول تزریق می کردم، تا اینکه

صاحب فرزند اولم شدم، با بارداری مجدد بعد از دنیا آمدن فرزند اول؛ یک بار هم سقط داشتم، و این هفتمین سقط بود که بعد از ده سال داشتم، در طی این مدت باز مراجعه به پزشکان و همان آزمایشات ادامه داشت، ولی از فهمیدن علت سقط و درمان ناتوان بودند، و از ترس سقط و بخاطر رنجی که برایم داشت (که دکترها نیز علتش را نمی فهمیدند) نمی خواستم مجدداً باردار شوم، و از حرفهای دیگران هم در آزار بودم.

تا اینکه با درسهای معارف الهی آشنا شده؛ و مشغول به تحصیل شدم، استاد تعلیم قرآن و معارف الهی در دو جلسه هفتگی که داشتیم؛ اول هر جلسه حدیث کساء را قرائت می نمودند؛ و از فضائل و برکات حدیث کساء و آثار شگفت آن صحبت کرده و حکایاتی در این باره را نقل می کردند، در آن مجلس رسم این بود که استاد یا یکی از شاگردان مسلط به تلاوت؛ حدیث شریف کساء را می خواندند، در حدود ۱۰ دقیقه تا یک ربع ساعت؛ در اول هر جلسه این برنامه بود؛ و بعد به درس تعلیم قرآن و معارف الهی می پرداختند، در ضمن صحبت توسل و برکات زیارت قبور اولیاء و امامزادگان شیراز شده بود، تصمیم گرفتم که متوسل به ساحت جناب علی بن حمزه علیه السلام شوم تا باردار شوم (ایشان نوه حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام و از امامزادگان جلیل القدر و صاحب کرامت در شیراز می باشند)، به حرم ایشان رفتم و متوسل شدم.

بحمد الله مجدداً باردار شدم، و هنگامی که متوجه شدم باردارم (به خاطر فرزند قبلی که آسیب و رنجهای مختلف جراحی و تزییقات مکرر روزانه

و ناتوانی پزشکان را دیده بودم) یاد اینها و یاد ۷ فرزندم که در سقط از بین رفته بودند و آزار حرفهای دیگران سینه ام را تنگ کرد و منقلب و گریان شدم.

نگرانیهام را با استاد قرآن در میان گذاشتم، ایشان به من تسلی داد؛ که حالا که باردار شده ام توکل کنم و متوسل به حدیث قدسی کساء بشوم، و تجربه ای از خودش را برای شفای بیماری سخت بیان کرد، و اینکه چطور خودش با ۴۰ روز قرائت حدیث کساء آثار و برکات آن را دیده و شفا گرفته بود. بنده هم تصمیم گرفتم که توکل به خدا کنم و متوسل به حدیث شریف کساء شوم، از این رو جهت حفظ جنین (در دوران بارداری) توسل و قرائت حدیث کساء را شروع کردم و به نیابت حضرت صاحب الامر (منه السلام) از همان ابتدای اطلاع از بارداری؛ شروع به خواندن حدیث شریف کساء تا آخر بارداری کردم، و هر روز صبح حدیث کساء را در مدت بارداری تلاوت می نمودم.

اولین اثر فوری تلاوت حدیث شریف کساء این بود که به برکت خواندن آن: نگرانی ها و تنگی سینه ام برطرف شد و آرامش یافتم، و بعد از آن این آرامش ادامه یافت و دوران بارداری را بدون استرس طی نمودم، بالاتر از آنها و بر عکس صحبت دکترها (که با وجود سابقه ۷ سقط در ظرف چند سال گذشته؛ باید شرایط رعایت استراحت و تزییقات را بیشتر ملتزم باشم)، بدون نیاز به استراحت مطلق در مدت بارداری؛ بلکه با انجام فعالیت و رفتن به محل کار و رفت و آمد برپله ها

و بدون آن رنجهاي تزريقها و زحمتهها؛ دوران بارداري را گذراندم و جنين سقط نگريد؛ و فرزندم به سلامت متولد شد. روز هفتم تولد براي او عقيقه ذبح كرديم؛ و عقيقه را در مجلس درسهاي قرآن و معارف الهي (كه بوسيله آن با حديث كساء آشنا شدم) براي هم شاگرديان اطعام كرديم. و به خاطر توسل اوليه به حضرت علي بن حمزه عليه السلام نام فرزندم را عليرضا برگرفته از نام ايشان نهادم. و اكنون (فروردين ۱۳۹۰ شمسی) من و فرزند شيرخوارم هر دو در سلامتي كامل هستيم.

والحمد لله رب العالمين.

(۱۴۷) غیاث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید زهیر بن قین رضی اللہ عنہ (از اصحاب امام سوم علیه السلام).
عنوان واقعه: حل شدن مشکل فقدان کسب و شغل به برکت توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.آ) که یکی از دانشجویان معارف الهی و از متوسلین به ساحت مقدس مولا صاحب الامر (منه السلام و الیه التسلیم) می باشند؛ ماجرای برطرف شدن مشکلی که در رابطه با شغل همسرشان پیش آمده بود را اینگونه نقل می کنند:

مدتی بود که به دنبال پیدا کردن مجالس درسهای قرآن و معارف الهی بودم، و به مکانهای زیادی برای این کار مراجعه کرده بودم ولی سطح هیچ کدام آن چیزی نبود که من را راضی کند، تا اینکه روزی یکی از دوستانم پیشنهاد آمدن به درسهای حسینیہ و حوزه معارف الهی: جناب زهیر بن قین رضی اللہ عنہ را به من دادند و این عنایت شامل حال شد که بتوانم در این درسها شرکت نمایم. از زمانی که از معارف الهی ناب اهل بیت علیهم السلام بهره مند شدم تغییرات زیادی در زندگی ام بوجود آمد. خصوصاً با شرکت در مجالس توسل این تغییرات بر روی پسرم بسیار محسوس بود.

و اما توسلی که به حدیث شریف کساء داشتم: همسرم چند سالی در محلی با چند نفر به صورت شراکت؛ لوازم و ابزار ماشین سنگین می فروختند،

و ما از این راه امرار معاش می کردیم، تا اینکه یک روز شرکاء به اسم "شرایط اقتصادی موجود در جامعه و نبود صرفه و درآمد در آن کار" آنرا تعطیل کرده، و همه شرکاء از هم جدا شدند، و هر کسی به دنبال کاری برای خودش رفت؛ و همسرم بیکار شد.

وی برای دوری از بیکاری شروع به مسافركشی کرد؛ ولی خودش علاقه و رغبتی به این کار نداشت، کار قبلی هم که مدت‌ها تجربه در آن داشت بسته شده بود، و به تنهایی توان راه اندازی مجدد و مستقل آنرا نداشت، نیاز به داشتن محل کسب و سرمایه داشت، که هر دو برای او فراهم نبود.

این مشکل ادامه داشت تا اینکه یک روز در درسهای معارف الهی که در آن مجلس تلاوت حدیث کساء هر هفته برگزار می شد، و از عظمت این حدیث نورانی سخن به میان می آمد، تصمیم گرفتم که با خواندن چهل مرتبه حدیث قدسی کساء به درگاه مولا صاحب الزمان (منه السلام) متوسل شوم تا حاجت خود را بگیرم.

با این تصمیم؛ شروع به انجام این عهد معنوی و تلاوت این حدیث قدسی نمودم؛ دقیقا مصادف با اتمام چهلمین توسل، به برکت پنج وجود نورانی اصحاب کساء علیهم السلام همسرم توانست مغازه ای مستقلا باز کند، و همان شغل قبلی خود را؛ این بار بدون داشتن شرکاء؛ و حتی با شرایط کاری بهتر ادامه دهد، و بار دیگر نظر و توجه اهل بیت علیهم السلام شامل حال من و خانواده ام گردید.

والحمد لله رب العالمین

(۱۵۱) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب محمد بن اسماعیل بن بزیع (از اصحاب امام هفتم علیه السلام)

عنوان واقعه: شفای بیمار سرطانی به برکت توسل با حدیث آسمانی کساء

شرح واقعه: خانم (ر. ت) از دانشجویان حوزه های معارف الهی و از بانوان معتقده و متوسل به ساحت مقدس حضرات اهل بیت علیهم السلام واقعه را چنین تعریف می کند:

به فضل و عنایت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) حدود ۲ سال است که در مجالس و درسهای معارف الهی شرکت می کنم، با حضور در مجالس و دروس معارف الهی با فضائل و برکات حدیث کساء آشنایی پیدا کردم و در دو جلسه هفتگی آموزش تلاوت قرآن و دروس معارف الهی که داشتیم اول هر جلسه حدیث کساء تلاوت می شد، و مدیر جلسه از فضائل و برکات آن توضیحاتی می دادند، و در جلسات اطعام هم داشتیم که از آنها برای تبرک و شفا می بردیم و برکات بسیاری از این جلسات نصیبمان شده است از جمله اینکه:

یک سال بود که برادرم به سرطان معده مبتلا شده بود و دکترهای داخلی او را جواب کرده بودند و گفته بودند دیگر عمل جراحی مفید نیست و

داروهای شیمیایی نیز دیگر روی او اثر نداشت و برادرم هم داروها را قطع کرده بود.

با مطرح شدن حرف پیگیری درمان در خارجه برادرم به فکر افتاد که برای درمان به خارج از کشور برود، پسر عمویم در انگلستان ساکن بود، ما هم و آزمایشات و پرونده پزشکی برادرم را برای او ارسال کردیم، جواب آزمایشات را به دکترهای آنجا نشان داده بود، پزشکان متخصص مورد مراجعه در انگلستان گفته بودند، اقداماتی می کنیم ولی تضمین هم نمی کنیم که بهبود یابد، و هزینه درمان را حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد کرده بودند.

در این يك سال که موضوع درمان را در داخل کشور پیگیر بودیم چند مجلس توسل در منزل گرفته بودیم، و همچنین برادرم به مسائل شرعی پایبند بود و در مسیر زندگی برای صدقات و کمک به فقرا فعالیت‌های زیادی کرده بود و صدقات و انفاقاتی را مرتباً داشتند و خانواده شان نیز نذر و توسل می کردند و من خیلی نگران ایشان بودم و در اواخر حال برادرم وخیم شده بود به حدی که نمی توانست سر بر بالش بگذارد و بخوابد و احساس خفگی داشت و نشسته می خوابید.

با توجه به فضایی که از حدیث کساء در مجالس و دروس معارف الهی آموخته بودم؛ تصمیم گرفتم برای شفای برادرم نذر کنم برای تلاوت حدیث کساء، و شروع به انجام نذر کردم و هر روز حدیث شریف را به نیابت ایشان تلاوت می نمودم تا مدت يك ماه، و از غذاهای مجالس

هفتگی توسل با حدیث کساء به عنوان تبرکی و به نیت شفا برای او می
بردم.

به لطف و عنایت مولایمان حضرت صاحب الزمان (منه السلام و الیه
التسلیم) و توسل به مادر گرامیشان، در همین مدت تلاوت حدیث کساء
حال برادرم بسیار تغییر کرد و بهتر شد تا حدی بهبودی یافت که
توانست غذا بخورد، و بعد هم به قدری خوب شد که توانست به سرکار و
شغل خود برود، با حصول این بهبودیها و تغییر روحیه او و بازیابی بیشتر
سلامتی در ادامه توانست برای ادامه تحصیل نیز به دانشگاه برود.

من برای شفای کامل او تلاوت این حدیث آسمانی را ادامه دادم و مولا را
به خاطر این لطف و برکاتشان شکر می کنم. و شکر خدا از حدود یک
سال پیش با برپایی مجلس حدیث کساء؛ توفیق شرکت در آن را بیشتر
دارم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۵۹) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم، حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام، حوزه معارف

الهی: جناب شهیده زوجه وهب بن عبدالله رضی الله عنه (از شهدای کربلا)

عنوان واقعه: بهبودی بیمار با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: والدین مرحومه (م.خ) که تازه از دنیا رفته؛ ماجرای یکی

از توسلات فرزند نوجوانشان را این گونه نقل می کنند:

مرحومه دختر ما محب اهل بیت علیهم السلام بود، از وقتی وقایع **غیث الأولیاء**

فی التوسل بحدیث الکساء هر هفته منتشر می شود؛ او مرتب اصرار

داشت که این مطلب (این واقعه توسلی که شاهدش بودیم) را ارسال کنیم

تا منتشر شود، کاهلی و سستی ما مانع شد، تا این که بلافاصله بعد از

فوتش گفتیم این مطلب را بیان کنیم که هم خواسته او عملی شده باشد؛

هم انجام وظیفه کرده باشیم در باب احیاء امر آل الله، و هم دخترمان در

آن دنیا از برکاتش بهره مند گردد.

چند ماه قبل از فوت دخترمان؛ او به همراه ما برای عرض تبریک به

مادربزرگش (به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زهرا علیها السلام) به منزل

ایشان رفتیم، آنجا بودیم که مطلع شدیم مادربزرگ داخل مسجد فشار

خونش بالا رفته و او را به بیمارستان برده و تحت درمان هستند، یکی

از پسران ایشان به بیمارستان رفت که او را بیاورد، بعد مدتی خبر داد که

فشار خونش هنوز بالا است و هر کاری می کنند با قرص و روشهای دیگر نمی توانند فشار ایشان را پایین بیاورند.

مرحومه دختر ما (این نوجوان پاک نهاد و خوش سیرت و عاشق اهل بیت علیهم السلام) از من (پدرش) کتاب حدیث شریف کساء را خواست، گفتم برای چه می خواهی؟ گفت: می خواهم حدیث کساء را بخوانم تا این وضعیت خطیر حال مادربزرگ برطرف شود. و سپس رو به قبله در حالتی که نشسته بود بدون این که صدا بلند کند و یا جلب توجهی؛ آهسته آهسته شروع به خواندن حدیث شریف کساء کرد.

تلاوت و دعای آن مرحومه که تمام شد خبر رسید: بطور ناگهانی حاجیه خانم فشارش پایین آمده و دکترها گفته اند اگر حال و فشارش به همین نحو ثابت ماند؛ می توانید تا ساعتی دیگر او را به منزل ببرید. و همینطور شد و حالش مستقر ماند، و ساعتی بعد او را به خانه آوردند.

لازم به ذکر است که مرحومه دختر ما در مشکلات و شدائدی که برای شخص خودش پیش می آمد، سریعا کتاب حدیث کساء را می گرفت و مشغول توسل شده و با خودش بدون سر و صدا آنرا زمزمه می کرد.

ان شاء الله حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام دستگیری از همه، خصوصا اموات و گذشتگان و بالاخص این عزیز از دست رفته بنمایند. والحمد لله رب العالمین

(۱۶۳) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب نصر بن سوید رضی الله عنه (از اصحاب امام هفتم علیه السلام).

عنوان واقعه: حل مشکل مالی و ازدواج به برکت توسل با حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (آ.ف) از دانشجویان حوزه های معارف الهی و بانوان معتقد و متوسل به ساحت مقدس حضرات اهل بیت علیهم السلام واقعه را چنین تعریف می کند:

به عنایت حضرت صاحب الزمان (منه السلام) حدود ۶ ماه است که با مجالس و درسهای معارف الهی آشنا شده ام و توفیق شرکت در مجالس حدیث کساء و تلاوت قرآن و دروس معارف الهی را پیدا نمودم.

در این جلسات ابتدای جلسه حدیث کساء تلاوت می شد و با توضیحات معلم درس؛ با فضائل و برکات حدیث آسمانی کساء آشنایی پیدا کردم و از برکات بسیاری که با حضور در این درسها و مجالس نصیب شد این واقعه است:

سه سال بود که عقد کرده بودم ولی به دلیل مشکلات مالی شوهر و خانواده ام نتوانسته بودیم مستقل شویم و زندگی مشترکمان را آغاز کنیم و از این موضوع بسیار رنج می بردم.

با شرکت در مجالس هفتگی حدیث کساء و دروس معارف و آشنایی با این حدیث نورانی؛ تصمیم گرفتم که برای رفع مشکل ازدواجمان به حضرات مقدسه اهل بیت علیهم السلام از طریق حدیث قدسی کساء متوسل شوم و با این نیت؛ شروع کردم به تلاوت آن و روزی يك بار این حدیث را تلاوت می نمودم.

تنها پس از گذشت دو هفته از شروع تلاوت این حدیث آسمانی، مشکلاتی که در این سه ساله ما را رنج می داد؛ به عنایت مولا برطرف شد، و هزینه لازم و منزل فراهم گردید؛ و زندگی مشترك را به عنایت و لطف مولا و به برکت این حدیث قدسی آغاز نمودیم.
مولا را به خاطر این لطف و سایر برکاتشان شکر می کنم.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۷۱) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الہی: جناب شہید مسلم بن عقیل رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: شفا یافتن بیمار با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.ع) واقعه شفا یافتن بیماری مادرشان را اینگونه نقل می کنند:

مادرم مدتی بود که دیسک کمر داشتند و بارها دکتر به ایشان پیشنهاد جراحی برای وخیم تر نشدن حال ایشان را داده بودند.

بالاخره درد شدید و بی حس شدن پا و انگشتان و عدم تحرک از ناحیه ی کمر برای مادرم ایجاد شد و با کمیسیون پزشکی و نظر خود پزشک متخصص تصویب شد که با رضایت کامل از جانب پدر و فرزندان و با احتمال بهبودی پنجاه درصدی؛ ایشان را عمل جراحی کنند، چون آن وضعیت غیر قابل تحمل برای مادرم بود.

همه نگران و مضطرب و مضطرب که این جراحی را بکنند یا نه؟! عده ای موافق، و عده ای هم مخالف، که یکی از مخالفین هم من بودم.

صادقانه بگویم ترس از فلج شدن مادرم در من بیشتر از ترس از مرگ ایشان بود؛ و به همین خاطر هم وقتی این نتیجه را شنیدم با عصبانیت و ناراحتی به بیمارستان رفتم و گفتم با مسؤلیت خودم ایشان را مرخص

کنید، پرسنل قبول نکردند و مادرم هم بخاطر درد قبول نکرد. من حرف دلم را گفتم و با وجود اینکه ترس زیادی داشتم، اما ته دل احساس آرامش و یک نور امیدی داشتم که بعداً متوجه شدم .. گفتند صبح که پزشکان آمدند، بیائید، هر چند غیر ممکن است که تیم پزشکی که آماده‌ی عمل جراحی هستند، رضایت دهند و بگذارند که بیمار را مرخص کنید.

آن شب تا صبح، شب وحشتناکی بر من گذشت، چون ترسم هزار برابر شده بود که حتی اگر مادرم عمل هم نکند، فلج می‌شود و خودم را سرزنش می‌کردم که چرا اینکار را کردم؟ این چه حرفی بود؟ اگر بعد از عمل همه از چشم پزشک یا جمعی که رضایت داده بودند، می‌دیدند، حالا هر اتفاقی که بیافتد از چشم من می‌بینند، فقط می‌دانم که چقدر زیاد دعا و نیایش و التماس به درگاه خداوند متعال کردم، که چه کنم؟!

صبح هم راهی بیمارستان شدیم و گفتیم منصرف شده و نمی‌خواهیم ایشان عمل شوند (از قضا با اینکه ما شب گذشته گفته بودیم و شیفت شب در جریان بودند، صبح اولین نفر مادرم را آماده‌ی عمل کرده بودند) با اطلاع از انصراف ما؛ تیم جراحی ناراحت شدند و عصبانی و با رفتار تندی با ما برخورد کردند، و پزشک جراح مادرم، آخرین جمله‌اش خطاب به مادر و ما این بود که: می‌دانید که جز من هیچ کس دیگر نمی‌تواند این عمل را انجام دهد؛ و شما را معالجه کند، و من از این لحظه دیگر شما را پذیرش نمی‌کنم.

همه‌ی چشم‌های نگران و بهت زده به سمت من معطوف شد؛ من هم گفتم: چرا! آقای دکتر؛ يك نفر ديگر هست که می‌تواند مادرم را معالجه کند؛ و اگر شما پنجاه درصد به کار خودتان ایمان دارید، من صد درصد به کار او ایمان دارم، تمام تعجب و بهتی که چند لحظه‌ی پیش به سمت من بود؛ به جانب پزشک رفت، و او هم با لحن تمسخر و هم با عصبانیت پرسید: اون کیه که اینقدر ارزش مطمئنید؟! اونم صد درصد؟ گفتم "خدا". چند لحظه‌ای سکوت سنگینی حاکم بر فضا شد. دکتر برگه‌ی انصراف از عمل را امضاء کرد و گفت بروید "به امید خدا!" سرِّم را از دست مادرم بیرون کشید و ما هم لباسهای ایشان را عوض کردیم، و به زحمت ایشان را به منزل آوردیم.

فردای آن روز دوستان و آشنایانی که برای احوال‌پرسی به مادرم زنگ می‌زدند، همه تعجب کرده؛ و هر کدام چیزی می‌گفتند و تلفن را قطع می‌کردند.

بعد از آن بواسطه کرامتها و معجزاتی که در میان دوستان و آشنایان از توسل به حدیث قدسی کساء شنیده بودم با خواهرهایم تصمیم گرفتیم که برای شفای مادر و بهبودی ایشان به پنج نور آل عبا علیهم‌السلام متوسل شویم و روزی چندین مرتبه این حدیث شریف را تلاوت می‌کردیم.

بعد از يك ماه بطور معجزه آسايي مادرم از تحت پايين آمد و دوباره فعالیت و کارهای روزمره‌اش را شروع کرد، و به لطف ایزد متعال و عنایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و تأثیرات این حدیث شریف تا به امروز با

هیچ گونه مشکلی از ناحیه کمر و دردی که داشت مواجه نشد. البته تأثیرات همان ۱۰ روز اول توسل شروع به نشانه دادن شدند.

ناگفته نماند که پس از یکسال که مادرم سرزده به مطب جراحی که قرار بود عملشان کند، رفتند، او تعجب کرده و گفته بود: هر چند دارم می بینم که روبروی من ایستاده اید؛ و با پای خودتان آمدید، اما در باورم نمی گنجد که: آیا در این دوره هنوز معجزه هست؟!!!!

از آن به بعد اینجانب به هر کس مشکلی داشته؛ به ایشان پیشنهاد توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با خواندن حدیث شریف کساء را می دهم، و همه به لطف مولا (منه السلام) حاجاتشان برآورده شده است.

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۷۵) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب علاء الدین حسین رضی الله عنه از اولاد امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: امکان باردار شدن بدون سقط؛ و رفع خطر از مادر بخاطر بارداری، و سلامتی جنین در مدت حمل، تولد فرزند با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.ج) از آموزشیاران حوزه های معارف الهی این واقعه را این چنین شرح می دهد:

یکی از دانشجویان حوزه های معارف الهی خانم (ع.ج) که از متوسلین به ساحت حضرات اهل بیت علیهم السلام می باشند در باره حل دیگر مشکلات فرزند جوانش به برکت حدیث کساء گفت که:

خانواده پسر مشکلات مالی و شغلی داشتند که جهت گشایش در امورشان با مسؤول حوزه صحبت کردم و حدیث کساء را توصیه نمودند و با تلاوت آن توسط عروسم و به برکت توسل به حدیث کساء مشکلات شدید آنها برطرف شد.

از مشکلات دیگر این زن و شوهر جوان این بود که حدود ۲ سال از ازدواجشان می گذشت و بچه دار هم نمی شدند و یک بار فرزندشان سقط شده بود و دکتر متخصص هم گفته بود دیگر حامله نباید بشود.

فرزندم که شوهر این خانم بود بچه خیلی دوست دارد، خانمش وقتی دید که پزشکی رایج عاجز از درمان است، و از راههای ظاهری او را مأیوس کرده اند، با توجه به کرامتی که در توسل به حدیث آسمانی کساء در فراهم شدن شغل شوهرش دیده بود، هر دو تصمیم به توسل به اهل بیت علیهم السلام گرفتند، و باز هم از راه توسل به حدیث شریف کساء از خداوند رفع این مانع و برطرف شدن مشکل را خواستار شدند، و به نیت بارداری شدن خانم و سلامت جنین و سقط نشدن آن تصمیم گرفتند تا ۴۰ روز حدیث کساء را تلاوت نمایند، و این نیت را عملی ساختند، و الحمد لله عروسم باردار شد و حالش هم در ایام بارداری خوب بود و برخلاف حرف دکتر متخصص که منع بارداری کرده بود؛ هیچ مشکلی هم پیش نیامد و در طول دوران بارداری نیز مداومت بر تلاوت حدیث کساء نمودند.

مشکل دیگر در تولد فرزند بود و پزشکانی که او را معاینه می کردند می گفتند باید سزارین شود؛ و از قبل آن هم در بیمارستان بستری و تحت مراقبت ویژه باید قرار بگیرد، و این مراقبت ها هزینه زیادی نیز داشت. بیمارستان های خصوصی رفتیم هزینه زیادی می خواستند، و برخی بیمارستانهای دولتی هم پذیرش نکردند، گفتند کمبود امکانات داریم، توسل به حدیث کساء را ادامه دادند، و به برکت پنج تن پاک حال خانم و جنینش هم خوب بود و بدون بستری شدن در بیمارستان زایمان طبیعی

نمود، و فرزند سالم به دنیا آمد، و در معاینات نیز فرزند از نظر شنوایی و بینایی و اعضاء بدن سالم بود و هزینه زایمان آن هم اندک شد. این زوج با دیدن این همه برکات؛ از بعد آن نیز در زمان شیرخوارگی نوزاد مرتب هر روز تلاوت حدیث کساء را ادامه می دهند و جزو برنامه روزانه زندگیشان شده است.

این نتایج و برکات از توسل به وسیله حدیث کساء روی عقاید ایشان تأثیر زیادی گذاشت، بطوری که علاوه بر مداومت بر تلاوت حدیث کساء؛ ختم قرآن در دوران بارداری و انجام توسلات و معنویات نمودند و به برکت آشنا شدن با این حدیث نورانی؛ جهات معنوی و مادی زندگی خانواده پسر اصلاح و تقویت شد.

والحمد لله رب العالمین

(۱۸۳) غیاث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب شهید عماره بن ابی سلامه رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: بهبودی وضعیت شغلی با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (ف.م) واقعه رفع مشکلات و موانع از مراحل

استخدام همسرشان را اینگونه نقل می کنند:

حدود ده سال است به اتفاق همسرم در کلاسها و جلسات معارف شرکت

می کنیم و این توفیق نیز از برکات و نعمتهای مولایمان حضرت علی بن

موسی الرضا علیه السلام است که ما بر سر این سفره الهی و معنوی دعوت

شدیم.

از همان ورود به این کلاسها و جلسات برکات آن نیز، بر من و همسرم

مشهود بود، چه در کسب و کار و چه در زندگی و چه در مسائل دیگر،

حتی خُلق و خویمان نیز به برکت این کلاسها بسیار تغییر پیدا می کرد و

حتی در هر زمان که به مشکلی برخورد می کردیم، با توسل و به برکت امام

زمان (ارواحنا فداه)، آن مشکل برطرف می شد.

الان هم حدود دو سالی است که مولا صاحب الامر (منه السلام) به بنده

توفیق برگزاری مجلس کلام توجه و زیارت شریف آل یاسین کامله و

درسهای آموزش تلاوت و اذان و نماز صحیح و فصیح به افراد در آن

جلسه را عطا نموده است که این خود یکی از آن دریای بی کران الطاف حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام است.

واقعهای که از برکات این جلسات و کلاسهای معارف بود، این است که: همسر ماها امید ارتقای وضعیت شغلی خود از پیمانکاری به استخدامی رسمی بود، تا اینکه حدود سه سال پیش بدون اینکه انتظار داشته باشیم، نامه‌ای از تهران به منطقه عملیاتی که همسر ما در آنجا مشغول به کار بود، آمد که اسم پنج نفر از حدود ۱۵۰۰ نفری که به صورت نیروهای پیمانکاری کاری کردند، در آن بود، و یکی از آن پنج نفر به برکت مولا صاحب الزمان (منه السلام و الیه التسلیم) اسم همسر ما، برای ارتقای وضعیت شغلی (رسمی شدن) بود. علیرغم این فرصت فراهم شده ولی موانعی پیش آمد که پروسه استخدام را کند بطوریکه هفت ماه بعد از این نامه همسر ما جهت مصاحبه فنی به تهران دعوت کردند و بعد از مصاحبه که حدود سه سال به طول انجامید، موانع و سنگ اندازیهایی زیادی از افراد مشاهده کردیم و شنیدیم، که هم صحیح نمی‌باشد گفتن آنها و هم در این مقال نمی‌گنجد، ولی به طور خلاصه با تمام حسن ظن که به این افراد داشتیم، ولی خواسته یا ناخواسته در گفتار و کردارشان، تنگ نظری و بخل و حسادت و سهل انگاری به گونه‌های مختلف دیده می‌شد، که حاکی از توقف سیر استخدام رسمی داشت، شرایط طوری شده بود که دیگر ما را تقریباً از این وضعیت ناامید کرده بود، البته نه اینکه از رحمت خداوند متعال ناامید شویم.

تا این که حدود پنج روز مانده به ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود که قصد و نذر کردیم که برای گره گشایی و رفع موانع و تسهیل در روند امر، چهل روز حدیث شریف کساء را بخوانیم و متوسل به ساحت مقدس و مبارک پنج تن آل عبا علیهم السلام شویم.

به برکت مولا صاحب الزمان (ارواحنا فداه) و پنج نور آل عبا علیهم السلام، بیست و هشتمین روز ختم بود که حدیث شریف کساء می خواندیم که مصادف با روز ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ بود، ناگهان از تهران با همسر تماس گرفتند که برای تکمیل مدارک و گرفتن حکم رسمی، به تهران بیایید، و مشکل حل شده بود، و خدا را شکر که وضعیت کاری ایشان بهتر و استخدام رسمی شدند.

این واقعه یکی از برکات توسل به آن پنج تن مقدس علیهم السلام است و این شاء الله خداوند متعال توفیق خدمت گذاری مسیر نورانی آن حضرات را به همه ما عنایت بفرماید. آمین یا رب العالمین

و الحمد لله رب العالمین.

(۱۸۷) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: شفا یافتن بیماری مزمن کلیه با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.د) از دانشجویان حوزه معارف الهی واقعه خود را این چنین شرح می دهد:

یکسالی است که توفیق شرکت در جلسات و دروس معارف الهی نصیب شده است. در هر جلسه ابتدای جلسه این حدیث را تلاوت می نمودند و مسؤول حوزه از برکات آن صحبت می کرد. بنده با این حدیث با عظمت؛ در جلسات درس حوزه مان آشنا شدم؛ و تا کنون برکات بسیاری از حدیث کساء دیده ام، از برکاتی که از این حدیث شریف دریافت نمودم شفای بیماری مزمن ۱۴ ساله کلیه هایم بود.

من حدود ۱۴ سال عارضه کلیه داشتم که برخی پزشکان می گفتند ناشی از سنگ کلیه است، و برخی می گفتند کلیه هایت عفونت دارد، داروهایی هم تجویز می کردند، ولی با داروها درمان قطعی نمی شد، و بعد مدتی دوباره درد کلیه داشتم، و در هر سال شاید دو یا سه ماه راحت بودم؛ بقیه ایام با درد پهلو و کلیه همراه بود، تا اینکه در این سال اخیر با سرماخوردگی هفت ماه به شدت حالم بد شد، بطوری که اگر کلیه بند را نمی بستم نمی

توانستم خود را نگه دارم. اگر به جلسه درس می رفتم نمی توانستم بنشینم و به پهلو می خوابیدم، بعد از آن حالم بد شد به حدی که یک ماه اصلاً نتوانستم جلسات درس حوزه را بروم.

نزد پزشکان متعددی رفته بودم، فرزندانم از دختر و پسر نوبتهای ویزیت متخصصین مختلفی را برایم گرفته بودند و این پزشکان متخصص داروهای مختلفی را روی من امتحان کرده بودند و آزمایشات را متعدد انجام می دادم از سونوگرافی و انواع آزمایشات دیگر. پا به سن گذاشته بودم و می دیدم وضعیتم مرتب خطرناکتر می شود. و گریه می کردم و می گفتم این چه نوع بیماری است که به آن دچار شدم و این همه داروها و معالجات پزشکان هم علاج آن را نمی کند، و می گفتم من دیگر خوب نمی شوم.

وقتی (به علت بیماری) دیگر نتوانستم جلسات را بروم؛ مسئول حوزه به دیدنم آمد و همان روز هم جلسه حدیث کساء در حوزه بود و به من گفت: طاقت بیاورم به جلسه توسل بیایم و برای روحیه ام هم خوب است. آن روز حالم بد بود و دیرتر رفتم وقتی رسیدم جلسه تمام شده بود و از آبی که در مجلس حدیث کساء با تلاوت بر آن دمیده و بدان تبرک کرده بودند؛ به من دادند و خوردم، و به توصیه ایشان نیت کردم که برای شفای بیماریم نذر حدیث کساء کنم و من هم نیت کردم یک اربعین حدیث کساء را به قصد بازیافتن سلامتی ام تلاوت کنم.

تلاوت حدیث کساء را شروع نمودم و ۴۰ شب آن را خواندم؛ بعد از آن ۴۰ شب ناراحتی کلیه ام کاملاً برطرف شد! مانند کسی که هیچ عارضه کلیه نداشته است!!

دیدم حالم کاملاً خوب شده، به متخصصین مراجعه کردم، معاینه کردند، آزمایشاتی نوشتند؛ آن آزمایشات را هم انجام دادم، و نتیجه را برای پزشکان بردم آنها گفتند: نتیجه آزمایشات هیچ مشکلی را در کلیه تان نشان نمی دهد و عفونتی هم در کار نیست!

و به برکت حدیث کساء بیماری ۱۴ ساله ام کاملاً و به یکباره برطرف شد.

خیلی عقیده به حدیث کساء دارم و با توسل بوسیله حدیث کساء هر مشکل کوچک یا بزرگ باشد، برطرف شده و حاجت گرفته ام. مولا را شاکرم و خدا خیر دهد به بانیانی که من را با این حدیث شریف و معارف الهی آشنا کردند و دعایشان می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۱۹۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب عمار آزدی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعہ: فراهم شدن امکان خرید مسکن مناسب با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ف.ت) که چند سالی است در مجالس دروس معارف الہی شرکت می کنند توسل خود بوسیله حدیث آسمانی کساء را چنین نقل می کنند:

حدود پنج سال است که با هدایت حضرات معصومین علیہم السلام با مجالس و دروس معارف الہی آشنا شده ام. به برکت آشنایی با این مطالب ناب و توفیق عمل به آموزه های آن تا بحال تغییرات زیادی در زندگی ام مشاهده کرده ام و مشکلات کوچک و بزرگی که داشته ام بخوبی و به طرز باورنکردنی برطرف شده است.

قبل از ورود به این درسها؛ من با حدیث کساء آشنایی داشتم و به آن معتقد بودم ولی وقتی که وارد مجالس معارف الہی شدم فهمیدم که عظمت و شرافت و جایگاه این حدیث نورانی فوق آن شناختی بوده که من تا کنون داشتم؛ آن قدر با عظمت؛ که همه آسمانها و زمین؛ و تمام کائنات و موجودات؛ همه از برکت وجود حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیہم السلام هستی یافته اند و مهمتر از همه جایگاه والای حضرت

صدیقه زهرا علیها السلام که عظمت این حدیث را دوچندان کرده است. واقعه
توسلی که داشتم این بود که:

دخترم دارای سه فرزند است و در منزلی که زندگی می کردند بسیار
کوچک بود، به حدی که اندازه آن برای آنها دو نفر کفایت می کرد و
همین کمبود جا و بزرگ شدن بچه ها باعث شده بود که بر روی اعصاب
دخترم نیز اثر بگذارد؛ و دچار ناراحتی اعصاب شود. همچنین برای
فروش این منزل و خرید منزل مناسب دیگر نیز شرایط مالی آن از نظر
تورم روزافزون جامعه فراهم نمی شد.

به همین خاطر این مشکل باعث شد که به دامان اهل بیت علیهم السلام پناهنده
شوم، و نذر کردم که پنج مرتبه حدیث شریف کساء را تلاوت کنم، تا
امکان فروش این منزل و خرید منزلی بزرگ تر برای دخترم فراهم شود.

ختم تلاوت این حدیث شریف را شروع کردم، بعد از تمام شدن مرتبه
پنجم از نذری که کرده بودم؛ به طور غیرقابل باوری منزلشان فروش
رفت، و با اینکه از نظر مالی نیز برای خرید منزل دیگر مشکل داشتند
ولی بحمدالله توانستند منزلی بزرگتر خریداری کنند.

بعد از این واقعه هر موقع در زندگی با مشکلی برخورد می کنیم بلافاصله
شروع به خواندن حدیث کساء می نمایم. مولا علیه السلام را شاکرم که مرا با
این مسیر نورانی آشنا نمود و توفیق تلاوت و بهره مندی این حدیث نورانی
را به بنده داد.

والحمد لله رب العالمین

(۱۹۹) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب علاء الدین حسین رضی اللہ عنہ از اولاد امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: فراهم شدن شغل؛ با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (م.ج) از آموزشیاران حوزه های معارف الهی این واقعه را این چنین شرح می دهد:

یکی از دانشجویان حوزه های معارف الهی خانم (ع.ج) که از متوسلین به ساحت حضرات اهل بیت علیهم السلام می باشند در تماسی برایم از مشکلات فرزندش گفت که: پدرش قبل ازدواج در تاکسی تلفنی کار می کرد، بعد ازدواج کارش را از دست داد و بیکار شد، و کارهای گذرا انجام می داد ولی شغلی که کفایت زندگیش را بکند نداشت؛ مدرک پسر دیپلم بود و می گفت چندین جا پیگیری کرده است و دنبال کار می رود؛ ولی کار مستمر و دائمی جور نمی شود، و این وضعیت (عدم ثبات شغلی) ۲ سال طول کشید؛ وی کرایه نشین نیز بود و پدرش خرجی او را می داد و اقلامی مانند گوشت و برنج را نیز پدرش کمک می کرد؛ به خاطر فراهم نشدن شغل ثابت، گاهی هم در خانه می ماند؛ و کج خلق نیز شده بود، به مرور با همسرش دعوایشان شده؛ به حدی این موضوع حاد شده بود که عروسم می خواست از او جدا شود.

این خانم بعد از شرح مشکل فرزندش گفت: آیا دعایی بلدید که با آن متوسل شوم؟ برایم بگویید.

من با توجه به برکاتی که از حدیث آسمانی کساء و مجالس آن دریافته بودم به ایشان گفتم که عروست مداومت بر حدیث کساء کند: مثلاً به نیت ۱۴ معصوم ۱۴ روز و آن را هر روز به این نیت تلاوت نماید.

او هم به عروست توصیه کرده بود ۴۰ شب حدیث کساء را بخواند و از پنج تن آل عبا علیهم السلام فراهم شدن کار و رفع مشکل را بخواهد.

عروست این برنامه را شروع کرده بود و هر روز تلاوت حدیث کساء را انجام داده بود تا اینکه در روز نوزدهم انجام ختم حدیث کساء برای شوهرش کار دائمی پیدا شد؛ و در شهرداری به عنوان راننده استخدام گردید، و مشکلات مالیشان برطرف گردید و همچنین اختلافات و روابطشان نیز اصلاح شد.

والحمد لله رب العالمین

(۲۰۷) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب سکینہ بنت الحسین علیہا السلام

عنوان واقعه: برطرف شدن حالت ترس و اضطراب با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: توسل یکی از دانشجویان نوجوان معارف الہی خانم (م.س) را از زبان خودشان بیان می کنیم:

مدتی بود که در اثر رفت و آمد با افرادی (که از لحاظ معرفتی در سطح پایینی بودند) و صحبت با آنها؛ به تدریج از نظر فکر و ارده ضعیف شده بودم بلکه احساس ترس و اضطرابی در من بوجود آمده بود، بطوری که این امر مانع از ادامه فعالیت های روزانه ام می شد. به حدی که شبها باید در کنار مادرم می خوابیدم و اگر در اتاقم تنها بودم از شدت ترس خوابم نمی برد؛ و تا صبح بیدار می ماندم، این امر روی وضع تحصیلی من نیز تأثیر سوء گذاشته بود.

این امر خودش برای من و خانواده ام به مشکلی بزرگ تبدیل شده بود. تا اینکه به مجلس جناب سکینہ بنت الحسین علیہا السلام راه یافتم و من تصمیم گرفتم که مشکلم را در این جلسه مطرح کنم تا از تجربیاتشان استفاده کنم.

بعد از اینکه در جلسه آن را مطرح کردم، دوستان آنجا کمک نمودند و به همراه ارائه راهکارهایی؛ به من پیشنهاد دادند که تا چهل روز حدیث شریف کساء را به صورت مرتب تلاوت کنم.

در پایان آن جلسه هم؛ همگی حاضران مجلس برای گشایش در حل مشکلات شروع به تلاوت حدیث شریف کساء کردند، من هم از همانوقت نیت کردم که تا برطرف شدن مشکلم آن را به صورت روزانه تلاوت کنم.

بعد از اینکه نذر را شروع کردم تقریباً دو هفته ای از آن گذشته بود که به وضوح مشاهده کردم که حالت ترس و اضطرابم برطرف شده بود و الان به برکت توسل به اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شبها به راحتی می خوابم و اگر هم در منزل تنها باشم و خواهرم هم در کنارم نباشد هیچگونه ترس و اضطرابی ندارم و درسهایم را نیز به خوبی و بدون هیچ مشکلی مطالعه می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۱۱) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب یونس بن عبد الرحمان رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: تصحیح عقیده و توفیق التزام و اصلاح رفتار فرزند جوان با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (س.ر) از دانشجویان حوزه معارف الهی واقعه خود را این چنین شرح می دهد:

حدود یکسال می شود که به مجالس معارف الهی راه یافته ام و با حدیث کساء و برکات آن در این جلسه نورانی آشنا شدم. در ابتدای هر جلسه حوزه این حدیث را تلاوت کرده و سپس مسؤول حوزه از برکات آن صحبت می نمود.

خودم نیز گرفتاریها و مشکلاتی داشتم که به برکت توسل به این کلام آسمانی رفع شد، از برکاتی که از این حدیث شریف دریافت نمودم؛ حل مشکلاتی سخت در مورد فرزندانم است که یک مورد آن چنین می باشد: یک مشکل مهمی که در مورد پسر من داشتم این بود که: با اینکه پسر من از نظر سن و سلامت جوان کاملی بود؛ ولی عقیده اش ضعیف بود و نماز نمی خواند، مطالب دینی هم که به او گفته می شد بی اعتنائی می کرد، مجالس دینی را قبول نداشت؛ بلکه جسارت نیز می کرد! به حدی که در خانه به ستوه آمده بودم، خیلی ناراحت بودم و به خاطر آن گریه می کردم.

می دیدم با اینکه هم در خانه ملتزم دستورات دینی هستم و هم به جلسات دینی می روم و التزام خودم را نسبت به اهل بیت علیهم السلام نشان می دهم؛ ولی در خانه خودم اینطور به دور از عقاید صحیح؛ فرزندم پرورش می یابد بلکه مخالفت هم با عقاید دینی می کند، و این برایم خیلی سخت بود، بلکه بزرگترین مشکل زندگی شده بود، و دائماً روی این موضوع عدم دینداری فرزندم غصه می خوردم. شوهرم هم انسان متدین و مؤذن مسجد؛ و مواظبت بر حلال و حرام می کرد، و ما در مورد این مشکل می گفتیم: ما که بر حلال و حرام و انجام مطالب دینی مواظبیم پس چرا پسرمان اینطور شده است؟ و هر دو یمان ناراحت بودیم.

توسلات مختلفی کرده بودم؛ هر چه ذکر و یا توسلات برای گرفتن حاجت بلد بودم و یا می شنیدم؛ و هر دعایی که می گفتند برای گرفتن حاجت خوب است؛ همه را انجام داده بودم، مثلاً انواع دعاها، توسل و ادعیه و توسلات دیگر، و به نیت این موضوع در مجالس توسل و روضه می رفتم ولی نتیجه نمی گرفتم.

بعد از آنکه در جلسه حوزه معارف الهی در مورد حدیث کساء و برکاتش و حاجت گرفتن از آن مطالبی شنیدم و با برکات آن آشنا شدم؛ نیت کردم که برای برآورده شدن این حاجت مهم و هدایت و اصلاح جوانم ۴۰ شب آن را تلاوت کنم.

ختم را شروع کردم و ۴۰ شب آن را خواندم؛ بعد از ۴۰ شب مانند اینکه معجزه ای شد و بدون هیچ بحث و حرفی دیدیم که یکباره پسرمان حال

و رفتارش عوض شد! بدون هیچ پیگیری خودش مرتب شروع کرد به نماز خواندن! آن هم بطوری که اولین نفر در منزل بود که اول وقت برای نماز حاضر می شد! عقایدش هم اصلاح شد و دیگر از آن بی اعتقادی بیرون آمده؛ بلکه به حدی عقیده اش نسبت به حضرات اهل بیت علیهم السلام محکم و خوب شده و ایمان آورده است که تا اسم حضرات اهل بیت علیهم السلام می آید؛ رفتارش عوض می شود، و با احترام رفتار می کند، و دیگران را نیز به سوی اهل بیت علیهم السلام دعوت می کند. به مجالس دینی نیز علاقمند شده و مرتباً شرکت می کند و دیگران را هم به مجالس دینی می آورد، با این نتیجه اعجاز آمیز ناراحتیهایم برطرف شد؛ و فرزندم به برکت این حدیث آسمانی نجات یافت. مولایم را به خاطر راهیابی به این مجالس نورانی و درک این برکات شکر می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۱۹) غیث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الہی: جناب شہید سوار فہمی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.
عنوان واقعہ: برطرف شدن مشکلات ازدواج با توسل بہ حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعہ: خانم (الف.م) در رابطہ با مشکل ازدواج برادرشان (کہ با توسل بہ حدیث آسمانی کساء) برطرف گردید، این واقعہ را کہ این چنین نقل می کنند:

برادرم برای ازدواج روی دختری نظر داشت کہ بہ هیچ وجہ آن دختر و خانواده اش با ما و ارزشهای خانوادہ ما مطابقت نداشتند.

وقتی عنوان کرد کہ قصد دارد کہ با چہ کسی ازدواج کند مادرم بسیار از این انتخاب ناراحت شد و نارضایتی خودش را اعلام نمود. ہم چنین من و خواہرہایم ہم وقتی متوجہ این انتخاب شدیم بہ ایشان گفتیم کہ این انتخاب صحیح نیست باید کمی عاقلانہ تر تصمیم بگیرد.

در پی این مخالفتها مشکلات در خانوادہ ما شروع شد؛ و روز بہ روز نیز افزایش می یافت، برادرم طوری شدہ بود کہ فقط خانوادہ آن دختر برایش مهم بودند، و وقتی ہم کہ مادرم با زبان خوش با او صحبت می کرد پی تأمل روی خواستہ اش پافشاری می کرد، وقتی ہم کہ ما با او صحبت می کردیم تازہ مخالفت او شدیدتر می شد، برای منصرف کردن ما حتی گاهی

اوقات غذا نمی خورد و مدتها از اتاقش بیرون نمی آمد. این مخالفتها و اوضاع نابسمان در منزل ما ادامه داشت تا اینکه یک روز برادرم با بنده تماس گرفت و گفت: حالا که شما به خواسته و انتخاب من اهمیت نمی دهید من هم یک کاری دست خودم می دهم و ما را به خودکشی تهدید کرد.

وقتی این جمله را از او شنیدم مثل اینکه دنیا بر روی سرم خراب شد و شروع به گریه کردن کردم و مولا صاحب الامر (منه السلام) را صدای کردم در همین حین به دلم افتاد که برای برطرف شدن مشکل شروع به خواندن حدیث شریف کساء کنم و همان وقت با همان حالت دل شکستگی و تضرع به خمسه طیبه عَلَيْهِ السَّلَامُ متوسل شدم و از این ذوات مقدسه خواستم که این مشکل بخوبی برطرف شود.

ولی از نظر ظاهری بالاخره ناچار شدیم که قرار خواستگاری بگذاریم و به منزل خانواده دختر رفتیم. با وجود اینکه مدتها آرزوی ازدواج تنها برادرم را داشتم ولی برای رفتن به خواستگاری اصلا خوشحال نبودم. بعد از جلسه خواستگاری هم هر چقدر با برادرم صحبت کردیم فایده ای نداشت و وخامت اوضاع بدتر می شد.

من که می دیدم مادرم هر روز ناراحت و گریان است و بعد از اینکه ۱۴ سال از فوت پدرم می گذرد چقدر برای ما زحمت کشید تا بزرگ شویم و حالا که باید نتیجه زحماتش را ببیند همه چیز برعکس شده است. من به توسل خود به حدیث شریف کساء ادامه دادم تا اینکه در شب

شهادت حضرت زهرا عليها السلام که در حسینیه امام حسین عليه السلام مراسم عزاداری و توسل برگزار می شد، با نیت وارد مجلس شدم و در هنگام عزاداری دلم شکست و حضرت زهرا عليها السلام را صدا زدم و ایشان را به پهلوی شکسته شان قسم دادم که این ماجرا به خوبی و دل خوش به پایان برسد.

روز بعد آن خانواده دختر از ما خواستند که برای آشنایی دو خانواده به گردش دسته جمعی سفر برویم ما هم قبول کردیم.

بعد از بازگشت از سفر برادرم همه ما را صدا کرد و به طور غیر قابل باوری گفت که من در انتخابم اشتباه کرده ام! و وقتی که می دیدم شما انقدر برای آینده و زندگی من ناراحت هستید و از طرفی علاقه ام به آن دختر و خانواده اش را می دیدم در کار خودم سرگردان شده بودم و تصمیم گرفتم که به حدیث قدسی کساء متوسل شوم تا گره از کارم باز شود، و اهل بیت عليهم السلام خودشان راه درست را به من نشان دهند، و الان می بینم که هیچ علاقه ای از آنها در دلم نیست! و فهمیدم که انتخاب صحیحی نداشته ام.

و خلاصه به برکت حدیث نورانی کساء این ماجرا ختم به خیر شد و بدون هیچ مشکلی برادرم و خانواده از این بلا نجات یافتند.

والحمد لله رب العالمین

۲۲۳) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم - حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام - حوزه معارف

الهی: حضرت معصومه علیها السلام

عنوان واقعه: فراهم شدن ازدواج و شغل با شرایط مناسب و حل مشکلات مالی به برکت توسل با حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (م. ش) تجربه خود از درک برکات توسل بوسیله حدیث کساء را اینطور تعریف می کنند:

بنده مشکلات متعددی داشتم؛ پدرم فوت کرده بود مادرم نیز سخته مغزی کرده بود، و به علت مشکلات مالی مجبور بودم که در کنار درس خواندن کار کنم؛ و تحصیلات دانشگاهم را نیز ادامه می دادم. خانه ملکی هم نداشتیم؛ و عاقبت بعد از مدتی اجاره نشینی؛ به علت پیدا نکردن خانه ای با اجاره بهای مناسب؛ به خانه پدر بزرگم رفتیم؛ و به همراه خانواده دایی ام؛ هر سه خانواده در یکجا و یک منزل زندگی می کردیم، و این امر خود مشکلی دیگر بود.

بعد از اتمام دوره دانشگاه؛ کاری که مربوط به رشته تحصیلی ام باشد پیدا نمی کردم؛ و از طرفی با مشکلات مالی در اداره امور خانه هم درگیر بودم. از توفیقات و عنایات خداوند که نصیبم شده بود؛ آشنایی با دروس و مطالب حوزه های معارف الهی بود، که از طریق دوستم (که مشغول به تحصیل در یکی از حوزه معارف الهی بود و همزمان تدریس نیز می کرد)

آنها را دریافت می نمودم، و مرتبا با آن حوزه ارتباط داشتیم، و درسها و مطالب بسیاری را در زمینه های مختلف از طریق ایشان آموختم، و ایشان برایم کاری نیز در ارتباط با رشته تحصیلیم پیدا کردند؛ اما موقت بود؛ و مشکلاتم همچنان باقی بود.

از مطالبی که از طریق این حوزه معارف الهی یاد گرفتم؛ برکات حدیث شریف کساء و فواید توسل معنوی به واسطه این حدیث قدسی بود، همچنین توصیه هایی که از بزرگان و علمای دینی در درك عظمت این حدیث آسمانی و نحوه توسل بدان رسیده بود، از جمله در کتاب "حدیث کساء و آثار شگفت" توصیه مرحوم آیت الله بهجت را مطلع شدم، در مورد دخترانی که خواستگاری دارند، اما به دلایلی این خواستگاریها منجر به ازدواج نمی شود، که برای رفع موانع و فراهم شدن زوج مناسب؛ توصیه نموده بودند که پنج شب جمعه عبا روی سر دختر بیاندازند و حدیث کساء را بخوانند.

بنده هم از ساعتی مناسب برای استجاب دعا در شب جمعه؛ این ختم را شروع کردم عبايي را که در خانه داشتیم به سرم می انداختم و این حدیث شریف را می خواندم، و به ائمه اطهار عليهم السلام و حضرت زهرا عليها السلام متوسل می شدم، البته در میان ختم و هفته ها؛ چند بار بین آن فراموش می کردم، ولی دوباره از اول شروع کرده و آنرا می خواندم.

وقتی این ختم را توانستم که مرتب انجام دهم؛ در سومین هفته از خواندن حدیث کساء؛ خواستگاری برایم آمد که شرایطی که مد نظرم

بود را دارا بود، و ازدواج مناسب فراهم شد، و در پی آن نیز کاری هم در همان شهری که ایشان کار می کنند برایم پیدا شد. و الحمدلله الان چند ماه از ازدوایم می گذرد و کاملاً راضی هستم، و موقعیت مالی همسر من نیز طوری است که تأمین مخارج زندگی من را نموده، و من می توانم از درآمد به مادر و خواهرم نیز کمک کنم.

و خلاصه اینکه به برکت این حدیث آسمانی و توسل بوسیله آن؛ نگرانی ها و مشکلاتم برطرف شد.

والحمدلله رب العالمین

(۲۳۱) غیاث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزة

معارف الهی: جناب زهیر بن قین رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: حل مشکلات خرید مسکن و فراهم شدن شغل مناسب با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ع) واقعه زندگی شان را که با مشکلاتی همراه بوده است و به برکت مداومت بر تلاوت حدیث قدسی کساء برطرف شده است را این چنین بیان می کنند

مدتی بود که گرفتاری های بسیاری بر ایمن بوجود آمده بود از جمله آنها این بود که: برای ادای بدهکاری هایی که داشتیم قصد کردیم که منزل مان که سه طبقه بود را دو طبقه از آن را بفروشیم تا بتوانیم هم بدهکاری هایمان را بدهیم و بعد با باقی مانده پول آن منزل دیگری تهیه کنیم.

یک روز در کلاس معارف الهی وقتی وقایع غیاث الاولیاء فی التوسل بحدیث الکساء بر ایمن خوانده شد و از عظمت و بزرگی و شرافت این حدیث شریف سخن به میان آمد و اینکه چه اتفاقات و وقایعی در آن روز افتاده است که این حدیث دارای این عظمت شده تصمیم گرفتم که برای حل مشکلاتم به پنج تن آل عبا علیهم السلام متوسل شوم و با پناهنده شدن به ساحت مقدس آنها به حاجتم نائل شوم.

از فردای آن روز شروع به تلاوت این حدیث نورانی کردم در حین

خواندن آن در فاصله کوتاهی هر دو طبقه از منزلان به فروش رسید و من هم در این مدت به خواندن آن ادامه می دادم تا اینکه اسباب خرید یک منزل مناسب هم برایمان فراهم شد.

هم چنین به دلیل اینکه در منزل کاری کردم با فروش و جابجایی منزل شغلم را از دست دادم ولی از درگاه خداوند متعال نا امید نشدم و دو مرتبه روزانه به خواندن این حدیث شریف ادامه دادم تا اینکه بطور غیر قابل باوری (با توجه به جابجایی منزل و نبود بازار کار در منطقه جدید) توانستم کار جدیدی را در منزل شروع کنم و همه اینها را از عنایات و نظر توجه اهل بیت علیهم السلام بر زندگی ام می دانم، و از آن روز به بعد خواندن حدیث شریف کساء را روزانه به همراه تلاوت قرآنم انجام می دهم، و در همه مسائل و مشلات زندگی ام به پنج تن آل عبا علیهم السلام متوسل می شوم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۳۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام، حوزه معارف

الهی: جناب عبد الله بن جندب رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: شفای بیماری مزمن و دردناک با نذر برقراری مجلس حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (ا.ا) از دانشجویان معارف الهی واقعه خود را از درک برکات مجلس حدیث کساء اینچنین شرح می دهد:

پسری دارم که چند سالی هست که ازدواج کرده و صاحب زن و بچه می باشد. حدودا از ۱۱ ماه قبل به علت پادردی که داشت به دکتر مراجعه کرد؛ و از پاهای او عکس برداری کردند، گفتند که هیچ مشکلی نداری. اما حالش روز به روز بدتر می شد طوری که اصلا از درد نمی توانست راه برود؛ و در منزل بستری شده بود، و کار هم نمی توانست برود. به بسیاری از دکترها مراجعه کردیم، و انواع آزمایشات و سونوگرافی ها را انجام داد، تا فهمیدند که شن کلیه دارد و درد پایش هم از آن است، اما درمانهای آنها نیز هیچ کدام جواب نداد. حالش سخت شد، طوری شده بود که حتی برای قضای حاجت خود مشکل پیدا کرده بود، و از ترس این موضوع غذا نمی خورد. حدودا ۳ ماه آخر حالش بدتر شد، بطوریکه فقط می خوابید.

آنقدر در این مدت متوسل به هر کدام از حضرات معصومین علیهم السلام شده بودم که دیگر روی نداشتم کسی از ایشان را صدا بزنم، تا اینکه در مجلس حدیث کسایی (که در حوزه معارف الهی نزدیکی منزلان روز سه شنبه بعد از ظهرها برگزار می شد) حاضر شدم، در آنجا با معارف الهی از جمله برکات حدیث آسمانی کساء آشنا شدم، و همانجا متوسل به اصحاب کساء علیهم السلام شدم، گفتم خدایا به حق این پنج بزرگوار؛ تا مجلس بعدی که شرکت می کنم پسرم خوب شود، و نذر کردم هفته بعد مجلس حدیث شریف کساء را در منزل خودش برگزار کنم، و بعد از این دعا سه صلوات فرستادم.

همان شب که از مجلس توسل برگشتم خانه، پسرم حالش بدتر شد پس از ساعتی شنهای کلیه ای که داشت دفع شد، و روز بعد حالش به کلی خوب شد، طوری که بعد از این همه مدت که بستری و زمینگیر بود؛ بهبود یافته و به کارش بازگشت؛ به ۲۴ ساعت هم نکشید که حالش خوب شد. هفته بعد مجلس حدیث شریف کساء را در منزل پسرم برگزار کردیم، و از بیشتر همسایه ها دعوت کردیم، و شور و شوق خاصی بود، و خیلی خوشحال بودم، و این واقعه باعث شد که از آن به بعد؛ اولین نفر باشم که وارد مجلس حدیث کساء می شوم، و تقریباً آخرین نفر از آن مجلس برگردم، و به برکت این عنایت؛ جلسات هفتگی حدیث کساء هم شلوغتر شد، و اعتقاد به اصحاب کساء علیهم السلام قویتر گشت.

والحمد لله رب العالمین

(۲۴۳) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیہ السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہیدہ زوجہ وھب بن عبداللہ رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعه: از بین رفتن بیماری بدخیم با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (م.ن) واقعه بهبودی خود را این گونه بیان می کنند:

مدتی بود کہ دردهای شدیدی در ناحیہ زیر شکم داشتم و علتش را متوجہ نمی شدم بخاطر همین برای تشخیص آن بہ پزشک مراجعہ کردم، وقتی معاینہ توسط پزشک انجام شد پیشنهاد سونوگرافی داد، بعد از چند روز برای انجام سونوگرافی کہ رفتم بعد از انجام معاینہ و عکس، پزشک با کمال تعجب گفت کہ: تا بہ حال تودہ ای بہ این شکل ندیدہ ام! تودہ ای بزرگ ہمہ رحم شما را فرا گرفته است و آنچه در سونوگرافی دیدہ شد از نوع بدخیم آن است.

من کہ با شنیدن این حرف تمام وجودم را اضطراب و نگرانی فرا گرفته بود از پزشک پرسیدم کہ حالا باید چکار کنم؟ پزشک گفت کہ: دوراہ برای از بین بردن این تودہ وجود دارد: یا برداشتن آن و یا انجام عمل شیمی درمانی؛ کہ راهکار اول جواب خوبی نمی دہد و بہترین آن انجام شیمی درمانی است.

همچنین از توصیه های پزشک این بود کہ این دو ہفتہ نباید حرکتی

داشته باشم و الا توده در بدن پخش می شود و همه بدن را گرفتاری کند. با شنیدن این جملات مثل اینکه همه دنیا بر روی سرم خراب شد و قدرت تکلم و حرکت از من گرفته شد و نمی دانستم که حالا چکار باید بکنم؟! من که در سنین جوانی به سر می برم با یک فرزند کوچک به کجا پناه ببرم!؟

بعد از آن پزشک یکسری دارو داد و گفت: اینها را مصرف کنید و دو هفته دیگر برای معاینه مجدد و انجام شیمی درمانی آماده شوید. هر طوری شد خودم را به منزل رساندم و به اهل منزل هم در این باره صحبتی نکردم.

من که می دانستم درمانهای طب رایج برای درمان اینگونه موارد به بن بست رسیده است و بعضا هدفی جز بیمار نگه داشتن شخص ندارد، سعی کردم بی اعتنا به صحبتهای پزشک شوم. اما نگرانی حاصله از معاینه و نظر محکم آن پزشک مرا رها نمی کرد، ولی ناگهان نشانه هایی از امید در دلم احساس کردم و به خاطر آوردم که این چند سالی که توفیق بهره مندی از دروس و مجالس معارف الهی را داشته ام یاد گرفته ام که هر وقت مشکلی داشتیم به مولا صاحب الامر (منه السلام) و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام پناهنده شویم و از آنها برای برطرف شدن مشکلات استعانت بجوییم زیرا که آنها وجه الله متعال هستند و همه عوالم وجود از هستی آنها هستی یافته است.

به خاطر همین از همان روز شروع کردم به توسل؛ و حدیث قدسی کساء

را چندین بار در روز با حالت حزن و بکاء تلاوت می کردم، و از پنج نور مقدس می خواستم که خودشان از من حقیر دستگیری کنند. بعد از اینکه دو هفته گذشت طبق موعد قبلی برای انجام معاینه به نزد پزشک رفتم، وقتی پزشک مجدداً سونوگرافی را انجام داد؛ و با عکس دو هفته قبل مقایسه کرد، گفت: باورم نمی شود شما همان شخصی باشید که دو هفته پیش توده ای به این بزرگی و وخامت در رحمتان بوده است و حالا هیچ اثری از آن نباشد!

من که بسیار از این خبر خوشحال شدم در همان لحظه مولایم را برای اینکه بار دیگر نظر لطف و عنایت آنها شامل حالم شده است شکر گفتم.

والحمد لله رب العالمین

(۲۴۷) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده هفتم، حسینیه حضرت امام کاظم علیه السلام، حوزه معارف

الهی: علی بن یقظین رضی الله عنه از اصحاب امام هفتم علیه السلام

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل چند ساله شغلی و تغییر مکان و نوع شغل به برکت حدیث شریف و قدسی و آسمانی کساء

شرح واقعه: آقای (ع. ر. ه) از اساتید تعلیم تجوید قرآن است، واقعه خود را اینچنین شرح می دهد:

چند سالی بود که به دنبال بازنشستگی و یا تغییر محل و شرایط کاری و شغلی خود بودم، و از راهها و با روشهای مختلفی نیز برای تحقق آن اقدام کرده بودم ولی با آن موافقت نمی شد.

از اینکه این موضوع تاکنون عملی نشده بود خیلی ناراحت بودم، تا اینکه به ذهنم رسید به ارض اقدس رضوی علیه السلام مشرف شده، و پس از عتبه بوسی و زیارت و تجدید بیعت با مولایم (صلوات الله علیه) در هر نوبت که اجازه تشریف عنایت فرمایند، در محل پشت سر مبارک حدیث شریف و آسمانی کساء را به نیت گره گشایی تلاوت نموده و ثوابش را به محضر مقدس مولایم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام اهدا نمودم، لذا پس از اعطای توفیق و صدور اجازه و فراهم نمودن مقدمات تشریف از ناحیه مولایم (صلوات الله علیه) نیت کردم و عرض کردم که بنده و عبد

هیچکاره است؛ منت بگذارید تا هر کدام وضعیتی به صلاح است میسر گردد، چرا که هر چه مولا بخواهد برای بنده خودش؛ همان گزینه بهترین و اعلاست برای او. که: طوبیٰ إِنْ قَبِلْتُمُونِي عَبْدًا. بنابراین مطابق نیت در ایام تشریف مشغول تلاوت آن حدیث شریف و مبارک و آسمانی شدم. بعد از اخذ رخصت و بازگشت از عتبه بوسی و مراجعت به شهر خود؛ تنها پس از چند روز؛ مانع چند ساله آن برطرف گشت و شرایط و امکانات تغییر شرایط شغل و محل کاری با معادلات الهی حضرت وجه اللہی (منه السلام) به سهولت و به نحوی شایسته فراهم شده؛ و موضوع به طریقی سهل و آسان ممکن و عملی شد.

مولا را شاکرم که با همه خطاها و ناسپاسیها و نمک نشناسیهایم؛ لطف و محبت و توجهش را از بنده سراپا تقصیر خود دریغ نمی فرماید.

در پایان تبرک و تیمن می جویم به بخشی از ترجیع ۱۲ بند علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته اللہ علیہ در شرح فارسی منظوم حدیث قدسی کساء که با نام "أنوار السماء في أسرار حدیث الكساء" با تحقیق و تصحیح توسط بنیاد حیات اعلی منتشر شده است و این شرح منظوم حاوی نکات و اسرار مهمی از حدیث کساء می باشد:

یا اله المهیمن التَّوَاب = رَبَّنَا یا مفتح الأبواب

أَنْتَ کَهْفِي بِكُلِّ حَادِثَةٍ = حَسْبُنَا رَبَّنَا مِنَ الْأَرْبَاب

ای خدا ما همه گدای توایم = حلقه بر در به انتظار جواب

نکند عَفْوَتِ از تدارک ما = کشتزار عمل شده است خراب

گَرَمَتِ چُون کِه هسْت عذر پذیر = فارحم العبد من إلیه أَناب
 عرض حالی است ما غریبان را = بر جَنَابَتِ کُنُون چِه شیخ وچِه شاب
 لایق درگه غنای تو نیست = هدیه؛ تا کنیم کسب ثواب
 جز وِلا و محبت این پنج = کز کساء بر جبین گرفته نقاب
 می دهیمت قسم به دندانی = در اُحُد شد به سنگ کینه مصاب
 یا به آن معجری که در وصفش = نقش امکان بود خطی ز کتاب
 حقّ فرقی که شد ز خونش سرخ = دامن ذوالجلال در محراب
 حرمت کنز راز قلب حسن = که شد از شعله های زهر کباب
 به حسین که شد برون از گون = سوی توحید کرد پا به رکاب
 بحر وحدت ز نحر حلقومش = مات و لرزان بماند همچو حباب
 أَن تُصَلِّي صَلَاتِكَ الدَّائِمِ = عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ الْأَطْيَابِ
 بعد از این ذکر خاص عرض دعاست = حقّ کشتی مجمع الاقطاب
 جمله دوستان و بلخی را = از غم و موج فتنه ها دریاب
 ساز ما را ز خیل حزب الله = پس ظفر ده بر جمله احزاب
 پنج تن را سه وقت حاضر کن = در دم مرگ و قبر و روز حساب
 ما و دیدار دوست در همه حال = زاهد و حور و جنت و اعناب

حضرت مولا (منه السلام) توفیقات آن سید بزرگوار و کریم که حقیر را
 به توسل و معرفت آن ذوات مقدسه و انوار الهیه ﷺ رهنمون نمود هر
 لحظه افزون فرموده و به ایشان عافیت و نورانیت بیشتر عطا فرماید.

آمین یا رب العالمین
 والحمد لله رب العالمین

(۲۵۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الہی: جناب عمار ازدی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام
عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل تهیه مسکن با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم سیدہ (ز.م) که از دانشجویان حوزه معارف الہی است واقعه برطرف شدن مشکل مسکن یکی از اقوامشان را با توسل به پنج نور مقدس علیہم السلام اینگونه بیان می کنند:

روزی به منزل یکی از اقوام نزدیک رفتم دیدم که ایشان ناراحت و پریشان هستند؛ وقتی علت را جویا شدم گفت که:

دو روز است که صاحبخانه به ایشان گفته که: باید منزل را ظرف مدت سه روز تخلیه کنند؛ در حالیکه سه ماه دیگر هنوز تا پایان قراردادشان وقت باقی است، و الان با توجه به اینکه در فصل زمستان هستیم؛ نمی دانیم که کجا باید برویم.

در مجتمع مسکونی خودشان هم سراغ گرفته ایم؛ ولی همه برای فروش گذاشته اند و کسی اجاره نمی دهد.

از طرفی این چند روزه هر جای دیگر که سراغ خانه گرفته ایم؛ اجاره ها بسیار بالا بوده، و توان پرداخت آن را نداشته ایم.

وقتی حالت پریشان و ناراحت ایشان را دیدم با توجه به اینکه چند سالی

است در مجالس دروس معارف الهی شرکت می‌کنم و مرتب از عظمت این حدیث نورانی سخن به میان می‌آید، و به عینه خودم شاهد بوده‌ام که افراد بسیاری با توسل به حدیث شریف کساء به حاجات خود رسیده‌اند؛ ازین رو بلافاصله به ایشان پیشنهاد دادم که:

تا پیدا شدن مورد مناسب برای سکونت، شروع به خواندن این حدیث شریف و با عظمت کند.

دو روز بعد وقتی با ایشان تماس گرفتم؛ دیدم که بسیار خوشحال بود؛ و گفت که: از همان شب که شما به من سفارش این نوع توسل را نمودی؛ من نیت کردم و شروع به خواندن حدیث شریف کساء کردم؛ و بلافاصله؛ به طور غیرقابل باور؛ در همان مجتمع خودمان که الان سکونت داریم؛ در همان طبقه که منزل ماست؛ در واحدی دیگر؛ یک منزل مناسب برای اجاره پیدا کردیم.

الآن حدود دو هفته است که آنها به منزل جدید اسباب‌کشی کرده‌اند. ایشان در میان صحبت‌هایش بیان می‌کرد که: قبلاً شناخت کاملی از این حدیث نورانی نداشته؛ و الان بحمدالله با عنایت اهل بیت علیهم‌السلام توانسته معرفت بیشتری به این حدیث شریف پیدا نموده، و هم به صورت مرتب آنرا تلاوت کند.

والحمد لله رب العالمین

(۲۶۷) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهید سوار فهمی رحمته الله از اصحاب امام سوم علیه السلام.
عنوان واقعه: برطرف شدن مشکل مسکن با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.ن) واقعه فوق را اینگونه بیان می کنند:

به حول و قوه الهی چند ماهی است که هر هفته حدیث شریف کساء در منزلمان برگزار شده است و از این بابت خداوند متعال را شاکرم و اقرار می کنم، که اگر روزی بتوانم شکر نعمتهای دیگر را بجا بیاورم اما شکر این یک نعمت را نمی توانم به جا بیاورم، و اگر تمام روز و شب را سجده کنم نمی توانم حق مطلب را ادا کنم. واقعه فوق درباره حل مشکل یکی از همسایگانمان ماست، ماجرا از این قرار بود که:

روزی به اتفاق خانم همسایه برای جلسه انجمن اولیاء مربیان مدرسه پسرانمان قرار شد که با هم مدرسه شان برویم، در راه برگشت خانم همسایه با من درد و دل کرد، و گفت که: وقت اجاره خانمان تمام شده است و با این مبلغی که الان کرایه می دهیم؛ دیگر جای دیگری برایمان پیدا نمی شود، و همسرم دارای شغل آزاد است؛ و با مغازه استیجاری کار آشپزی انجام می دهد، و درآمد ما همه اش برای اجاره منزل و یا مغازه می رود؛ و چیزی برای مخارج دیگر نمی ماند، چه برسد به افزودن اجاره بها،

علاوه بر اینها با سه فرزند پسری که دارم به هر جا که مراجعه می کنم صاحبخانه قبول نمی کند که به ما خانه اش را اجاره بدهد.

وقتی که دیدم ایشان نقدر مضطرب و ناراحت است؛ به او پیشنهاد دادم که بوسیله حدیث شریف کساء به حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام متوسل شود و مواردی را که در کتاب "غیاث الاولیاء فی التوسل بحدیث الکساء" آمده بود؛ و شرح احوال افرادی که حاجت گرفته بودند را برایش تعریف کردم، و گفتم از امشب شما برای این مشکلاتان با تلاوت حدیث کساء متوسل شوید.

برایش جای تعجب داشت که این افراد با چنین مشکلاتی با توسلی که داشته اند به حاجات خود رسیده اند. ولی با دیدن اطمینان من و شنیدن آن موارد از تجارب؛ بالأخره ایشان قبول کرد و گفت که ان شاء الله از امشب ختم را بر می دارم.

چند روز بعد ایشان با من تماس گرفت و دیدم که خوشحال است، و گفت که: همان شبی که ختم حدیث کساء را برداشتم فردایش به بنگاه مسکن مراجعه کردم و یک منزل مناسب با اجاره پایین (بدون نیاز به اجاره بیشتر) برایمان فراهم شد، و صاحب خانه هم با تعداد فرزندانم مشکلی نداشت، و خدا را شکر چند روز دیگر به آن محل اسباب کشی می کنیم.

والحمد لله رب العالمین

۲۷۹) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید بریر بن خضیر رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام
عنوان واقعه: فراهم شدن تمکن مالی برای تهیه وسیلہ نقلیہ از برکت
توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ل.آ) واقعه را این گونه نقل می کنند: تقریباً نزدیک بہ
دو سال است کہ با دروس معارف الہی آشنا شدہ ام و مولا (منہ السلام)
را شاکرم کہ مرا با این مسیر نورانی آشنا نمودہ و لیاقت حضور در مجالس
درس و توسل را بہ بندہ و خانوادہ ام عنایت فرمودہ اند.

از زمان آشنایی من با معارف ناب اہل بیت علیہم السلام تغییرات زیادی را در
زندگی ام مشاہدہ می کردم کہ هیچ گاہ در باورم نمی گنجید.

ہمراہ ہمسر و فرزند کوچکم ہر ہفتہ در مجلس توسل در محل حسینیہ
شرکت می کردیم و بسیار بہ آنها علاقمند بودیم، ولی از آنجا کہ ما در
شہرستانی دیگر سکونت داشتیم؛ فلذا مسافت زیادی را باید طی می
کردیم تا بہ حسینیہ برسیم، و طی این مسافت با موتور (خصوصاً در
فصل زمستان) برای ما مشکل سازی شد؛ و بہ سبب سردی هوا توفیق
حضور و بہرہ مندی از مطالب از ما گرفتہ می شد.

ہر چہ تلاش می کردیم تا اسباب خرید یک وسیلہ نقلیہ فراہم شود ولی
امکان خرید آن از لحاظ ہزینہ برای ما مقدور نبود، و در کار تهیه خودرو

با مشکلات زیادی روبروی شدیم، که ما را از فراهم شدنش منقطع می کرد.

با انتشار مرسولات "غیاث الاولیاء فی التوسل بحدیث الکساء" و خواندن آنها و نیز آنچه خودم در مجالس می دیدم که افراد بسیاری با توسل به این حدیث نورانی به حاجات مادی و معنوی خود نائل شده بودند، و همواره از عظمت این حدیث نورانی و برکات آن در مجالس توسل؛ صحبت می شد، نور امید خاصی احساس کردم؛ و به فکر عرض حاجت خود به حریم نورانی اهل کساء علیهم السلام گرفتم.

از این رو تصمیم گرفتم که به صورت مداوم چهل روز این حدیث شریف و با عظمت را تلاوت کنم و به اصحاب کساء علیهم السلام متوسل شوم. مشغول این ختم و توسل شریف شدم؛ هنوز چهل روز ختم به پایان نرسیده بود که با عنایت حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام اسباب خرید یک وسیله نقلیه فراهم شد؛ و توانستیم وسیله ای تهیه کنیم.

با دعا برای سلامتی حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) و الیه التسلیم) و توفیق بهره مندی از معارف ناب اهل بیت علیهم السلام برای همه پیوندگان طریق حقیقت. ان شاء الله

والحمد لله رب العالمین

(۲۹۱) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید نعیم بن عجلان رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیه السلام
عنوان واقعه: فراهم شدن مکان اقامت در سفر زیارت؛ در وقتی که نیافتہ بودیم.

شرح واقعه: خانم (م.ا) واقعه فوق را اینگونه نقل می کنند:

مدتی قبل با تعدادی از دوستان خانوادگی مان تصمیم گرفتیم کہ بہ برای زیارت بہ پابوس ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شویم. قبل از سفر برای تهیه مکان مناسب، بہ زائرسراها و هتل های زیادی تماس گرفتیم ولی (بہ دلیل افزایش تعداد زائران و شلوغی این مکان مقدس) نتوانستیم مکان مناسبی تهیه کنیم.

با توکل بہ خداوند و استعانت از حضرات معصومین علیہم السلام بہ راه افتادیم. بعد از طی مسیر و رسیدن بہ مشهد مقدس توانستیم یک اتاق کوچک بہ طور موقت پیدا کنیم ولی بہ دلیل اینکہ تعدادمان زیاد بود باید باز ہم بہ دنبال مکان مناسب می گشتیم.

همسرانمان برای تهیه منزل بہ بیرون رفتند و ما در منزل موقتی ماندیم تاظہر آن روز ہرچہ با آنها تماس می گرفتیم نتوانستہ بودند کہ مکان مناسبی برای اقامت پیدا کنند.

در ہمین حین ناگهان بہ ذہنم خطور کرد کہ ہمگی شروع بہ خواندن

حدیث شریف کساء کنیم و به پنج تن آل عبا علیهم السلام متوسل شویم. همگی شروع به خواندن این حدیث با عظمت کردیم؛ بلافاصله پس از اینکه تلاوت این حدیث به پایان رسید همسرم تماس گرفت و گفت که توانسته اند مکان مناسبی برای اقامت پیدا کنند. همگی ما از اینکه بلافاصله بعد از تمام شدن تلاوت حدیث شریف کساء مشکلمان برطرف شد؛ متعجب شدیم، و خداوند متعال و حضرات معصومین علیهم السلام خصوصا مولایمان علی بن موسی الرضا علیه السلام را به خاطر این لطف بزرگ شکر گزاریم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۰۳) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید بشر حضرمی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن اختلاف زناشویی با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (م.م) واقعہ مشکل زندگی پسرشان را اینگونه نقل می کنند:

دو سال پیش پسر من با دختری ازدواج کرد و بعد از گذشت یک سال از زندگی مشترکشان؛ هر روز شاهد اختلاف میان آن دو زوج بودیم، و عروسم با بهانه جویی هایی که می کرد و خواسته های نامعقولی که داشت؛ پسر من را تحت فشار گذاشته بود، و آخر هم به منزل پدرش رفته بود و اظهار به تقاضای جدایی می کرد. سپس وضع شدت پیدا کرد؛ و رسماً تقاضای طلاق و موضوع جنبه قضایی پیدا کرد.

ما در این مدت در دادگاه خانواده مشغول به گرفتاری های زیادی شده بودیم، و همگی دچار ناراحتی روحی شدیدی شده بودیم.

از طرفی هم مبلغ مهریه بسیار بالا بود؛ و پسر من توان پرداخت آن را نداشت.

آنوقت تازه به کلاسهای معارف الہی راه یافته بودم، و در آنجا شاهد بودم که در ابتدای هر جلسہ حدیث با عظمت کساء تلاوت می شد، همین

اینکه ناظر بودم که افراد بسیاری با توسل به این حدیث نورانی به حاجات مادی و معنوی خود نائل شده و نقل تجارب خود می کردند. در اولین جلسه برای شروع تلاوت حدیث کساء مسؤؤل حوزه معارف الهی گفتند که: از همین جلسه اول نیت کنید ابتدا برای فرج مولایمان حضرت صاحب الامر (منه السلام) و بعد حاجات خودتان، ان شاء الله که به برکت این حدیث نورانی و با توسل به پنج تن آل عبا علیهم السلام برآورده به خیر می شود.

من هم در همان جلسه نیت خواندن چهل روزه این حدیث را کردم که با استعانت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مشکل فرزندم برطرف شود.

دقیقا بعد از پایان چهل روز (در کمال ناباوری همه) به طور معجزه آسای شاهد بودیم که عروسم خودش به منزل مراجعت نمود، و اظهار به ندامت و پشیمانی کرد، و گفت که دیگر هیچ مهریه ای نمی خواهم و می خواهم که به زندگی مشترکمان ادامه دهم.

و نتیجه این توسل برای من و خانواده ام معجزه ای بزرگ بود. حضرات معصومین علیهم السلام را شاکرم که مرا به این مسیر نورانی دعوت نمودند.

والحمد لله رب العالمین

(۳۱۵) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید سوار فہمی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن مشکل تہیہ مسکن با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (زن) کہ چند سالی است با دروس معارف الہی آشنا شدہ، مشکل خود را کہ با توسل بہ حدیث با عظمت کساء برطرف شدہ است این چنین نقل می کند:

از برکت شرکت در مجالس دینی با عظمت حدیث شریف کساء و آثار و برکات آن آشنا شدم، و بہ برکت توسل بہ پنج نور مقدس و شرکت در مجالس قرائت این حدیث شریف؛ موانع و مشکلات متعددی در زندگی برطرف شدہ است. از جملہ آنها این واقعہ است:

مشکلی کہ اخیراً برایمان پیش آمدہ بود مشکل مسکن بود، بہ خاطر این کہ منزلان در دست ساخت است و فعلاً در منزل اجارہ ای زندگی می کنیم، صاحبخانہ ما با تمدید قرارداد اجارہ موافق بود تا این کہ تصمیم بہ فروش منزل گرفت و از تمدید قرارداد اجارہ سر باز زد، و از ما خواست کہ در موقع مقرر قبلی خانہ را تخلیہ کنیم، با توجہ بہ اینکہ یک ماہ تا پایان قرداد ماندہ بود و منزل خودمان ہم آمادہ نبود؛ و از طرفی چون امکان جابجایی بہ محل دیگر را نیز نداشتیم، در یک وضعیت بحرانی قرار گرفتیم.

بخاطر همین مشکل پیش آمده؛ خیلی ناراحت بودم، به فکر بهره مند شدن از تعالیم دریافتی در مجالس معارف الهی افتادم، در آموخته های معرفتی یاد گرفته بودم که وظیفه ما همه بندگان تنها بندگی است، اما اداره امور بندگان و تأمین نیازها و رفع مشکلاتشان به عهده مولا است.

من و خانواده ام در مشکل قرار گرفته بودیم و باید به مولا یم پناه می بردم، همان موقع به حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) متوسل شدم و تصمیم گرفتم برای برطرف شدن این مشکل تا چهل روز حدیث شریف کساء را بخوانم.

از همان موقع شروع به انجام نذر کردم و هر روز حدیث شریف کساء را خواندم، تقریباً یک هفته بعد منزلی که در آن ساکن هستیم فروخته شد، اما مجبور به تخلیه منزل نشدیم! چون به عنایت مولا علیه السلام و به برکت حدیث کساء؛ خانه به فردی فروخته شده بود که تصمیم به سکونت در این منزل را نداشته؛ بلکه از خود ما خواست که قرارداد اجاره را با ایشان تمدید کنیم.

با توسل به اهل بیت علیهم السلام و پناهنده شدن به آن حضرات مشکل مسکن ما به نحو خیلی خوبی برطرف شد. بخاطر این همه لطف و عنایت که از ناحیه او همیشه در زندگیمان احساس می کنیم؛ مولا علیه السلام را شاکرم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۲۷) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم، حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف

الهی: جناب عمرو بن عبدالله جندعی رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعه: فراهم شدن همسر با اوصاف مورد نظر برای ازدواج با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: خانم (ف.س) واقعه فوق را که در مورد یکی از دوستانشان است اینگونه بیان می کند:

هنگامی که به مجالس دروس معارف الهی راه پیدا کردم، با حدیث کساء و برکات و فضایل آن آشنا شدم.

همچنین در مجالس دروس معارف الهی آموخته بودم که ما انسانها در این دنیای پر از مشکلات و خطرات؛ تنها با توسل به معصومین علیهم السلام است که می توانیم از آنها جان سالم به در برده و در راه خدا ثابت قدم مانده و از مسیر هدایت خارج نشویم.

این آموخته ها نتایج عینی و تجربه های عملی برای خودم و آنانکه می شناختم داشت، از جمله آنها توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از طریق حدیث قدسی کساء بود که بوسیله آن توانستم همسر ایده آلی برای زندگی آینده ام پیدا کنم. این توفیقات الهی و نتایج روشن و سریع آن؛ مرا به نشر این معارف الهی و نقل این تجارب معنوی تشویق نمود.

تصمیم گرفتم که موضوع توسل به حدیث شریف کساء را با تعدادی از

دوستانم در میان بگذارم. یکی از دوستان بنام خانم (م.الف) در باورش نمی‌گنجید که بتواند با توسل به حدیث کساء به حاجات بسیار مهم و دست نیافتیش نائل شود، ولی با شنیدن تجارب یقینی من مصمم شده و به من گفت که شروع به خواندن آن می‌کند.

بعد از مدتی با او تماس گرفتم دیدم که بسیار خوشحال است؛ در میان صحبت‌هایش گفت: بعد از اینکه با من موضوع توسل به حدیث کساء را در میان گذاشتی شروع به خواندن آن کردم، و نذر کردم که از اول ماه محرم تا اربعین حسینی عاشوراء چهل روزی در پی آن را بخوانم تا به حاجتم برسم و الان خدا را شکر با عنایت اهل بیت علیهم‌السلام به حاجتم رسیدم.

از او درباره حاجتش پرسیدم اینگونه بیان کرد که: برای ادامه زندگی همیشه به دنبال مردی بودم که از لحاظ ایمان و اعتقاد مذهبی از خودم برتر باشد و هم چنین علاقمند بودم که شغل همسر آینده ام معلمی باشد که همانند شغل انبیاء علیهم‌السلام است تا بتوانیم در مسیر مولا (منه السلام) ثابت قدم تر باشیم. اما آنچه از خواستگاران مطرح می‌شد، با این توصیفات مطابقت نمی‌کرد بطوریکه این حاجت را برای من دست نیافتنی کرده بود، وقتی تو برکات این حدیث آسمانی را برایم شرح دادی و تجربیات خودت و دیگران را برایم گفתי مرا به توسل برای این حاجت مصمم نمودی. و بعد از یک اربعین توسل نتیجه بحمدالله حاصل شد و الان من با مردی ازدواج کرده ام که از لحاظ ایمان و اعتقاد دقیقاً مطابق ملاکهای انتخابی من بوده است و معلم نیز می‌باشد. والحمدلله رب العالمین

(۳۳۹) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید عبدالاعلی پیغمبر از اصحاب امام سوم علیه السلام

عنوان واقعہ: برطرف شدن مشکل تحصیلی و رفتاری کودک با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ط.ق) کہ از دانشجویان حوزہ معارف الہی است واقعہ برطرف شدن مشکل تحصیلی و رفتاری فرزندشان با توسل بہ پنج نور مقدس علیہم السلام را اینگونه بیان می کنند:

فرزندی دارم کہ در مقطع دبستان در حال تحصیل می باشد. از وقتی کہ وارد مدرسہ شد هیچ گونه علاقہ ای بہ خواندن درسہایش نداشت و درس خواندن و انجام تکالیف مدرسہ ہم برای او اصلا اہمیتی نداشت از همان ابتدای ورودش با مشکلات تحصیلی زیادی روبرو شد بہ حدی کہ معلم کلاس اول می گفت کہ: فرزند شما باید مجددا این مقطع تحصیلی را بخواند.

علاوہ بر مشکلات تحصیلی او کہ فکر و ذہن مرا بہ خود درگیر کردہ بود؛ اخلاق و رفتار او نیز برای خانوادہ مشکل ساز شدہ بود، و مرتب در حال لجبازی بود، و اگر چیزی را می خواست و بہ او نمی دادیم شاید ساعتہا گریہ می کرد.

برای حل این مشکلات بہ مراکز مشاورہ زیادی مراجعہ کردم ولی آنها

علیرغم تلاش‌هایشان موفق نبوده و من نتیجه‌ای از کار آنها نگرفتم. تا اینکه پس از آشنایی با فضائل و برکات نورانی حدیث کساء تصمیم گرفتم که به پنج نور آل عبا علیهم‌السلام متوسل شوم؛ و نذر کردم که چهل روز به صورت مداوم این حدیث نورانی را قرائت کنم، و از اهل بیت علیهم‌السلام بخواهم که مشکلات فرزندم با نظر توجه خودشان به زودی برطرف شود. با شروع به خیتیم حدیث کساء در همان حین خواندن این حدیث با عظمت؛ به وضوح دیدم که فرزندم بسیار آرام تر شده، کمتر لجبازی می‌کند و گریه‌هایش کمتر شده است. همچنین با تعجب دیدم خودش تکالیفش را می‌آورد و می‌نشیند که انجام دهد و از من می‌خواست تا به او کمک کنم. از آن به بعد به وضوح دیدم که نمراتش در مدرسه پیشرفت خوبی داشته و به درس خواندن علاقمند شده است. خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت را شاکرم که مرا با معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام آشنا نمودند تا بتوانم شناخت بیشتر و بهتری از این حدیث شریف داشته باشم. از آن به بعد که مشکلات فرزندم برطرف شد؛ همچنین تا کنون کرامات زیادی از این حدیث قدسی شامل حال بنده و خانواده‌ام گردیده، و لذا هنوز هم برای سلامتی مولا صاحب الامر (منه السلام) و پیشرفت بیشتر فرزندم در تحصیل بر خواندن این حدیث با عظمت مداومت دارم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۵۱) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام، حوزه معارف

الهی: جناب قیس بن مسهر صیداوی رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: فراهم شدن امکان زیارت سامرای غریب با توسل به حدیث شریف کساء.

شرح واقعه: خانم سیده (س.م) توسلی از مادرشان را برای باز شدن جاده

شهر سامراء برایشان در سفر عتبات عالیات اینگونه بیان می کند:

مدتی پیش مادرم برای زیارت حضرات معصومین علیهم السلام راهی سفر عتبات عالیات شدند. در روزی که کاروان برنامه ریزی کرده تا به زیارت حرمین عسکری و مهدوی علیهم السلام مشرف شوند، وقتی که به چند کیلومتری شهر سامرا می رسند با بسته بودن جاده و ترافیک عظیمی از وسایل نقلیه مواجه می گردند، با بررسی موضوع مطلع می شوند که نیروهای آمریکایی برای اذیت کردن کاروانهای ایرانی این کار را انجام داده و کاروانهای زیادی قبل از آنها رسیده چندین ساعت است که در اینجا معطل هستند. و مأمورینی که راه را بسته اند قصد دارند با معطل کردن زوار وقت محدود باز بودن ورود به منطقه حرم شریف به سرآمده تا آنها را زیارت مشرف نشده برگردانند.

بعد از مقداری معطلی مدیر کاروان اعلام می کند که: اگر این ترافیک به همین صورت ادامه داشته باشد مجبوریم که از راه آمده برگردیم و

متأسفانه نتوانیم که به زیارت این مکان مقدس نائل شویم. بعد از گفته مدیر کاروان همه مسافران با دیدن شرایط در آن لحظه ناراحت شده و به فکر برداشتن ختم ها و توسلات می افتند تا هرطوری شده رفع مانع شده و راه باز گشته و بتوانند این مکان مقدس را زیارت کنند. در این بین ناگهان مادرم در خاطرشان می آید که برای گشایش این مسئله به دامان خمسه طیبه آل عبا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ متوسل شده و حدیث شریف کساء را همگی مسافران تلاوت کنند، فلذا از مدیر کاروان می خواهد که وی به صدای بلند این حدیث با عظمت را تلاوت کند و او می پذیرد. هنگامی که تلاوت حدیث کساء شروع می شود همگی مشاهده می کنند یکباره راه باز و کم کم از حجم ترافیک پشت محل بستن جاده و ایست بازرسی کاسته شده و اتوبوسها از حالت توقف چند ساعته بیرون می آیند، و غیرقابل باور اینکه وقتی تلاوت به نیمه می رسد، اتوبوس در جاده با چنان سرعتی حرکت می کرده که برای همه مسافرین و خود مدیر کاروان آن لحظه و این اتفاق بسیار عجیب و دور از ذهن بوده و این امر تنها می تواند معجزه ای از برکات حدیث کساء باشد. و سرانجام توانستیم که به خوبی این مکان با عظمت را زیارت نمائیم. این واقعه تنها گوشه چشمی از لطف و عنایت این خاندان گرامی و صاحب کرم؛ بر ما بندگان محتاج به درگاه آنها می باشد.

والحمد لله رب العالمین

(۳۶۳) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

معارف الهی: جناب ابو ثمامه صائدی رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: نجات فرد بازداشت شده به برکت حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ش.ط) واقعه فوق را که در مورد یکی از بستگان نشان

اتفاق افتاده بود و به برکت حدیث قدسی کساء گشایش در آن حاصل

شده است را اینگونه نقل می کنند:

مهمانی دوره ای فامیلی ماهیانه بود و این ماه نوبت ما برای پذیرایی بود.

حدود ۶۰ نفر دعوت شده بودند. مهمانان یکی یکی از راه می رسیدند و

هنوز خانواده ای دو نفره از مهمانان شامل زن و شوهر جوان نیامده

بودند.

بعد از مدت زمانی دیدیم که خواهر یکی از آن زوج جوان که دیر کرده

بودند، بسیار مضطرب و نگران از این طرف به آن طرف می رود و گاهی به

کسی زنگ می زند.

علت نگرانی را جویا شدم (به این شرط که هیچ یک از مهمانان دیگر

متوجه نشوند) برایم تعریف کرد که: برادرش که دبیر آموزش و پرورش

است و دستی هم در نوشتن کتاب دارد را بازداشت کرده اند به جرم

اینکه در سطح شهر بصورت کتابفروش سیار، در حال فروش آثار خود

بوده است. هم چنین برادر بزرگترش هم که برای پیگیری ماجرا و آزاد

کردن برادر کوچکتر به کلانتری مراجعه کرده نتوانسته کاری انجام دهد و مسؤولین پاسگاه کلانتری گفته اند که حتما باید ایشان امشب در بازداشت بماند تا فردا تکلیفش مشخص گردد.

برادرم وقتی جواب مسؤولین کلانتری را می شنود، از همه جا نا امید شده، و نگرانی دیگری هم داشته که چون شب جمعه این اتفاق افتاده و فردایش جمعه و تعطیل است احتمال زیاد دارد که به کار آنها رسیدگی نشود و بررسی این وضعیت به شنبه موکول شود!

من وقتی نگرانی زاید الوصف ایشان و هم چنین برادرشان را دیدم به ایشان پیشنهاد دادم که بدون اینکه به دیگر مهمانان جریان را بگوییم اینگونه عنوان کنیم که: چون همگی در یک مجلس جمع شده ایم خوب است که توسلی به حدیث شریف کساء داشته باشیم و برای گشایش در کارها، هم چنین از فضائل و برکات این حدیث قدسی نیز بهره مند شویم.

بعد از دادن این پیشنهاد همگی شروع به تلاوت این حدیث نورانی کردیم در حال خواندن بودیم و تقریبا به اواخر آن نزدیک می شدیم و حدیث هنوز بطور کامل به اتمام نرسیده بود که ناگهان تلفن همراه فرد بازداشت شده شروع به زنگ زدن کرد و دیدم که آثار خوشحالی در چهره ایشان نمایان شد؛ و اینکه برادرشان پشت تلفن گفتند که مشکل برطرف شده و الان همگی در حال حرکت به طرف منزل ما هستند.

بعد از اینکه به منزل رسیدند از آنها پرسیدیم که پس چطور شد؟ شما که گفتید آنها به هیچ وجه راضی به آزاد کردن نمی شدند؟! گفتند: بله؛

همین طور بود و خودم هم داشتم کم کم نا امید می شدم و قصد بازگشت داشتم که یکباره در آن موقع شب بطور ناگهانی رئیس کلانتری برای سرکشی (بطور غیر معمول) به پاسگاه آمد که حتی خود پرسنل آنجا هم تعجب کرده بودند که ایشان در آن وقت شب برای چه به آنجا آمده است!؟

وقتی فهمیدم که ایشان رئیس کلانتری است رفتم و با ایشان صحبت کردم و جریان کار برادرم را گفتم، و خدا را شکر ایشان به شرطی که کتابها بماند تا استعمال بگیرند و فقط با یک کارت شناسایی برادرم را آزاد نمودند.

ما هم به ایشان گفتیم که این آزادی به خاطر معجزه حدیث کساء و نظر لطف پنج تن آل عبا علیهم السلام بوده است که ما همگی در آن وقت با این حدیث با عظمت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام متوسل شدیم و برای آزادی و نجات ایشان دعا کردیم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۷۵) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب رشید هجری علیه السلام از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: سلامتی و حفظ جنین در دوران بارداری با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ز.م) واقعه فوق را درباره فرزندشان این گونه بیان می کنند:

به برکت شرکت در مجالس و دروس ناب معارف الهی و بهره مندی از علوم آل الله، چند ماهی است که با عنایت حضرت صاحب الامر (منه السلام) صاحب فرزندی شده ایم که خداوند متعال را از این بابت شاکرم. واقعه ای که در دوران بارداری ام افتاد این بود که:

هنگامی که در ماه پنجم بارداری بودم وقتی به پزشک معالجم مراجعه کردم پس از انجام سونوگرافی و بررسی طبی؛ وضعیت و سلامتی جنین را این گونه بیان کرد که: در مغز جنین شما کیست هایی مشاهده می شود که باید سریعاً سونوگرافی سه بعدی انجام داده شود؛ تا نسبت به تشخیص و درمان آن اقدام لازم را انجام دهیم.

پس از بیان این موضوع از طرف پزشک معالج؛ برای سلامتی فرزندم بسیار نگران شدم، و بخاطر عدم موفقیت درمانها و یا عوارض داروها و یا هر اقدامی که بنا داشتند بکار گیرند در اضطراب افتادم.

به خداوند متعال پناه بردم و با توکل بر او؛ محبوبان الهی حضرات خمسہ طیبہ علیہم السلام را شفیع قرار دادم، و تصمیم گرفتم که تا پایان دوران بارداری؛ هر روزه و به صورت مداوم؛ حدیث شریف کساء را تلاوت نمایم، و با توسل به این پنج نور مقدس علیہم السلام خصوصاً حضرت فاطمه زهراء علیہا السلام؛ از ایشان بخواهم که جنین من را از این عوارض عافیت بخشیده؛ و مرا از این درمانها بی نیاز فرموده، و فرزندم در هنگام تولد سالم و بدون هیچ مشکلی بدنیا بیاید.

با این توکل الهی و توسل به اولیای الهی (حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیہم السلام) که انجام دادم، نور امیدی در دلم احساس کردم، بطوری که دیگر یقین داشتم که با خواندن این حدیث نورانی؛ مشکل جنین برطرف خواهد شد، فلذا از ادامه پیگیری طبی صرف نظر کرده؛ و حتی به سونوگرافی سه بعدی و بقیه بررسیها نیز نرفتم.

هر روز تلاوت این حدیث شریف را انجام می دادم تا اینکه در ماه نهم بارداری؛ هنگامی که مجدداً برای معاینه به نزد پزشکم رفتم، پس از انجام معاینات سونوگرافی ایشان گفت که: دیگر اثری از آن کیستهای که در در معاینات سونوگرافی قبلی مشاهده کرده نبوده، و جنین شما در کمال صحت و سلامتی است و مشکل قبل کلاً از بین رفته است.

و الحمد لله رب العالمین

۳۸۷) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید ہانی بن عروہ رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعہ: فراہم شدن امکان خرید جہیزہ ازدواج در شرایط غیر ممکن؛ با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ف.ن) واقعہ فوق را اینگونہ بیان می کند:

زمانی کہ ابتدای شروع مجلس توسل بہ حدیث کساء در منزلمان بود ہمسایگانمان الحمد للہ استقبال خوبی نشان دادند و با جمعیت حداکثری مجلس را برقرار می کردیم، یکی از آنها کہ حضور مستمری در جلسات داشت یک روز برایم تعریف کرد کہ:

اوایل شرکت من در جلسہ حدیث کساء بود، دخترم عقد ازدواج کردہ بود، و ما در تلاش برای تہیہ و تدارک جہیزہ او بودیم تا ہر چہ زودتر راہی خانہ بخت شود، ولی با توجہ بہ مشکلاتی کہ داشتیم؛ امکان تہیہ آن برایمان فراہم نمی شد؛ از یک طرف چون ہمسرم دارای شغل آزاد بود؛ کار و کاسبی او نمی گشت، ہم چنین مستأجر ہم بودیم؛ و باید سرماہ کرایہ خانہ را بہ صاحبخانہ پرداخت می کردیم، نرخ تورم ہم کہ روز بہ روز زیادتر می شد؛ فلذا برای ما ہیچ امکانی برای تہیہ وسایل مورد نیاز دخترمان فراہم نمی کرد.

تا اینکه من یک روز در جلسات حدیث کساء برای این کار نیت کردم،
و از حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام خواستم که خودشان اسباب آن را
برایمان فراهم کنند.

بعد از آن شاهد بودم که از راه بی گمانی (که هیچ وقت تصورش را نمی
کردم) به روشی که برای ما امکانش نبود؛ توانستیم در ظرف مدت زمان
کمی و به آسانی؛ تجهیزیه او را با کیفیت بالا تهیه کنیم، و بطور ناباورانه
دخترم را راهی خانه بخت کنیم.

از اینکه دیدم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نظر لطفشان را شامل
حال بنده حقیر کردند مولا علیه السلام را شاکرم.

والحمد لله رب العالمین

(۳۹۹) غیث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ معارف الہی: جناب شہید حبیب بن مظاہر رضی اللہ عنہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن نزاع و اختلافات خانوادگی با توسل بہ حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (ن.ف) واقعه فوق را اینگونه بیان می کند:

بحمد اللہ توفیق شد کہ مجلس حدیث کساء را در منزلمان برقرار کنم، هنگامی کہ می خواستم این مجلس برگزار کنم، تاریخ و ساعت شروع آن را بہ گونه ای انتخاب کردم کہ از لحاظ نجومی مطابق با سعد خاص بود. از این بابت بسیار خوشحال بودم و از خداوند متعال طلب رحمت الہی کردم، کہ از قضا با شروع مجلس هوا ابری شد؛ و باران رحمت الہی شروع بہ باریدن گرفت، و تا چندین روز ادامه داشت، و این را بہ فال نیک گرفتم، کہ ان شاء اللہ اهل بیت عصمت و طہارت علیہم السلام بہ این مجلس نظر و عنایت خاص دارند.

چند روز بعد از تشکیل جلسہ حدیث کساء یکی از افرادی کہ در مجلس حضور داشت با بندہ تماس گرفت و تجربہ ای از برکات این مجلس را برایم نقل کرد و گفت:

من و همسر مرتبا بر سر مسائل کوچک و بزرگ زندگی اختلاف داشتیم، و همیشه در حالت نزاع به سر می بردیم، از وقتی که در جلسه حدیث کساء منزل شما شرکت کردم؛ و نسبت به توسل به این حدیث نورانی و با عظمت آگاه شدم؛ تصمیم گرفتم که برای حل مشکلات و برطرف شدن این درگیری هایمان به حدیث کساء و خصوصا حضرت زهرا علیها السلام متوسل شوم تا حاجت خود را بگیرم.

بعد از آن شاهد بودم که چقدر اثر عجیبی روی رفتارهایمان بوجود آمد و اختلافات و درگیری هایمان به حداقل رسید.

حتی یکبار که این مشکل برایمان رخ داد؛ همسرم با حالت قهر، خانه را ترک کرد، و من در همان لحظه شروع به خواندن حدیث کساء کردم، و از حضرت زهرا علیها السلام خواستم که خودشان مشکل را برطرف کنند، که یکباره دیدم بعد از چند دقیقه همسرم به خانه برگشت؛ و رفتار و کردارش به کلی تغییر کرده بود، و اثری از عصبانیت در او پیدا نبود.

و از آن روز به بعد؛ الحمدلله زندگی آرام و بدون مشکلی را داشته ایم که همه اینها را مدیون لطف و عنایت اهل بیت علیهم السلام بر زندگی ام می دانم.

والحمد لله رب العالمین

(۴۱۱) غیاث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیہ السلام - حوزه معارف الہی: جناب شہید حبیب بن مظاهر اسدی رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعه: قبولی در دانشکاه در مقطع فوق لیسانس به برکت مجلس حدیث کساء و توسل به حضرات معصومین علیہم السلام.

شرح واقعه: خانم (ر.م) از شاگردان حوزه معارف الہی که هم در جلسات تلاوت قرآن و هم در کلاس های معارف شرکت دارند واقعه را این طور تعریف می کنند که:

پسرم برای لیسانس در دانشگاه چمران اهواز قبول شد، بعد از يك سال که در آن دانشگاه درس خواند با دعا و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیہم السلام و حضرات معصومین علیہم السلام امکان انتقالش به اصفهان فراهم؛ و در دانشگاه مالک اشتر در اصفهان مهمان شد، و سه سال دیگر را در دانشگاه مالک اشتر درس خواند، ولي برای فارغ التحصیلی يك مشکلي اداري در این وسط بود، مشکل این بود که با وجودي که پسرم فقط سال اول را در اهواز درس خوانده بود، اما هنوز نمراتش را از اهواز به دانشگاه مالک اشتر اصفهان نفرستاده بودند، و برای آزمون فوق لیسانس هم داشتن يك معدل دقیق خیلی مهم بود، زیرا اگر معدل را اشتباه اعلام کنند؛ حتی ممکن است بعد از قبولی در مقطع لیسانس؛ اما

برای پذیرش و ورود در مقطع فوق لیسانس مورد قبول واقع نشود، و پسر من که نمراتش را نداشت؛ از خودش معدلی را تخمین زده و اعلام کرده بود، ولی نگران همین قضیه بود که اشتباه تخمین زده باشد؛ و بعد از این که آزمون را داد و نمراتش آمد؛ فهمید که دو صدم بالاتر تخمین زده است، و ناراحت بود که اگر هم قبول شود؛ چون بالاتر گفته است؛ او را رد کنند.

برای همین خاطر من نذر کردم که ۴۰ روز حدیث شریف کساء را بخوانم و به پنج نور مقدس عَلَيْهِ السَّلَامُ متوسل شوم تا مشکل فرزندم حل شود. و بحمدالله همین طور شد؛ و وقتی رتبه فرزندم آمد؛ به خاطر این که معدل را بالاتر گفته بود؛ مشکلی برایش به وجود نیامد.

و بعد از آن که رتبه فرزندم آمد چون رتبه او ۱۴۰۰ بود؛ برای ادامه تحصیل حدس می زد که جایی قبول نشود، زیرا برای قبولی در رشته بهتر؛ باید رتبه او بالاتر از این می شد.

از همان روز شروع کردم و گفتم هر روز حدیث شریف کساء را می خوانم تا به حاجتم برسم و فرزندم در دانشگاه خوبی قبول شود.

به برکت توسل به پنج نور مقدس عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزندم در همان دانشگاه مالک اشتر؛ در رشته "برق گرایش قدرت" برای مقطع فوق لیسانس قبول شد، و این در حالی بود که حتی با وجود این که دوستانش که رتبه هایشان بهتر از فرزند من بود؛ نتوانسته بودند قبول بشوند، ولی به برکت توسل به حدیث کساء؛ چهار حاجت فرزندم برآورده شد: هم مشکل قبولی و پایان

مقطع لیسانس او حل شد، و هم مشکل پذیرش فوق لیسانس او برطرف گردید، و هم در رشته خوبی قبول شد؛ و هم در دانشگاه خوبی پذیرش شد. بنده و خانواده معجزه هایی که از این حدیث با عظمت دیده ایم اعتقادمان را بیشتر کرده است، و به هر کسی مشکلی داشته باشد توصیه می کنیم که به حدیث شریف کساء متوسل شود.

والحمد لله رب العالمین

(۴۳) غیاث الأولیاء فی النوسل خدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم، حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام، حوزه معارف

الهی: جناب شهید أبو ثمامة الصائدی رحمته الله از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: حل مشکل ۱۵ ساله مسکن با توسل به حدیث آسمانی کساء.

شرح واقعه: خانم (م. ع.) که از دانشجویان حوزه معارف الهی است

واقعه را این طور تعریف می کنند که:

حدوداً ۱۵ سال پیش شروع به ساختن منزل مسکونی مان کردیم؛ ولی به

دلیل اینکه برای تکمیل کردن آن به هزینه بیشتری نیاز داشت و با توجه

به هزینه بالایی زندگی و شرایط شغلی همسرم، نتوانستیم ساختمان را

تکمیل کنیم و مجبور شدیم با همان شرایط نیمه کاره در آن سکونت کنیم.

در این مدت به دلیل اینکه منزلمان حتی تجهیزات یک منزل مسکونی

ساده را هم نداشت، زندگی بر ما بسیار سخت می گذشت.

راههای مختلف را امتحان کرده بودیم که شاید بتوانیم با استفاده از آنها

اقدام به تکمیل منزل بکنیم ولی همه راهها به رویمان بسته می شد و

به هیچ وجه نمی توانستیم حتی حداقل هزینه را برای موارد جزئی تهیه

کنیم.

تا اینکه یک روز، یکی از همسایگان به درب منزل ما آمدند و گفتند

که در منزلشان جلسه تلاوت قرآن و مجلس حدیث شریف کساء است

و از من خواستند که در آن شرکت کنم.

وقتی وارد مجلس شدم؛ دیدم که بعد از تلاوت حدیث شریف کساء، از معجزات و آثار و برکات مداومت و توسل به این حدیث شریف را در کلاس خواندند و در آنجا شنیدم که افراد بسیاری با مشکلاتی بزرگتر از مشکل من به این حدیث شریف توسل پیدا کرده اند و به حاجات خود رسیده اند؛ در همان جا با خودم نیت کردم که از فردا صبح به مدت چهل روز این حدیث شریف را تلاوت کنم.

هر روز بعد از نماز صبح این حدیث با عظمت را تلاوت می کردم و از حضرات اهل بیت علیهم السلام می خواستم که خودشان نظر توجهی کنند تا مشکل ما برطرف شود.

در ایام اواخر اتمام ختم بودم؛ که به طور غیر قابل باور؛ و از جایی که اصلا فکرش را نمی کردیم؛ هزینه لازم جهت تکمیل ساختمان فراهم شد، بدون اینکه بخواهیم از کسی پولی قرض کنیم و یا وامی بگیریم؛ و توانستیم به سرعت و در مدت کوتاه منزلمان را بسازیم.

و مولا علیه السلام را شکر می کنم که مرا با این مجلس تحصیل معارف الهی آشنا کرد و از آن روز سعی می کنم هر روز حداقل یکبار این حدیث با عظمت را تلاوت کنم؛ و با هر فردی هم که صحبت می کنم و می بینم که در زندگی دارای مشکلات هستند آنها را به خواندن حدیث شریف کساء تشویق می کنم.

والحمد لله رب العالمین

(۴۳۵) غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه معارف الهی: جناب شهیده زوجه وهب بن عبدالله رضی الله عنهما از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: برطرف شدن مشکلات متعدد با توسل به حدیث کساء.
شرح واقعه: خانم (م.ن) که از آموزشیاران حوزه معارف الهی است این واقعه را اینگونه تعریف می کنند:

یکی از همسایگانمان که در نزدیکی ما سکونت دارند حدود سه سال پیش همسرشان را در حادثه ای از دست دادند و دارای دو فرزند بودند؛ بعد از این اتفاق؛ ایشان دچار حالات افسردگی شده بود. تا اینکه دیدم یک روز به درب منزل ما آمدند و گفتند که بسیار حالشان آشفته است، و چون مطلع بود که بنده در یکی از حوزه های معارف الهی شرکت می کنم؛ و در آنجا در ابتدای مجلس حدیث شریف کساء تلاوت می شود؛ از بنده خواست تا ایشان را به آن مجلس ببرم تا از این طریق حال روحی شان بهتر شود.

فردای آن روز با ایشان هماهنگ کردم و با یکدیگر به مجلس توسل رفتیم. در ابتدای مجلس کمی از معانی این حدیث شریف برای افراد گفتم و اینکه همه آسمانها و زمین و همه کائنات به برکت وجود این ذوات مقدسه علیهم السلام خلق شده اند و بعد از آن هم یکی از وقایع غیاث

الأولياء في التوسل بحديث الكساء را برایشان خواندم و اینکه افراد بسیاری با مشکلات کوچک و بزرگ از طریق توسل به این حدیث با عظمت و نورانی توانسته اند به حاجات مادی و معنوی خود نائل شوند؛ بعد از آن هم برخی مطالب دیگر از معارف الهی برایشان بیان شد و جلسه به اتمام رسید.

ایشان بعد از جلسه به نزد بنده آمد و گفت که چقدر این جلسه برایش خوب بوده است و احساس سبکی و نشاط می کند، من هم از این خبر خوشحال شدم و مولا عَلَيْهِ السَّلَامُ را شکر نمودم.

فردای آن روز، صبح زود بود که دیدم ایشان تماس گرفتند و بسیار خوشحال بودند و گفتند که: دیروز که در مجلس حدیث کساء شرکت کردم برای دخترم نیت کردم؛ چون امسال باید برای ورود به دبیرستان انتخاب رشته می کرد و بین دو رشته دو دل شده بود، برای این کار استخاره انجام دادیم ولی جواب استخاره برای هر دو رشته خوب نبود و همین طور سردرگم مانده بودیم، تا اینکه دیروز در جلسه حدیث کساء برای حل این مشکل نیت کردم و امروز صبح به طور غیر قابل باور از طرف مرکز تیزهوشان تماس گرفتند و گفتند که دختر شما قبول شده است و سریعاً باید به مرکز آموزشی تهران مراجعه کنید تا کارهای ثبت نامشان انجام شود.

بنده از شنیدن این خبر خوشحال شدم و به ایشان گفتم که تلاوت روزانه این حدیث را همیشه انجام دهد تا ان شاء الله به برکت آن دیگر

مشکلات هم برطرف شود؛ ایشان هم قبول کرد.

تا اینکه مدتی بعد دیدم او مجددا تماس گرفته و این بار آثار رضایت در صدایش بیشتر بود و گفت: که از آن روز به صورت روزانه تلاوت حدیث شریف کساء را داشته ام و بعد از اینکه برای ثبت نام راهی تهران شدیم، چون در اواخر شهریور ماه بود و ثبت نامها مشکل بود؛ وقتی آنجا رفتیم کارهای ثبت نام به راحتی و بدون هیچ مشکلی انجام شد و من در تمام این مدت تلاوت حدیث کساء را ترک نکردم و اعتقاد عجیبی به آن پیدا کرده بودم.

مشکل دیگری برای تهیه منزل نزدیک محل تحصیل دخترم داشتیم، تا اینکه از برکت مداومت به تلاوت این حدیث نورانی در مدت زمان کمی توانستیم منزل مناسبی در نزدیکی محل تحصیل دخترم پیدا کنیم.

مطلب دیگر آنکه بعد از فوت همسرم زندگی مان به سختی اداره می شد؛ و از برکات این توسل؛ به طور غیر قابل باور؛ کاری در همان مدرسه برایم پیدا شد، و در آنجا مشغول به کار شدم.

و خلاصه اینکه بنده بوسیله توسل و مداومت به این حدیث نورانی تحولی عجیب و غیر قابل باوری را در زندگی ام دیده ام، و همه مشکلات زندگی ام به یکباره به پایان رسید، و همه اینها را مدیون لطف و عنایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر زندگی خودم و فرزندانم می دانم و از این جهت به درگاهشان سجده شکر به جای می آورم.

والحمد لله رب العالمین

(۴۴۷) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیہ حضرت امام حسین علیه السلام - حوزہ

معارف الہی: جناب شہید رشید ہجری رحمۃ اللہ علیہ از اصحاب امام سوم علیہ السلام.

عنوان واقعہ: پیدا کردن راه در سفر بہ راحتی با توسل بہ حدیث قدسی کساء.

شرح واقعہ: خانم (ف.ن) واقعہ فوق را دربارہ یکی از دانشجویانشان اینگونہ نقل می کنند:

یک روز پس از اینکہ مجلس ہفتگی حدیث کساء بہ پایان رسید؛ یکی از افراد شرکت کنندہ بہ نزد بندہ آمد، و واقعہ ای کہ با توسل بہ حدیث شریف کساء بہ آن رسیدہ بود را برایم اینگونہ نقل کرد:

پدر و مادرم مدتی است کہ برای زندگی بہ یکی از کلان شہرہای کشور منتقل شدہ اند؛ و ما این چند باری کہ با وسیلہ نقلیہ مان می خواستیم بہ دیدنشان برویم؛ ہر بار دچار مشکل می شدیم؛ زیرا با وارد شدن اشتباهی بہ یک اتوبان مجبور می شدیم؛ تا انتہای آن را برویم و بعد از آن ہم چندین ساعت در شہر سرگردان شویم؛ با اینکہ از ورودی شہر تا منزلشان مسیر زیادی نبود، و این مشکل طوری شدہ بود کہ من از وقتی نزدیک آن شہر می رسیدم استرس پیدا می کردم؛ زیرا این ہمسر م بود کہ در واقع بخاطر من ساعتها رانندگی کردہ و خستہ شدہ بود، فلذا با ورود بہ شہر و شروع سرگردانی؛ خستگی مضعف شدہ و ناراحت می شد، و

می گفت این ۵-۶ ساعت رانندگی که تا برسیم به این شهر یک طرف؛ و از اینجا به بعد هم که بخواهیم داخل شهر بشویم تا برسیم به منزل هم به یک طرف!

این بار وقتی به نزدیک آن شهر رسیدیم به یاد مجلس توسل حدیث کساء که در آن شرکت می کنم افتادم؛ و اینکه در آنجا برایمان از وقایعی که با توسل به این حدیث به حاجاتشان رسیده اند گفته شده بود؛ به همین خاطر برای اینکه در شهر سرگردان نشده و با آسایش به مقصد برسیم همان موقع شروع به تلاوت این حدیث نورانی کردم، و بعد از چند دقیقه دیدم که بدون اینکه در آن شهر سردرگم شویم؛ ظرف مدت چند دقیقه با آسانی به مقصد رسیدیم، و این آسودگی را لطفی از جانب پنج نور مقدس علیهم السلام می دانم.

والحمد لله رب العالمین

(۴۵۹) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام، حوزه معارف الهی: جناب شهید عماره بن ابی سلامه رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.
عنوان واقعه: حل مشکل ۱۳ ساله زندگی با توسل به حدیث آسمانی کساء.
شرح واقعه: خانم (ر.ب) که اخیرا در درسهای معارف الهی شرکت می کنند واقعه فوق را که درباره زندگی یکی از بانوان شرکت کننده در مجالس توسل؛ اینگونه تعریف می کند:

حل مشکل زندگی من بیشتر به یک معجزه شبیه است؛ حدود ۱۳ سال پیش ازدواج کردم، و از همان ابتدای زندگی متوجه شدم که همسرم به مواد مخدر اعتیاد دارد. وقتی مطمئن شدم که این مشکل را دارد، پیگیری کردم و متوجه شدم این بیماری به زمان قبل از ازدوایمان برمی گردد. با راههای مختلف سعی کردم که مشکلم را حل کنم ولی نتیجه ای نداد! نه مدارا کارساز بود؛ نه اعتراض؛ و نه با خانواده اش مطرح کردن! و هر روز شاهد تباه شدن زندگی خودم و فرزندم بودم، وقتی تمام این راهها جواب نداد؛ مدتی بعد احساس کردم که قلبم دچار فشار شدید است به حدی که نفس کشیدن را برایم سخت کرده است، سالها با این مشکل خانمانسوز درگیر بودم، داشتم کم کم باور می کردم که او دیگر نمی تواند از این مصیبت نجات پیدا کرده، و تا زنده است مبتلا بوده، و تنها مرگ می تواند او را از انجام این کار منع کند.

تا اینکه از طریق آشنایی با حوزه درسهای معارف الهی، از برکات حدیث نورانی کساء مطلع گشتم، تصمیم گرفتم که مشکلم را با مدیر حوزه در میان بگذارم، وی گفته بود: که به حدیث شریف کساء متوسل شوم، و آن را به صورت روزانه تلاوت کنم.

من هم از همان روز با اعتقاد کامل به اینکه کسی جز حضرات پنج تن آل عبا علیهم السلام و ائمه اطهار علیهم السلام نمی تواند مشکلم را حل کند؛ شروع به خواندن این حدیث با عظمت کردم، بعد از مدتی احساس کردم که سعه صدر پیدا کرده ام؛ به حدی که مشکلی که باعث شده بود دچار فشار قلب شوم، برایم یک اتفاق ساده زندگی شود. به توسل ادامه دادم، در این مدت با مکرر خواندن حدیث شریف کساء می دیدم تغییراتی در فضای زندگی ما در حال وقوع است، و روحيات و رفتار شوهرم نیز در حال بهتر شدن است، بدون اینکه کسی از همسرم بخواهد که برای ترك اعتیاد اقدام کند، با ناباوری دیدم خودش برای این کار اقدام کرد، و الان نزدیک چهار ماه است که مشکلمش بکلی برطرف شده است، و مولا علیه السلام را به خاطر این نعمت بزرگ شکر می گویم، و معتقدم که همه افرادی که در زندگیشان دچار مشکلاتی هستند، زمانی که یقین کنند که جز خداوند متعال و به شفاعت اهل بیت علیهم السلام؛ هیچ چیز و هیچ کسی نمی تواند مشکلشان را حل کند، و با این عقیده به این حدیث با عظمت و نورانی متوسل شوند، یقیناً به حاجات خود می رسند؛ إن شاء الله.

والحمد لله رب العالمين

(٤٦٠) غياث الأولياء في النوسل بخديث الكساء

منبع: مجمع کاربران فعال تالارهاي سايت بنياد حيات اعلى، و برگزار کنندگان مجلس توسل به حديث کساء.

عنوان واقعه: فراهم شدن سفر زيارت عتبات عاليات بدون هزينه و با شرايط مطلوب با توسل بوسيله حديث قدسي کساء

شرح واقعه: آقای (ر.ك) از علاقمندان معارف الهي و کاربران فعال تالارهاي سايت بنياد حيات اعلى، واقعه خود را اين چنين شرح می دهد: از آغاز سايت "رسانه حيات اعلى" بخشي به عنوان "مجربات اعلى" اختصاص داده شده است، که در آن توسلات تجربه شده کاربران و کرامات و معجزات أهل البيت عليهم السلام را که خودشان مستقيما شاهدش بوده اند منتشر مي کنند، و نزديك به دو سال است که هر هفته روزهاي دوشنبه مرسوله اي مستقل منتشر مي شود بنام "غياث الأولياء في التوسل بخديث الكساء" که حاوي تجارب مستند دانشجويان آموزشکده هاي بنياد حيات اعلى و ساير کاربران مي باشد، و حقا مطالبی شگفت و شوق انگيز و آموزنده اي است. و به برکت مجالس نشر معارف الهي و از زمان آشناييم با اين حديث قدسي؛ خودم بطور موردی مشکلات و موانع مهم زندگيم را (با توسل آني به اين کلام آسمانی و اجابت فوری آن) مرتفع شده دیده ام، با اين حال عليرغم تجارب شخصيم؛ هر هفته منتظر انتشار

نتایج استغاثه های بندگان درگاه مولا(منه السلام) به دامن آن ارکان
حظیره قدسی و عرش ربّانی خداوند بوده ام، و هستم، و می باشم، و لذتی
شگرف از مطالعه آنها می برم، و با تأمل در آنها؛ قدمهایم در برداشتن این
مسیر نیز محکمتر از پیش می شود.

حالا یکی از وقایعی را که با توسل به این موهبت آسمانی نصیب شده؛ به
رشته تحریر در آورده، و امیدوارم که جانهای باریافتگان به این حرم
نورانی و حریم امن الهی را سیراب تر نمایم.

دو ماهی بود (قبل از ماه محرم الحرام ۱۴۳۴ هجری قمری) با یکی از
دوستان درباره زیارت مشاهد مشرفه صحبت می کردیم، و مشکلات و
موانع تشریف؛ از گذشته تا حال را مرور می کردیم، او تعریف می کرد:
شخصی است مؤمن و متمکن که هر ساله ماه محرم را به کربلا مشرف؛
و کل این ماه را به حرم حضرت قدسی ثاراللهی عائیل شرف حضور دارد،
بعد اضافه کرد: اما ما چه؟ هزینه حتی یک پاسپورت گرفتن هم برایمان
مشکل است، و می گفت: بین؛ پول همه کاری ازش بر می آید!

من هم همدرد او بودم و آرزوی چنین توفیقاتی داشتم، ولی با حال و
رویکرد او موافق نبودم، اما از طرفی جیسم خالی؛ و حالا هم این حرف بی
ربط (که پول حلال مشکلات است) خاطر من را بیشتر آزرده کرده بود، ولی
به لطف خدا بر این فضای یأس آور غلبه کردم، و حسن ظنم به خداوند
را از دست نداده، و با خود گفتم: به هدایت و مدد الهی؛ من ثابت خواهم
کرد که همه امور بدست مولا(منه السلام) است، و هیچ حول و قوه ای

نیست مگر به عنایت حق، و این ذکر نورانی را با خود زمزمه کردم که:
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

البته دوسال و نیم پیش هم یکبار مشرف به کربلا شده بودم، ولی یک مؤمن در بلاد بعیده حداقل سالی چهار بار باید مشرف شود؛ تا وظیفه بندگی خود را بجای آورده باشد، فلذا بعد از آن سفر که دیگر موفق نشده بودم؛ همواره به دنبال راهی بودم که این وظیفه مهم اتفاق بیافتد.

سایت کاروانهای زیارتی عتبات عالیات؛ اعلام پیش ثبت نام کرد، و نتیجه نهایی برای تشریف را در قرعه کشی اعلام می کرد، در میان فامیل هم صندوقی خانوادگی راه انداخته بودند؛ تا عده ای از اعضاء علاقه مند را (با وامی که در اختیار می گذاشت) به کربلای معلی اعزام کنند، به من هم گفتند: که شما هم اگر مایل و هزینه حق عضویت را داری بیا، چون من هنوز عضو آن نبودم.

مخلص کلام: به هر که می رسیدیم می گفتیم سایت عتبات برای ثبت نام باز است، ولی همچنان به ماه محرم نزدیک می شدیم، و پس انداز ما برای هزینه سفر هم کافی نبود، قرعه کشی انجام شد، و اولویتهای آنها جهت اعزام کافی بود، اما شرایط ما کافی نبود، و خلاصه این راه نیز برایم بسته شد، و کنایه ها که اگر زودتر ثبت نام کرده بودی، و پولت کافی بود، و از این قبیل حرفهای نا امید کننده؛ هم مزید بر علت بود.

اما به فضل خداوند من با این وقایع دلسرد نشدم، و چون خودم بسیار راغب به تشریف در ایام عاشورای حسینی عَلَيْهِ السَّلَام بودم، و این ایام هم در راه

بود، فلذا بیشتر در فکر بودم، ولی از طرفی جیب خالی و وقت هم کم، پیش خودم گفتم: یعنی ما اینقدر بی کس و کاریم که اینگونه باید مستأصل شویم، پس به حکم ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ دستهایم به دعا بلند و از سر گذشت، و لبها مترنم به تلاوت حدیث کسای حضرات اهل البیت علیهم السلام شد، و دل این نوارا نغمه گر بود:

ما که نداریم به غیر از تو کس = ای شه خوبان تو به فریاد رس

به لطف حق مجلس حدیث کساء را برای تعجیل در امر فرج مولای غریب حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام برپا کردیم، و با قرائت صحیح در مجلسی از محله مان؛ به عنایت و لطف حضرت مولا صاحب الزمان (منه السلام) بانی شدم (که این مجلس همچنان به حول و قوه الهی ادامه دارد)، و در پایان تلاوت آن در مجلس، از حضرتش می خواستم که زیارت آن مشاهد نورانی و مقامهای شریف و آسمانی را روزیم کنند.

بالاخره عنایت و کرامت و اعجاز حضرت ولایت کبری (منه السلام) و الیه التسلیم و علینا سلامه) کار خود را کرد، و صبح یک روزی که در منزل بودم و می خواستم با یکی از رفقا مشرف شوم محضر نورانی احمد بن موسی شاهچراغ علیه السلام که تلفن برادرم زنگ خورد، و بعد آن خودش گفت: از ستاد بازسازی عتبات عالیات استان فارس زنگ زدند برای اعزام به سامراء، جهت بازسازی حرم غریب عسکرین علیه السلام، و من به آنها گفته ام که نمی توانم بیایم، و مشکلاتم مانع است، گفتم: به آنها زنگ بزن و بگو آیا می شود جایگزین کرد؟ و خبرش را بده؛ با دوستم

مشرف شدیم حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام که در این اثناء تلفن
 همراهم زنگ خورد، و برادرم خبر داد که گفته اند: جایگزین امکانش
 هست، ولی باید سری به آنجا بزنم، آدرس را گرفتم و با خود گفتم: زهی
 توفیق که بار به منزل رسید، و دل به مقصود خود (که همانا خدمت
 خالصانه محضر مولا منہ السلام بود) نائل آمد، در این هنگام خجسته و
 سعد به سمت مرقد منور حضرت شاهچراغ علیه السلام مشرف شدم، و صورت
 بندگی بر ضریح چهارگوشه اش نهادم، و شکر نمودم مولایم (منہ السلام)
 را، پس بقدر حال و راه دادن آن صاحب جمال؛ زیارت نمودیم.
 بعد از آن حرکت کردیم به سمت ستاد بازسازی؛ پس از سلام و
 احوالپرسی و معارفه با متصدی اعزام؛ از شیوه خدمت رسانی برای
 بازسازی پرسیدم، او بیان کرد: مقصد سامراء و خدمت در آستانه مقدسه
 حرم مطهر عسکریین علیه السلام است، و هزینه رفت و برگشت با ستاد می
 باشد، و محل کار و استراحت و سه وعده پذیرایی در شبانه روز هم در
 حرم عسکریین علیه السلام مهمان آستانه مقدسه حرم هستید، و این نه تنها
 برای شما؛ بلکه برای هر داوطلب به خدمت در آنجا؛ فراهم است.
 اینجا بود که تازه من غافل دریافتم که این مسیر تشریف به عتبات و
 زیارت مفصل در سامراء؛ خود نکته ای ناب دارد، که بر لسان نورانی
 حضرات خازنان وحی علیه السلام جاری شده که فرموده اند: (إِنَّا غَيْر نَاسِيْنَ
 لِأَمْرِكُمْ وَلَا مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ) ما هیچگاه امور شما را فراموش نمی
 کنیم و در سرپرستی شما اهمال نمی کنیم.

آخر چرا این را گفتم؟ بشنوید ای دوستان این داستان: در سفر قبلی تشریف به عتبات؛ موانعی پیش آمد، و کاروان از رفتن به سامراء منصرف شد، و هر چه تلاش کردم تا مسئولین کاروان را برای تشریف به سامراء غریب متقاعد کنم؛ نشد که نشد، و به دلم غصه فقدان زیارت آنجا مانده بود، و من در آن تقلاها از خداوند زیارت حضرات مدفونین در مشهد عسکریین علیهم السلام را خیلی خواسته بودم، و بخاطر اینکه "حرم عسکریین و حرم مهدوی علیهم السلام در سامراء؛ غریبترین مشاهد شریفه در این زمان بوده، و در نتیجه زیارتش از زیارت سایر مشاهد الهی افضل است" همیشه ابا داشتم از اینکه مبدا زیارتم در سامراء؛ به مانند روش رایج عامه؛ عجله و دستپاچه ای؛ یکی دوساعته یا نیم روزه باشد، و می خواستم توفیقی نصیبم شود که بتوانم آنجا را به نحو شایسته زیارت نمایم. سپس نماینده ستاد بازسازی عتبات گفت: گذرنامه و دو قطعه عکست بدستم برسان، پس خداحافظی کردم و با خود گفتم: به به! چه از این بهتر، حقا که جگر گوشه گان حضرت زهراى اطهر علیها السلام؛ خداوندان کرم و واسطه فیض الهی به خلق جهانند، در این وقت و حال؛ زمین و زمان با من هم ترانه بود:

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس = در پی این نباش که نشنید یا شنید
 کار خود گره به کرم بازگذاری حافظ = ای بسا عیش که با بخت خداداده کنی
 روز بعد مدارك خواسته شده را به آنها رساندم، ماه ذیحجه الحرام بود، و
 گفتم: برای ماه محرم می خواهم آنجا باشم، ستاد گفت: برای وقت اعزام

ما تعیین می کنیم، و هر وقت نوبت شما شد با شما تماس می گیریم. ایام حج بود، مشرف شدیم مشهد منور سلطان سریر ارتضا؛ حضرت مولا و مقتدا؛ الإمام علی بن موسی الرضی المرتضی علیه السلام، و بعد از زیارت با فضیلت حج رضوی علیه السلام به شیراز برگشتیم، و محل کارم بودم که زنگ زدند، و خبر دادند: آماده باش هفته دیگر عازم عتبات باید بشوی. اعزام ما به عتبات عالیات؛ بعد از ظهر از مشهد احمدی علیه السلام شیراز بود، و صبح بعد مرز مهران بودیم، و شب حدود ساعت ۸.۳۰ به وقت محلی عتبات؛ به سامراء و حرمین شریفین عسکری و مهدوی علیه السلام رسیدیم. و آه... آه... آه... یا مولا مهدی علیه السلام! چقدر غریب است این مشهد الهی؟ که از همه اماکن به شما مخصوصتر و نزدیکتر؛ اما از همه مهجورتر! (عجل الله تعالی فرجك الشریف).

چون دو روزی قبل از عاشوراء بود، شب عاشوراء (به تقویم اهل حق) مشرف شدیم کربلا، و نذر شریفی را که داشتم به حضرت قدسی ثاراللهی علیه السلام (در شبیه شدن به مصائب ایشان و مواسات با حضرت زینب علیه السلام) جامه عمل پوشیدم، و دو سه روزی هم کربلا مشرف بودم، و پس از آن بیش از یک ماه در سامراء به همراهان بقیه خادمان مقیم شدیم، و در سلك عامران حرم عسکرین علیه السلام و حرم مهدوی علیه السلام (که محل تولد و خانه و محل اقامت و عبادت آقامان قطب عالم امکان حضرت مهدی (منه السلام) بود، به خدمت مشغول شدیم، و بهترین لحظات را در آن حریم انور الهی داشتم، سپس در وقت بازگشت از سفر خدمت

عتبات؛ یکی دو روز هم حرم شریف کاظمین علیه السلام مشرف بودیم، و سه روزی هم نجف اشرف به زیارت حرم مولا أمیر المؤمنین علی علیه السلام و مقامات الهیه در مسجدین شریفین کوفه و سهله موفق گشتیم.

ایام زیارت اربعین و تشریف پیاده ملیونها زائر حسینی علیه السلام از دهها و صدها کیلومتر راه بسوی کربلا بود، برای اینکه بهره ای برده باشم؛ گروهی را همراه کرده، و خود را به قافله دهها کیلومتری زائران پیاده ملحق نمودیم، و این توفیق خودش عنایت مستقلی در کرامات حاصله از توسل به حدیث کساء بود، و نیز آنچه که از ناحیه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام عنایت شد.

و دیگر چه بگویم از کراماتی که از این حدیث شریف آسمانی (کساء) نصیب شد، توفیق در توفیق، عنایتهای مداوم و وصف ناشدنی، که قلم از نوشتنش قاصر؛ و زبان از بیان آن عاجز است.

ولذا به پاس این عنایتها؛ هر در راه مانده ای را که می بینم می گویم:

دنیا می خواهی برو سراغ حدیث کساء،

آخرت می خواهی بچسب به حدیث کساء،

و بالاتر همه نیازها: معرفت می خواهی؛ مجلس حدیث کساء بر پا کن.

خواهش حاجت هر دو جهان؛ زِ دَرِ پِنجِ تَنِ آلِ عَبَّاسِ

وَهْ چَه حَقِ گَفْتَه: غِیَاثِ أَوْلِیَاءِ دَرِ تَوَسُّلِ بَه حَدِیْثِ کَسَااسِ

و الحمد لله رب العالمین

(۶۱) غیث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: مجمع کاربران فعال تالارهای سایت بنیاد حیات اعلی، و برگزار کنندگان مجلس توسل به حدیث کساء.

عنوان واقعه: شفای بیماری عفونی مزمن با توسل به حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (آ.ک) از شرکت کنندگان مجلس حدیث شریف کساء واقعه شفای بیماری خود را این چنین شرح می دهد:

حدود یک سال پیش بود که به یک بیماری عفونی مبتلا شدم، و حدود ۹ ماه با آن درگیر بودم؛ و با اینکه در ظاهر بیماری ساده ای بود ولی صحت حاصل نمی شد، و با وجود مراجعات متعدد به پزشکهای مربوطه و مصرف داروهای تجویزی آنها، هنوز یک ماهی از مصرف داروهای آنها نگذشته بود که بیماری بر می گشت، و باز هم نتیجه مطلوبی حاصل نمی شد، و این روشهای رایج فایده نمی کرد.

مدتی بود که در محله ما مجلس حدیث شریف کساء برگزار می شد و من هم گاهی در آن مجلس شرکت می کردم. در یکی از جلسات که رفته بودم کرامتی از حدیث کساء نقل شد که نظرم را جلب کرد. از کرامتهای ثبت شده در مجموعه "غیث الأولیاء فی التوسل بحدیث الکساء" که درباره گرفتن حاجت بوسیله این حدیث از خداوند متعال بواسطه اهل بیت پیامبر ﷺ بود و برکات شگفتی که در تلاوت و ختم

این حدیث شریف اهل بیت علیهم السلام عنایت می فرمایند. در آنجا با خودم گفتم: چرا من نیز نذر تلاوت این حدیث آسمانی را نکنم و از خداوند شفای خود را بواسطه آن نخواهم؟!

پس نذر چهل روز تلاوت حدیث کساء را کردم و تلاوت آن را شروع نمودم، و الحمد لله از همان ابتدای ایام تلاوت؛ آثار بهبودی پدیدار شد، و هنوز چهل روز به پایان نرسیده بود که بیماریم بطور کامل از بین رفت، پس چهل روز را به اتمام رساندم، و الآن چند ماه است که از آن ادای نذر می گذرد، و هیچ مشکلی از ناحیه آن بیماری ندارم و وضعیت جسمانیم در صحت کامل است.

و در پی این کرامتی که از این حدیث آسمانی یافتم؛ دیگر برای هر مشکلی که برایم رخ می دهد؛ به این حدیث قدسی پناه برده؛ و دیگران را نیز به این حدیث قدسی سفارش می کنم.

در پایان خداوند متعال را شاکرم که لطفش را از من دریغ نداشت و با این حدیث قدسی با برکت آشنا ساخت.

و الحمد لله رب العالمین

(۶۶۲) غیاث الأولیاء فی التوسل بحدیث الکساء

منبع: یکی از کاربران مرسولات "غیاث الأولیاء فی التوسل بحدیث الکساء" و از شرکت کنندگان در مجالس حدیث کساء.

عنوان واقعه: رفع مشکلات شغلی و معیشتی به همراه برطرف شدن مشکلات حاد شخصی و خانوادگی با توسل بوسیله حدیث قدسی کساء

شرح واقعه: خانم (ح.ک) از کسانی که مجموعه "غیاث الأولیاء" را استفاده می نموده، و در مجالس حدیث کساء مسجد محله خودشان نیز شرکت می کرده است، شرح حال گرفتن حاجت خویش بوسیله توسل با این حدیث قدسی را اینگونه نقل می کند که:

قبل از بیان نحوه توسل خود؛ لازم می دانم که شرح حال مختصری از مشکلات و شدت اضطرار خود را بنویسم، که از کجا؟ و چگونه؟ و چطور؟ به مرحله حاد و اسفباری رسیدم:

شوهرم به علت موقعیت شغلی در خارج از شهر محل سکونتمان کار می کرد، و هفته ای یکبار (معمولاً هر پنج شنبه و جمعه) به خانه بر می گشت، و دوباره از صبح شنبه به شهرستان محل کار خود می رفت، و ماهم در شهر سکونتمان در منزلی اجاره ای، با دو فرزندمان زندگی کرده، و در غیاب شوهرم؛ بار تربیت و اداره امور داخلی خانه به دوش من بود.

طی این سالهای زندگی مشترک؛ نمی دانم چه شد؟ که متاسفانه (بمخاطر نقصان معرفت و رها کردن خود در تخیلات زنانه) با خود گفتم: نکند او عیال دیگری اختیار کرده؛ و به همین دلیل تلاشی برای تغییر محل شغل به شهر محل زندگیمان نمی کند؟ و این خیالات واهی؛ در ذهنم قوت گرفت؛ و چون طبق عادت شایع زنان معمولی؛ که متاسفانه در رسانه ها آنها تشدید می کنند؛ به همه آیات قرآن و تمام دستورات دینی اسلام (مثل تعدد زوجات) ایمان نیاورده بودم؛ که اگر ایمان داشتم؛ می توانستم خودم را تسکین بدهم؛ و با خود بگویم بفرض که او عیال دیگری هم دارا باشد، من نباید زندگی خودم را خراب کنم؛ و طبق تعالیم اسلام آنها بپذیرم، اما این نقصان ایمان و آن خیالات (بدون اینکه حتی واقعیتی داشته باشد) تدریجاً تبدیل به حرف و گفتار هم شد، و وقتی شوهرم خسته و مانده از کار و طول سفر می رسید؛ من بجای اینکه پیوند بین خودمان را با گرمی و محبت تقویت کنم؛ و با روش اثباتی و سازنده؛ رابطه مان را آنچنان محکم کنم که بر فرض زوجیت دیگری هم در کار باشد، نتواند تاثیری در زندگی ما بگذارد، اما بمخاطر ضعف ایمانی؛ طبق عادت شایع و غلط؛ با روش منفی؛ آن خیالات و اوهام را تجسم بخشیده و به عنوان واقعیتی با شوهرم مطرح کرده؛ و به تنش بین خودمان دامن می زدم؛ در اثر این رویکرد غلط؛ جنگ و دعوای ما (که به خودی خود از دوری و مشکلات کاری شوهرم) گرم بود، با این رویکرد منفی من؛ و

حرفهایی که پیش می کشیدم؛ این مشکل هم مزید بر علت شد؛ و اختلافاتمان شدت گرفته و بدتر شد.

و خب با این حال و رویکرد غلط؛ و اینکه وسط دعوا هم که حلوا خیر نمی کنند، فلذا باعث می شد که زحمات یکدیگر را زیر سؤال ببریم، و بجای قدردان همدیگر بودن، به همدیگر زخم زبان می زدیم، و روحیه هر دوی ما خیلی خراب شده بود، شوهرم لحظه شماری می کرد که کئی شبه بشود و برود، و من هم طوری شده بودم که دیگر دلم نمی خواست حتی از خانه بیرون رفته؛ یا به میهمانی بروم و یا حتی کاری انجام دهم! فلذا خودم و بچه ها را محدود به خانه کرده بودم؛ و محرمی هم نداشتم که با او درد و دل کنم، تا شاید بار دلم سبکتر شود.

تا اینکه خواهرم به شهر ما برگشت، و من امید تازه ای پیدا کردم، حداقل دیگر احساس تنهایی نمی کردم، و با هم به مجالس تعلیم و حفظ قرآن می رفتیم؛ حالم بهتر شده بود، و حتی بعض اوقات درخواست برگزاری مجلس حفظ قرآن را در خانه مان را می دادم، و ماه مبارک هم که شد حتی به دوستان جلسه قرآن افطاری هم دادم، و با این موهبت پیش آمده؛ احساس می کردم باید از خدا بیشتر بخواهم، و دوباره به کارهای هنری نیز روی آوردم (قبلا کارهای هنری می کردم) و پیشرفت تحصیلی دخترم خوشحالم می کرد؛ احساس خوب زندگی کردن را با تمام وجودم می خواستم، و بعد از هر نماز از خدا می خواستم که کمکم کند، و مثل همیشه مشکلاتم را حل کند.

اما از طرفی وقتی که شوهرم به خانه می آمد؛ دوباره نیش و کنایه های من شروع می شد، و هر کدام با اشتباهاتی که داشتیم؛ خانه می شد محل جنگ و دعوا؛ با رفتار منفی و سردم او را در موضع منفی قرار می دادم، کارهایی هم که شوهرم می کرد تمامی نداشت، و چنان حرفها و نیش و کنایه ها تاثیر منفی داشت که حتی می خواست کار به کتک کاری بکشد.

و خلاصه حرف و حدیثهایی هم که در بین فامیل زده می شد (که هیچکدام سازنده نبود) ناراحت می کرد، و هر کدام به نوعی این حق را به خودشان می دادند که نظری بدهند، آن هم در جهت تشدید خیالات منفی من؛ و تحریک من در جهت دلسرد شدن از زندگی زوجیت بین ما. مثلاً می گفتند: چرا تنهایی؟ چرا تنها زندگی می کنی؟ پس چه موقع شوهرت پیش شما برمی گردد؟ این دیگر چه زندگی کردنی است؟ شبها از کابوس این حرفها خوابم نمی برد و تا صبح بیدار می ماندم. آخرین باری که دعوی شدیدی با شوهرم کرده بودم دیگر عزمم را جزم کردم؛ و با هم تصمیم گرفتیم که از هم جدا شویم، و به این همه تنش و استرس و اضطراب خاتمه دهیم.

پس از سالها زندگی مشترک؛ الآن در زندگی به بن بست رسیده بودم؛ که هر چه تلاش می کردم تا از این مانع؛ خود و خانواده را؛ به سلامت نجات دهم؛ اما نتیجه نمی گرفتم، و دیگر از این در و آن در زدن خسته و افسرده شده، و کم کم صبر و تحملم رو به پایان بود، و مشکل به جایی رسیده بود؛ که دیگر نمی توانستم آن را پنهان کنم، و اطرافیان هم متوجه

شده؛ و از این روند فرساینده؛ خسته شده بودند، و با این حال نمی خواستم باور کنم؛ که با این همه صبری که برای حفظ زندگی از خویش نشان داده بودم؛ اما این چنین بی نتیجه شده؛ و جوابی هم نگرفته باشم، و با وجود علاقه ام به ادامه زندگی؛ مع الاسف تنها راه را؛ فقط در طلاق می دیدم؛ علیرغم بی میلی من به آن؛ و لحظه ای ذهنم و وجودم آرام نمی گرفت، و کارم شده بود اشک ریختن؛ و به هر طریق ممکن دست و پا زدن؛ تا شاید فرجی بشود.

نمی دانم؟ چه چیزی پیش آمد! که در آخرین باری که این تصمیم را گرفته بودیم. با یکی از اهل جلسه قرآن که صحبت می کردم، تلفنی مشکل را مطرح نمودم، و از او خواستم مرا کمک کند، و او به منزل ما آمد و شرح مشکل مرا شنید، و با حوصله خوب گوش کرد، و برخلاف هر که تا به حال مرا دلسرد کرده یا تشدید ذهنیت و خیالات واهی من می کرد؛ اما او مثبت برخورد نموده، و خیلی با من صحبت کرد و ضمن آن پیشنهادی به من داد که: بیا و برای آخرین بار یک ختم چهل روزه حدیث کساء بگیر، و من به او گفتم که: قبلاً حدیث کساء را خوانده ام و جوابی نگرفته ام؛ و کار ما دیگر از این مسائل گذشته؛ و راهی بجز طلاق نمانده است، و اصلاً مشکل اینقدر بزرگ شده است که دیگر از دست هیچ کس کاری بر نمی آید! بعد این صحبت های من، ایشان شروع کرد در رابطه با معرفت صحیح نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ؛ و معرفت صحیح را برای من توضیح داد که: همه امور عالم بدست اهل

بیت علیه السلام است و به حول و قوه الهی؛ بر هر کاری توانا و قادرند، و دستشان فراتر از همه دستهاست، و ملجأ و پناه خلق عالمند؛ از دلیل خلقت بودن ایشان و امور بندگان و خلق بدست ایشان بودن و قبولی توبه آدم ابوالبشر تا رهایی نوح نبی از گرداب بلا و همچنین نجات ابراهیم خلیل از آتش نمرود و تا این زمان همه به دست ایشان بوده است؛ و مفصل توضیحاتی در معرفت شایسته به حضرات اهل بیت علیهم السلام دریافت کردم، و از وقایع **غیاث الأولیاء فی التوسل بحدیث الکساء** نیز با ماجراهای برخی از کسانی که با توسل به پنج تن آل عبا علیهم السلام به حاجتهای مهم خویش رسیده اند نیز آشنا شدم، پس دلم قرص شد و با خود گفتم: من دیگر از همه چیز و همه جا بریده ام، و این بار با همان حال اضطراری که داشتم؛ بیش از پیش از خدا و پنج تن آل عبا می‌خواهم تا کمکم کنند، تا شاید این آخرین راه، فرصت دوباره ای برای زندگی کردن به من بدهد.

با دستانی لرزان و چشمانی اشکبار و دلی پر خون و محنت کشیده و فارغ از همه چیز و همه کس؛ در ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴ قمری ختم چهل روز حدیث کساء را شروع کردم.

۱- با شروع ختم این حدیث آسمانی؛ انگار آبی آسمانی بر آتش دلم ریخته باشند؛ دیگر از آن همه تنفر خبری نبود! هنوز مدت ۴۰ روز تمام نشده بود که یکی پس از دیگری کرامات حدیث شریف آشکار شد! ۲- ابتدا شوهرم خودش راضی شد محل کارش را تغییر داده؛ و به محل سکونتمان

انتقال دهد! (و البته این را هم بگویم قبلا هم این کار را کرده بود اما نتیجه نگرفته بود، چون کارش تعمیر کار ماشینهای سنگین است و در اینجا چون هنوز جا نیفتاده بود؛ ضرر کرده بود، و باز به همان بیرون از شهر برگشته بود، و متأسفانه من با اینکه علت را می دانستم آنرا تفسیر غیر واقعی می کردم، و زوجیت مان را زیر سؤال می بردم)، ۳- خلاصه بصورت معجزه آسایی کل کار را انتقال داد، و نه تنها ضرر نکرد نفع هم برد! ۴- و جالبتر اینکه؛ کارش هم آنچنان گرفت و موفقتر از محل قبلی (بیرون از شهر) مشغول به کار شد! ۵- و بگویم هنوز چهل روز تمام نشده بود که یک محل مناسب نیز اجاره کرد! ۶- و عجیبتر که بعد مدت کوتاهی محل کارش را هم خریداری کرد!!! ۷- و این گشایشها باعث خوشحالی همه ما شد؛ و سبب شفای ذهنی من نیز شد، و رابطه ما هم بهبود یافت! چندین کار که سالها مشکل حل نشدنی به نظر می رسید؛ یا اقدام شده بود ولی بی نتیجه بود؛ یا برعکس ضرر هم داشت با این چهل روز ختم حدیث کساء به نحو شیرینی و به خوبی و خوشی در همان ایام انجام شد!!! ۸- اما این عنایات در معیشت زندگی؛ همه کرامات این حدیث نبود؛ بلکه کرامت بزرگ آن در ارتباط بین من و شوهرم بود؛ با آمدن شوهرم به شهر ترسی هم وجود داشت؛ اینکه ما پیش هم باشیم؛ حتما دعواهایمان هم بیشتر خواهد شد، و خدایا! آیا دارم خواب می بینم! ۹- دیگر از آن همه تنش و دعوا و زخم زبان نه تنها خبری نبود؛ بلکه محیط خانه آن قدر آرام و دوست داشتنی شده بود (که فراتر از آنچه فکر

می کردم از این حدیث پربرکت بگیرم شده بود) و شدید مانند زوجیهایی که تازه با هم ازدواج می کنند، نه تنها دعوا و مشاجره ای نبود؛ بلکه احساس خوب زندگی کردن را هم خداوند به ما داد! همانطور که در توسلات و دعاها می خواستیم؛ و از آن تاریخ تا به حال بیش از دو سال می گذرد و همه آن خاطرات تلخ به دفتر تاریخ پیوست. ۱۰- درسی که این توسل و برآورده شدن حاجات بوسیله آن؛ به من داد؛ این بود که به من نشان داد؛ چطور دامن زدن به توهمات و احساسات غیرصحیح؛ و ایمان نداشتن به تمام دستورات اسلامی؛ و بر اساس احساسات و عادات ناپیراسته و رایج عمل کردن؛ چطور سالها بدست خودم؛ خودم و خانواده ام را در فضای بدبینی و استرس و تشنج محبوس کرده بودم؛ بلکه بسوی برهم زدن کانون خانواده می رفتم، این توسلات و برآورده شدن حاجات مرا متنبه کرد، تا سعی کنم دیگر این عدم التزام به دستورات دینی را نداشته باشم، و براساس احساسات غلط رفتار نکنم.

همانطور که گفتم؛ قبلا هم حدیث کساء را خوانده بودم، ولی عقیده ام راسخ نبود، و معرفتم نسبت به اهل بیت علیهم السلام ناقص بود، تا اینکه بطور مفصل از معرفت حقیقی به اهل بیت علیهم السلام و از وقایع **غیاث الأولیاء فی التوسل بحدیث الکساء**؛ بهره مند شده؛ و به معارف نورانی این حدیث و معرفت والا نسبت به اهل بیت علیهم السلام آشنا شده؛ و یقینم افزوده شد؛ و دلم با این معرفت محکمتر شده بود، و فهمیدم که اجرای همه امور در گرو عنایت اهل بیت علیهم السلام می باشد، در نتیجه بعد مدتها اضطراب با این

معرفت توانستم بوسیله این حدیث آسمانی متوسل شوم؛ و تلاوت این حدیث؛ با تلاوتهای دفعات قبل تفاوت می کرد؛ و در همان مدت کوتاه ختم حدیث؛ کرامات و عجایب آن را فوراً در زندگی دیدم؛ و نتایج افزوده شدن معرفت و ارزش پیدا کردن اعمال با معرفت نسبت به حضرات اهل بیت علیهم السلام را به عینه دیدم؛ و فهمیدم که در رأس همه امور معرفت به وجه الله است، که حضرات مقدسه علیهم السلام هستند.

خلاصه؛ ختم چهل روز را به اتمام رساندم، و خوشبختانه هر هفته در مسجد محله مان مجلس حدیث کساء برگزار می شود، و من سعی می کنم به اتفاق همه اعضای خانواده به مسجد رفته و در این محفل نورانی شرکت کنم، و باز هم می گویم این عنایاتی که نصیب شد؛ چیزی جز معجزه الهی نیست! کاری که هیچ مشاور خانواده؛ و یا فرد متخصص و حتی ریش سفیدی نتوانست برایم آنرا حل کند، و این گونه حدیث کساء به مانند نسیم خنک برخاسته از اقیانوس لطف و رحمت اهل بیت علیهم السلام؛ مشکلاتم را حل کرد.

و تا کنون نه تنها خودم؛ بلکه هر که را می بینم گرفتاری دارد؛ به او می گویم: چرا از حدیث کساء غافل؟! وضعیت تو که از من بدتر نبوده، و او را به "خواندن و ختم چهل روز این حدیث قدسی عظیم و پربرکت" راهنمایی می کنم.

همانطور که در حدیث کساء؛ حضرت پیامبر ﷺ تضمین فرمودند که اگر در محفلی از شیعیان و محبینشان؛ این حدیث خوانده شود؛ خداوند غم مغمومان در آن جمع را می زداید، و حاجت خواستاران حاجت را برآورده می فرماید: **وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَأَصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبَرْنَا هَذَا؛ فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُجَبِّينَا؛ وَ فِيهِمْ مَهْمُومٌ؛ إِلَّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَ لَا مَعْمُومٌ؛ إِلَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ عَمَّهُ وَ لَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.**

خداوندا تو را بر این نعمات فراوان شاکرم، که مرا به معرفت و برکات این حدیث آسمانی رهنمون ساختی؛ و بر حضرات پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ درود و سلام می فرستم، و فرج مولای غریبم امام زمان (منه السلام وعلینا سلامه و الیه التسلیم و عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کمال امنیت و عافیت و نورانیت می خواهم.

و الحمد لله رب العالمین

فَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
أَهْلِ بَيْتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى
عَنْبَتِكَ يَا حَبِيبِي
أَهْلَ الْبَيْتِ يَا
رُحَمَاءِ

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تحجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیتی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دائر المعارف الإلهیة

۱۲ ربیع الأول ۱۴۳۸

<http://Aelaa.net>

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین